

۵۷۳



کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۹ تا پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و سوم - شماره ۲۰۳۹

شکست دیپلماسی، تشدید جنگ

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۳۹ (۵۷۳)

۹ تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۵

۳۱ ژوئیه تا ۶ اوت ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه ها و عاشقانه ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایند.

Web: www.pirnia.com



Email: pirnia@pirnia.com



کیهان

فهرست مطالب**

۴	 سرمقاله - سرکوب هرگز ضامن بقانیت! / روشنک آستر کی
۴-۵	 تیر هفته - شکست دیپلماسی، تشدید جنگ ... /
۶	 پیام شهبانو فرح به مناسبت چهل و ششمین سال در گذشت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ... /
۶	 پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت چهل و ششمین سال در گذشت شاهنشاه آریامهر ... /
۷	 شاهزاده رضا پهلوی: ملی گرایی واقعی، ایستادن در کنار ملت ایران و مبارزه‌ی دلبرانه‌شان است و ... /
۷	 آمریکاباماندن جمهوری اسلامی چقدر ضرر می‌کند؟ ... / فرید خلیفی
۸-۹	 آکسیوس: مقام‌های آمریکایی معتقدند تحریم‌های تواندیش از بمب‌ها به حکومت ایران آسیب‌بزنند ... /
۹	 آکسیوس: اسرائیل آماده حمله به جمهوری اسلامی بود اما ترامپ با گسترش حملات موافقت نکرد ... /
۱۰	 ترامپ کمبود تسلیحات را رد کرد؛ ارائه یک طرح جدید توسط آمریکابا به جمهوری اسلامی به عنوان ... /
۱۱	 محاکمه خدا ... / اخیر اندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۳	 گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۴) ... /
۱۴	 توقف حملات آمریکا و تداوم عملیات نظامی نیابتی‌های جمهوری اسلامی ... /
۱۵	 تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده ... /
۱۶-۱۷	 روزنامه «تلگراف»: انتقال عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی به انگلیس از طریق کانال مانش ... /
۱۷	 جدال جمهوری اسلامی با اوکراین؛ ولودومیر زلنسکی: روسیه به رژیم ایران اطلاعات پایگاه‌های آمریکا ... /
۱۸-۱۹	 پوچ گرایی در سیاست حکومت اسلامی: «نه» به دولت و ملت و همسایگان و جهان! ... / حازم صاغیه (الشرق الاوسط)
۱۹	 دیدار پزشکان میهن دوست با شاهزاده رضا پهلوی ... /
۲۰-۲۱	 لوموند: فرانسه پس از بازداشت و ضرب و جرح دودیل‌مات در تهران، درباره امنیت شهر وندانش ... /
۲۱	 جمهوری اسلامی از آغاز جنگ چقدر به آمریکا سود رسانده؟ ... / فرید خلیفی
۲۱	 دست‌درازی جمهوری اسلامی باز هم در جیب مردم: این بار با بنزین! ... / بهنام محمدی
۲۲-۲۳	 وداغ با «عمولیندزی»، سناتور محبوب ایرانیان: شاهزاده رضا پهلوی: او در کنار مردم ایران ایستاد ... /
۲۳	 حمله مشترک آمریکا و عربستان سعودی به مواضع حشد الشعبی در عراق ... /
۲۴-۲۵	 هوش مصنوعی درباره آینده هوش مصنوعی چه می‌گوید؟ ... / دیوید اعتباری
۲۵	 سومین جشنواره «بنیاد کوچ» در دانشگاه سواس لندن ... /
۲۶-۲۸	 آریامهر، نفت و منافع ملی ایران: از ملی شدن مالکیت تاملی کردن منافع (بخش ۱) ... / نامدار بقایی
۲۹	 روترز: جمهوری اسلامی حدود ۴۰۰ قبیضه «دوش پر تاب» از چین وارد می‌کند ... /
۳۰	 موشک پرانی جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی اردن همزمان با رد پیشنهاد عمان برای مشارکت در ... /
۳۱	 پشت پرده بمباران جلسه شورای عالی دفاع: فرماندهان برای بررسی شیوه سرکوب اعتراضات ... /
۳۲	 دونالد ترامپ در گفتگو با فاکس نیوز: آمریکا حساسی از خجالت جمهوری اسلامی در خواهد آمد ... /
۳۲-۳۳	 تایمز اسرائیل: عاصم منیر با تهدید به توقف پروژه مشترک نفتی با احمد وحیدی، ایران را ... /
۳۳	 حمله مجدد آمریکا به تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ... /
۳۴	 اعدام در ملاء عام: اجرای حکم ابوالفضل سیاهی بادجانی و امیر حسین صفری حسین آبادی ... /
۳۵	 تشکیل ۵۹ پرونده علیه «تراستی» هادرقوه قضاییه: خزانة خالی یا تسویه حساب‌های بین‌جانی؟ ... /
۳۶	 علت آلودگی تابستانی هوای تهران مشخص شد ... /
۳۷	 سرکوب سازمان یافته آموزش گاران: دست کم ۶۰ موزگار پس از اعتراضات دی ماه بازداشت یا ... /
۳۸	 هواپیمای هدیه‌ی قطر و تگرانی‌های امنیتی آمریکا ... /
۳۹	 بررسی طرح خروج اورانیوم غنی شده از ایران توسط آمریکا ... /
۴۰	 پیش‌بینی دلار ۲۸۰ هزار تومانی و هشدار درباره بروز «آبر تورم» در اقتصاد ایران ... /
۴۱	 افزایش نرخ یکبارگی در بهار امسال؛ حذف بی‌صدای زنان از بازار کار ایران ... /
۴۲	 تورم ۸۸ درصدی در تیر ماه: تصویری از بحران‌های انباشته در اقتصاد ایران ... /
۴۲-۴۳	 بحران در اصفاف و صنایع؛ از کاهش تولید و فروش تا زین رفتن «سرمایه فعال صنفی» با قطع برق ... /
۴۴	 واکنش بازارها به کاهش حملات نظامی میان آمریکا و جمهوری اسلامی ... /
۴۵	 نبی‌ای از جمعیت ایرانی طی دو سال آینده به زیر خط فقر سقوط می‌کنند ... /
۴۶	 اکبر عبدی، بازیگر معروف ایرانی، در گذشت ... /
۴۶-۴۷	 فقر و گرانی؛ افزایش تقاضا برای پرداخت اقساطی هزینه دارو و درمان ... /
۴۸	 تنش آبی ۵۸ شهر و ۳۴ میلیون نفر در ایران را تهدید می‌کند ... /
۴۹	 آتش دوباره بر جان هورالعظیم افتاد ... /
۵۰-۵۱	 خانوارهای کاری در ایران تنها دو ماه دیگر در برابر فقر و فلاکت «تاب‌آوری» دارند ... /
۵۱	 اتحادیه اروپا پنج قاضی و یک هکر جمهوری اسلامی را تحریم کرد ... /
۵۲	 افزایش رقم کالابرگ بی‌فایده است: دولت باید رقم دستمز در امتناسب با نرخ تورم افزایش دهد ... /
۵۳	 صنایع درگیر خسارت ناشی از قطع برق؛ هشدار درباره کمبود گاز در زمستان امسال ... /
۵۴-۵۵	 خبرهای کوتاه ... /
۵۶	 پشت جلد - عکس هفته / پادشاهان ایران ساز پهلوی



بازنشر
بازنشر

سرمقاله

سرکوب هرگز ضامن بقا نیست!

اجرای حکم اعدام ابوالفضل سپاهی‌بادجانی و امیرحسین صفری‌حسین‌آبادی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، در ملاء عام، بار دیگر نشان داد که جمهوری اسلامی بطور سازمانیافته صدور و اجرای احکام اعدام علیه فعالان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری را در دستور کار قرار داده تا شاید با تکرار فضای «دهه شصت» و هراس‌آفرینی، بقای نظام را تأمین کند!

از آغاز جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ تا کنون، دست‌کم ۵۰ زندانی با اتهامات سیاسی و امنیتی اعدام شدند. ده‌ها معترض زندانی نیز با اتهامات سنگین در معرض خطر اعدام قرار دارند.

سرکوب خونین و بی‌رحمانه شهروندان بی‌دفاع در اعتراضات دی ۴۰۴، پرونده‌سازی با اتهامات سنگین و صدور احکام اعدام و حبس طولانی علیه شهروندان معترض، بازداشت هزاران تن از آغاز جنگ با اتهامات واهی امنیتی از جمله «جاسوسی» و «همکاری با دشمن»، و اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی که پیشتر احکام آنها صادر شده بود، همگی از جمله اقدامات قهرآمیز حکومتی هستند که طی ماه‌های گذشته بطور سازمانیافته افزایش یافته است.

در شرایطی که جنگ و اعتراضات داخلی حکومت را در وضعیتی شکننده قرار داده و ساختار درونی رژیم نیز به دلیل حذف رهبری و زمامداران ارشد کشوری و لشکری در کنار اختلافات جدی بقایای نظام بیش از پیش آسیب‌پذیر شده، مثل همیشه تشدید سرکوب تنها «تاکتیک» جمهوری اسلامی برای «تضمین بقا» به شمار می‌رود.

در این میان قوانین کیفری نیز بطور هدفمند با اتهامات واهی علیه متهمان «امنیتی» و «سیاسی» همراه با اعتراف‌گیری اجباری زیر شکنجه، امکان تنظیم کیفرخواست‌های سنگین را فراهم کرده و در روندی ناعادلانه از جمله محرومیت متهمان از داشتن وکیل انتخابی، دست حاکمان شرع و دادگاه‌های انقلاب را برای صدور احکام اعدام باز گذاشته است.

جمهوری اسلامی، هم بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و هم در دهه شصت، توانست با سرکوب و حذف مخالفان و منتقدان، پایه‌های خود را تثبیت کند. اکنون نیز به نظر میرسد بقایای نظام تلاش دارند با تکرار «دهه شصت» و به کمک بازداشت‌های فله‌ای و اعدام‌های متعدد، بار دیگر رژیم را از یک پیچ سخت تاریخی عبور دهند. آنهم در حالی که حکومت همه پلهایی را که اندکی احتمال داشت آشتی مردم را با آن ممکن سازد، خراب کرده و جایی برای ترمیم فاصله عمیق میان «ملت» و «دولت» باقی نگذاشته است. مهمتر آنکه پیکره باقیمانده از نظام نیز همچون خانه‌ای بر آب توان حفظ خود را ندارد.

از سوی دیگر، نادیده گرفتن تفاوت‌های شرایط امروز جامعه با دهه شصت، یک اشتباه بزرگ محاسباتی است؛ زیرا سرکوب بی‌امان که زمانی ممکن بود «اثر بازدارندگی» داشته باشد، سال‌هاست نتیجه‌ی عکس داده و سبب افزایش خشم و تقویت اراده اجتماعی برای عبور از حکومت شده است.

در چنین شرایطی، اگرچه شاید سرکوب و کشتار بتواند برای مدتی بروز اعتراضات بعدی را به تأخیر بیاندازد اما مطلقاً استمرار و بقای نظام را تضمین نمی‌کند. بررسی اعتراضات دست‌کم یک دهه گذشته در ایران نشان می‌دهد جمعیت معترض هر بار بیشتر و با اراده‌ای قوی‌تر علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمده است.

همین روند است که با گسترش خود، تاکتیک «سرکوب برای بقا» را بی‌اثر می‌کند و خشونت‌های عریان و ضدبشری علیه هزاران هزار شهروند معترض، سرانجام خود حکومت را سریع‌تر به پرتگاه می‌راند.

تیتراژ هفته

شکست دیپلماسی، تشدید جنگ



● موج دوم حملات آمریکا به زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی پس از یک وقفه کوتاه، مجدداً از سر گرفته شد.

● این حملات بلافاصله پس از دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در واشنگتن آغاز شد. نتانیاهو برای شرکت در مراسم تشییع پیکر سناتور لیندسی گراهام به واشنگتن سفر کرده بود.

● به گفته یک مقام ارشد اسرائیلی، در دیدار نتانیاهو و ترامپ سه گزینه برای آینده جنگ با جمهوری اسلامی بررسی شد: دستیابی به توافق، ادامه فشار اقتصادی از طریق تحریم‌ها و تداوم محاصره، یا تشدید اقدامات نظامی.

● جمهوری اسلامی در عمل به ترامپ و آن گروه از اطرافیان او که در پی «توافق» با رژیم ایران بودند نشان داد که حتی پس از کشته شدن علی خامنه‌ای و ده‌ها فرمانده ارشد نظامی پرنفوذ، هیچ امیدی به تغییر رفتار باقی‌مانده‌های نظام نیست. یعنی به باور عمومی آنها «سر و ته یک کرباس‌اند». این دقیقاً مسئله‌ای است که تاکنون فقط مردم ایران و رهبران اسرائیل به آن رسیده‌اند.

مراکز وابسته به ارتش ملاحظات داشت. اما در دور جدید حملات، چندین پادگان ارتش، از جمله لشکر ۹۲ زرهی اهواز و پادگان صفر هفت کازرون، هدف قرار گرفتند. این حملات بلافاصله پس از دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در واشنگتن آغاز شد. نتانیاهو برای شرکت در مراسم تشییع پیکر سناتور لیندسی گراهام به واشنگتن سفر کرده بود.

براساس آنچه در خاورمیانه می‌گذرد، جنگ رو به گسترش است، تا جایی که یک کشتی در بندر دمياط مصر در ساحل دریای مدیترانه هدف حمله قرار گرفت. دو منبع ایرانی که هویتشان فاش نشد، به «نیویورک تایمز» گفتند این حمله به یک نفتکش ذخیره‌سازی گاز متعلق به آمریکا، با هدف نشان دادن توانایی جمهوری اسلامی برای ایجاد اختلال گسترده‌تر در کشتیرانی جهانی و عرضه انرژی، در صورت تشدید تنش‌ها، طراحی شده بود.

به نوعی، این حمله را می‌توان پاسخی به حمله

موج دوم حملات آمریکا به تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی پس از یک وقفه کوتاه، مجدداً از سر گرفته شد. نه تنها پیشنهاد تازه آمریکا درباره «تنگه هرمز» که به واسطه عمان به جمهوری اسلامی ارائه شد، مورد موافقت مافیای حاکم بر ایران قرار نگرفت، بلکه سپاه پاسداران و ارتش با موشک و پهپاد علاوه بر کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و زیرساخت‌های دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس نیز حمله کردند.

دور تازه حملات آمریکا از پیماران سنگین مواضع حشدا لشعبي در عراق آغاز شد که طی آن حدود ۵۰ نفر کشته و زخمی شدند. دست‌کم چهار عضو سپاه پاسداران نیز در میان کشته‌شدگان بودند. در روزهای بعد، ده‌ها هدف در مناطق مختلف ایران پیماران شد که تلفات و خسارت‌های سنگینی به همراه داشت.

آمریکا در حملات پیشین خود، چه در جریان جنگ ۴۰ روزه و چه پس از آن، در هدف قرار دادن پادگان‌ها و

در بُعد عملیاتی، آنچه اکنون برای حکومت باقی مانده، هدفگیری‌های موردی پایگاه‌های آمریکا و زیرساخت‌های کشورهای منطقه با اتکا به کمک‌های اطلاعاتی چین و

تا حدی روابطشان را ترمیم کنند.»
اینکه موج دوم حملات آمریکا به جمهوری اسلامی پس از دیدار نتانیاهو و ترامپ آغاز شد، از دید عموم حاکی از نفوذ

→ اوکراین با استفاده از پهپادهای دوربرد به یک کشتی جمهوری اسلامی در شمال دریای خزر دانست؛ کشتی‌ای که گفته می‌شد محموله‌ای از تسلیحات را به روسیه منتقل می‌کرد.



روسیه است.
میزان خسارات و تلفاتی که جمهوری اسلامی طی این مدت دید، اصلاً قابل مقایسه با طرف‌های دیگر درگیر در جنگ نیست. مهمتر آنکه برای اغلب طرف‌های جنگ جبران این خسارات دستکم از نظر اقتصادی ممکن است، اما جمهوری اسلامی عملاً دچار ورشکستی شده است و امکان جایگزینی و جبران خسارات در اغلب موارد را ندارد. به‌عنوان مثال اگر جمهوری اسلامی همچنان در ایران حاکم باشد، محال است کشور نیروی دریایی، هوایی و پدافندی داشته باشد که بتواند از کیان مملکت دفاع کند.
براساس آخرین گزارش‌ها نگرانی از عملیات زمینی ارتش آمریکا و همچنین ترس از اعتراضات اجتماعی، حکومت را بر آن داشته است تا بخش بزرگی از طرفداران خود را مسلح کند. در واقع رژیم برای حفظ خود دست به یک ریسک پرخطر زده و اسلحه را از پادگان‌ها خارج کرده است، اقدامی که می‌تواند در بزنگاه اثر معکوس علیه خود حکومت داشته باشد.

خشم عمومی در بالاترین حد ممکن است، بویژه آنکه رژیم از هر فرصتی برای اعدام جوانان معترض که در خیزش ملی بازداشت شدند بهره می‌برد. در چنین فضایی، اگر مردم کوچکترین فرصتی پیدا کنند، احتمالاً با تجدید قوا در برابر حکومت خواهند ایستاد؛ همان‌گونه که بسیاری امیدوارند تشدید حملات به مواضع سپاه پاسداران و بسیج، چنین فرصتی را فراهم کند.

زیاد نتانیاهو در تصمیمات ترامپ است. در آمریکا آن‌دسته سیاستمداران و رسانه‌هایی که همچنان در پی مداخلات با رژیم ایران هستند، همین را به‌عنوان «سیاست‌های جنگ‌طلبانه» اسرائیل تبلیغ می‌کنند، با این همه نتانیاهو اما تأکید کرده است که «ترامپ درباره جنگ ایران تصمیم‌گیری می‌کند» و شاید این دقیقاً همان چیزی باشد که رئیس جمهوری آمریکا دوست دارد بشوند.
واقعیت آن است که جمهوری اسلامی در عمل به ترامپ و آن گروه از اطرافیان او که در پی «توافق» با رژیم ایران بودند نشان داد که حتی پس از کشته شدن علی خامنه‌ای و ده‌ها فرمانده ارشد نظامی پرنفوذ، هیچ امیدی به تغییر رفتار باقی‌مانده‌های نظام نیست. یعنی به باور عمومی آنها «سر و ته یک کرباس‌اند». این دقیقاً مسئله‌ای است که تاکنون فقط مردم ایران و رهبران اسرائیل به آن رسیده‌اند.

اوضاع وخیم جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی عملاً از خرداد ۱۴۰۴ درگیر جنگ است. طی این مدت، نیروی هوایی جمهوری اسلامی به‌طور کامل زمینگیر شده، سامانه‌های پدافندی از میان رفته‌اند و تنها برای رهگیری محدود ریزپرنده‌ها یا پهپادهای شناسایی کارایی دارند. آسمان ایران به مسیر رفت‌وبرگشت هواپیماها و پهپادهای مهاجم تبدیل شده و توان نیروی دریایی ارتش و سپاه نیز عملاً به هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری بی‌دفاع محدود شده است.

دیدار سرنوشت‌ساز نتانیاهو و ترامپ

دیدار نتانیاهو با ترامپ در کاخ سفید از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. یک مقام اسرائیلی به پولیتیکو گفت، نتانیاهو برای تأثیرگذاری بر رویکرد دولت ترامپ در قبال جنگ با حکومت ایران، ترجیح داد، از توصیه به هرگونه اقدام مشخص خودداری کند و فعلاً تنها اطلاعات و مشورت‌هایی را در اختیار طرف آمریکایی قرار دهد.
این رویکرد، به‌طور ضمنی، نشان می‌دهد که اسرائیل و بویژه بنیامین نتانیاهو دریافته‌اند که در تعامل با دونالد ترامپ باید با احتیاط بیشتری عمل کنند.
به گفته این مقام ارشد اسرائیلی، در دیدار نتانیاهو و ترامپ سه گزینه برای آینده جنگ با جمهوری اسلامی بررسی شد: دستیابی به توافق، ادامه فشار اقتصادی از طریق تحریم‌ها و تداوم محاصره، یا تشدید اقدامات نظامی. در مراحل اولیه این درگیری، نتانیاهو و مشاورانش توصیه‌های صریح‌تر و مشخص‌تری به ترامپ ارائه می‌کردند و حتی طرحی نظامی را پیشنهاد داده بودند که بر اساس آن قرار بود حکومت ایران به‌سرعت سقوط کند.

یکی از مقام‌های دولت ترامپ که او نیز به دلیل حساسیت موضوع نخواست نامش فاش شود، گفت اسرائیلی‌ها می‌دانند که تصمیم‌گیرنده نهایی ترامپ است، بنابراین مراقب هستند این‌گونه برداشت نشود که در حال تحمیل خواسته‌های خود به او هستند. او افزود: «آن‌ها باید

حتی قادر به تهیه مایحتاج اولیه زندگی اش هم نیست. ایران تو در مهم‌ترین کارخانه‌های جهان سرمایه‌گذاری می‌کرد، و به کشورهای اروپایی پول قرض می‌داد، و امروز کاسه گدایی دولت آن در انتظار اجازه آمریکا برای خرید غذاست. پادشاه تاجدار من، به تو به عنوان همسری بی‌مانند و مهربان، و پدری با علاقه و توجه بسیار به زندگی و تربیت فرزندان درود می‌فرستم.

به تو به عنوان «بزرگ ارتشتاران فرمانده» درود می‌فرستم. تو با جهان‌بینی، برای میهن‌ات پنجمین نیروی دفاعی جهان را به وجود آوردی، تا هیچ کشوری حتی فکر تجاوز به ایران را هم به خود راه ندهد.

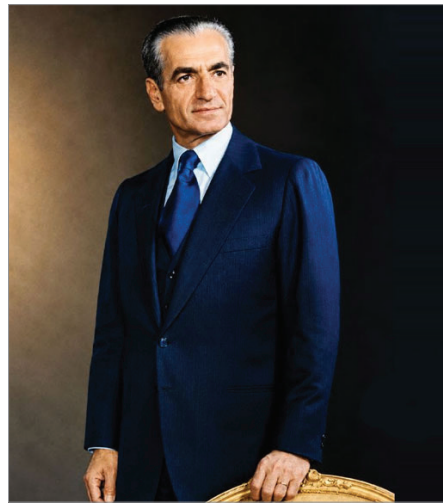
نسل جوان و برومند امروز ایران، همانهایی که رژیم اسلامی با صرف هزینه‌های هنگفت و دروغ‌های بزرگ درباره دوران ما، می‌خواست حامی خودش باشد، با آگاهی بسیار از آنچه ما ساختیم، با دست خالی، ولی با اراده‌ای آهنین رو در روی آنها ایستاده، به خاندان پهلوی درود می‌فرستد، و با صدای بلند سقوط رژیم وحشت را می‌خواهد.

همین چندی پیش شاهد بزرگترین کشتار تاریخ ملتی توسط دولت حاکم‌اش بودیم، ده‌ها هزار جوان برومند ما به فرمان رهبران امروز ایران، در تنها دو روز در خاک و خون غلتیدند، و ملتی را داغدار و خونخواه خود کردند. امروز همان رهبران در آتش جنگی خانمانسوز، سخت درگیرند، و ملتی که آرزو همه چیز داشت، امروز گرسنه، بی‌دفاع و مستأصل می‌داند با چه فردایی روبروست. رضا، پسر بزرگت که هنگام رفتن تو جوانی ۱۹ ساله بود، رهبری بازپس‌گیری ایران و رسیدن به دوران گذار را به عهده گرفته.

امید من و همه ایرانیان است که با پیروزی نهایی نور بر تاریکی، ایرانیان، یکدل و یک‌صدا، و دست در دست هم کمر همت به ساختن آینده آن ببندند، و از نو ایرانی پیشرفته و سربلند بسازند.

تا آنروز و آن خبر، با درود بر تو و عشقی بی‌پایان

فرح پهلوی



بعضی دیگر قرار گرفت، و ابرقدرت‌ها نیز به تدریج با نگاه‌های نگران به آن نگریستند.

در انتهای آن دوران طلایی، تمامی کشورهای منطقه در آرزوی به دست آوردن جزیی از آنچه ایران به دست آورده بود بودند، ولی تو که‌ماکان به دنبال نشانیدن ایران در سطح پیشرفته‌ترین کشورهای جهان.

تو، شاهنشاه ایران زمین، با اعتقاد به حمایت بی‌چون و چرای ملت ایران هیچ نوع توافقی را با بزرگان جهان که حتی قدمی با ایران بزرگ مورد نظرت تفاوت داشته باشد قبول نداشتی، ولی افسوس که آن حمایت از تو دریغ شد، و بدون آن پشتیبانی حیاتی، تا به امروز شاهد خسارات بسیار سنگین و کمرشکن‌اش بوده‌ایم و هنوز هم هستیم. ایرانی که تو ترک کردی با تمامی کشور های جهان رابطه دوستانه داشت، و درهای آنها بدون ویزا برای ما باز بود، ولی ایران امروز، با عنوان حامی نخست تروریسم جهانی، تنها با شماری اندک رابطه‌ای نیمه‌دوستانه دارد.

در ایرانی که تو ساختی، درآمد یک کارگر ایرانی امکان یک زندگی راحت را به خانواده‌اش می‌داد. امروز کارگر ایرانی

پیام شهبانو فرح به مناسبت چهل و ششمین سال درگذشت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

شاهنشاه، یکسال دیگر از آخرین دیدار ما سپری شد، و اینبار من هم از طرف خودم و هم از طرف نمایندگان ملت ایران، برای ادای احترام و همینطور دادن گزارشی کوتاه از آنچه با تو و بی تو بر ایران و ایرانی گذشته و می‌گذرد، با تو همسر عزیزم گفتگویی دارم.

امروز چهل و شش سال از روزی که ایران و ایرانیان، و همینطور من و خانواده‌ات را ترک کردی می‌گذرد، و در این مدت چه‌ها که بر ما و بر سر این ملک و ملت گذشته. از اوایل قرن بیستم ایران با داشتن دو رهبر بزرگ‌نگر، قدم در راهی گذاشت که هیچ کشور دیگری در منطقه حتی تصور آن را هم به خودش راه نمی‌داد.

پدرت، رضاشاه بزرگ، در سخت‌ترین دوران جهان آنروز، ایران را از تقسیم و تجزیه نجات داد و پایه های کشوری متمدن و مستقل را بنا نهاد.

سپس به همت کار مداوم تو، شاهنشاه ایران، کشور ویران بعد از جنگ، تبدیل به ایران آباد شد، و ایرانی سرافکننده، مغرور و سربلند.

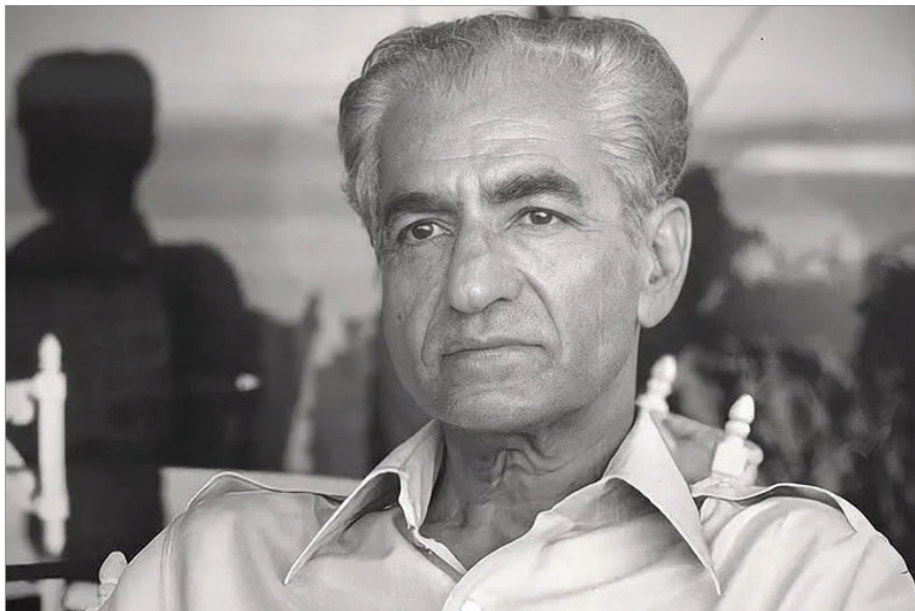
ایران کم کم مورد نگاه‌های حسرت‌بار بعضی و امیدواری

پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت چهل و ششمین سال درگذشت شاهنشاه آریامهر

چهل و شش سال از درگذشت پدرم می‌گذرد، اما او امروز زنده‌ترین چهره سیاسی در پیشگاه تاریخ و دل ایرانیان است. شعله عشق ملت ایران به او روز به روز بلندتر و فروزان‌تر می‌شود. همانطور که جاویدنام مجیدرضا رهنورد به نیابت از میلیون‌ها جوان ایرانی نوشت: «نسلی عاشقت شد، که تو را هرگز ندید».

پدرم با تمام وجود، عاشق ایران بود. قلب او با طبیعت این خاک می‌تپید و باریدن باران بر دشت‌های ایران، برایش بهترین و زیباترین خبر بود.

او در ۲۲ سالگی، کشور را در شرایط دشوار اشغال



هم‌میهن‌انم، اگر به راه او باور داریم، مسئولیت بزرگی بر دوش ماست. برای وفاداری به نگاه او، ما باید ایران را از این فرقه تهکار پس بگیریم و آن را دوباره بسازیم.

پاینده ایران

متفقین تحویل گرفت و با تکیه بر میهن‌پرستی، ایران را به سوی دروازه‌های تمدن بزرگ هدایت کرد. اگر فاجعه ۵۷، مسیر تاریخ ما را منحرف نمی‌کرد، ایران امروز یکی از درخشان‌ترین قطب‌های رفاه و توسعه در جهان بود.

شاهزاده رضا پهلوی: ملی‌گرایی واقعی، ایستادن در کنار ملت ایران و مبارزه‌ی دلیرانه‌شان است و نه دفاع از فرقه‌ی تبهکار ضد ایرانی!



شاهزاده رضا پهلوی در پیام تازه‌ای که جمعه ۲ مرداد در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، با اشاره بر دستگاه عظیم تبلیغاتی و دروغ‌پراکنی جمهوری اسلامی تأکید کرد: «این جنگ را جمهوری اسلامی به ایران تحمیل کرده، و مسئولیت آن بر عهده‌ی همین رژیم و حامیان آشکار و پنهانش است. کسانی که سال‌ها در برابر فقر، فساد، تبعیض و ویرانی کشور سکوت کردند یا در آن شریک بودند، امروز نمی‌توانند با پناه گرفتن پشت نام «ایران»، کارنامه سیاه خود را سپید کنند.» وی همچنین افزود: «ملی‌گرایی واقعی، ایستادن در کنار ملت ایران و مبارزه‌ی دلیرانه‌شان برای آزادی، رفاه و بازپس‌گیری میهن است؛ نه دفاع از رژیمی که ۴۷ سال است جان و توان سرزمین ما را مصرف می‌کند.» متن کامل این پیام را در ادامه می‌خوانید.

«هم‌میهنان عزیزم،

جمهوری اسلامی با دستگاه عظیم دروغ‌پردازی و تبلیغاتش پس از ۴۷ سال جنایت علیه ملت و میهن ما، بار دیگر پشت نام «ایران» سنگر گرفته است. این فرقه‌ی تبهکار نالیرانی و ضد ایرانی با جنگ‌افروزی و سیاست‌های ویرانگر، ایران را به انزوا و نابودی کشانده است؛ و امروز با وقاحت تمام خود را مدافع «وطن» معرفی می‌کند.

رژیمی که دهه‌ها، از خوزستان تا سیستان و بلوچستان را در فقر، محرومیت و بی‌توجهی رها کرده است، امروز برای جنوب ایران اشک تمساح می‌ریزد. اما ما نمی‌گذاریم حقیقت وارونه شود.

این جنگ را جمهوری اسلامی به ایران تحمیل کرده، و مسئولیت آن بر عهده‌ی همین رژیم و حامیان آشکار و پنهانش است. کسانی که سال‌ها در برابر فقر، فساد،

سرزمین ما را مصرف می‌کند.

هم‌میهنان،

ما برای بازپس‌گیری از این رژیم اشغالگر ایستاده‌ایم. این مسیر آسان نیست؛ اما مقصد روشن است. هر گام با برنامه، بر پایهی واقعیت‌های میدانی و با تکیه بر منافع ملت ایران برداشته می‌شود و شهادت جریان مسیر پیش رو خواهید گرفت. برای حفظ ارتباط، تلویزیون انقلاب ملی ایران را از طریق ماهواره دنبال کنید و صد سانسور رژیم را بشنید. تاریکی ماندگار نیست؛ نور ایران پیروز خواهد شد.»

تبعیض و ویرانی کشور سکوت کردند یا در آن شریک بودند، امروز نمی‌توانند با پناه گرفتن پشت نام «ایران»، کارنامه سیاه خود را سپید کنند.

همانگونه که رژیم نازی مترادف ملت آلمان نبود، جمهوری اسلامی نیز مترادف ملت ایران نیست. ایران، ملت ایران است؛ نه رژیمی که بقای خود را بر ویرانی کشور بنا کرده است. ملی‌گرایی واقعی، ایستادن در کنار ملت ایران و مبارزه‌ی دلیرانه‌شان برای آزادی، رفاه و بازپس‌گیری میهن است؛ نه دفاع از رژیمی که ۴۷ سال است جان و توان



آمریکا با ماندن جمهوری اسلامی چقدر ضرر می‌کند؟

فرید خلیفی - تداوم بقای یک نظام غرب‌ستیز و آمریکاستیز که خواهان حذف اسرائیل نیز هست، برای آمریکا تنها یک تهدید سیاسی نیست. بلکه می‌تواند به منبع دائمی هزینه‌های اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک تبدیل شود. جنگ اخیر که از نهم اسفند ۴۰۴ با کشته شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از سر گرفته شد، نشان می‌دهد اگر جمهوری اسلامی باقی بماند و به برنامه موشکی و هسته‌ای، تهدید کشتیرانی، فعالیت‌های منطقه‌ای و دشمنی با غرب ادامه دهد، واشنگتن با به اصطلاح «آتش‌بس» و توقف حملات نیز از پرداخت هزینه‌ها رها نخواهد شد.

آکسیوس: مقام‌های آمریکایی معتقدند تحریم‌ها می‌توانند بیش از ۵۰۰ هزار نفر را به حکومت ایران آسیب بزنند



گفتگوی دونالد ترامپ و اسکاوت بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا / رویترز

مالزی، سنگاپور و اندونزی در تنگه‌های مالاکا و سنگاپور الهام برقرار است.

یک مقام ارشد دولت آمریکا گفت: «برخی در ایران از این طرح حمایت می‌کنند و برخی مخالف آن هستند؛ همین یکی از مشکلات است.»

رژیم ایران همچنین خواهان تضمین‌هایی است که بار دیگر هدف حمله آمریکا قرار نگیرد.

در کنار آن، تهران به دنبال دسترسی به دارایی‌های مسدود شده و کاهش یا لغو تحریم‌های آمریکا نیز هست. در مقابل، ترامپ تمایلی ندارد به حکومت ایران برای ایجاد اختلال در ترده کشتی‌ها در تنگه هرمز «پاداش» دهد و همچنان بر تحویل مواد هسته‌ای باقیمانده در ایران اصرار می‌ورزد.

یک مقام دیگر آمریکایی تأیید کرد که تحریم‌ها و محاصره دریایی آمریکا زمان بیشتری نسبت به یک عملیات گسترده نظامی نیاز دارند تا مقامات ایران را به پای میز مذاکره بکشانند؛ عملیاتی که ترامپ تا کنون مجوز اجرای آن را صادر نکرده است.

به گفته این مقام، طولانی شدن این روند می‌تواند از نظر سیاسی برای جمهوریخواهان هزینه‌ساز باشد؛ زیرا ناچار خواهند بود از جنگی نه‌چندان محبوب و همچنین افزایش قیمت سوخت تا انتخابات میان‌دوره‌ای دفاع کنند.

ترامپ روز دوشنبه ۲۷ ژوئیه به خبرنگاران گفت: «من صبر زیادی دارم.»

یک مقام آمریکایی اظهار داشت: «گزارش‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که مقامات ایران از این شکایت دارند که دیگر نمی‌توانند به نیروهای خود پول پرداخت کنند.»

اقتصادی دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی، با آنکه توجه بسیار کمتری نسبت به همپاران‌ها به خود جلب کرده، ممکن است در نهایت آسیب بیشتری به حکومت ایران وارد کند.

بر اساس این گزارش، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و گزارش‌های منتشر شده در منابع مختلف نشان می‌دهد که بحران اقتصادی در ایران در حال تشدید است؛ از جمله کمبود بنزین در کشوری که یکی از بزرگترین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد.

یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید: «زامداران ایران می‌خواهند همپاران‌ها متوقف شود و پول هم می‌خواهند. اما شاید ترتیب این دو خواسته برعکس باشد؛ آنها در درجه اول پول می‌خواهند.»

ترامپ که پس از ۱۳ روز حملات پیاپی، در آخر هفته گذشته حملات آمریکا علیه رژیم ایران را متوقف کرد، روز دوشنبه اعلام کرد تهران خواستار برگزاری نشست برای گفتگو درباره یک توافق شده است.

با این حال، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه این ادعا را رد کرده است.

به گفته منابع آمریکایی، دو طرف از طریق میانجی‌هایی به رهبری عمان، قطر و پاکستان در حال گفتگو هستند تا توقف درگیری‌ها را به یک آتش‌بس پایدار تبدیل کنند.

یکی از محورهای اصلی مذاکرات، پیشنهادی است که بر اساس آن دولت‌های ایران و عمان در مدیریت ترده کشتی‌ها در تنگه هرمز نقش بیشتری داشته باشند و از این مسیر نیز درآمد کسب کنند.

این مدل همکاری از ساز و کاری الهام گرفته که میان

پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ششم امرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، مقام‌های دولت آمریکا معتقدند که فشارهای اقتصادی دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی، با آنکه توجه بسیار کمتری نسبت به همپاران‌ها به خود جلب کرده، ممکن است در نهایت آسیب بیشتری به حکومت ایران وارد کند.

بر اساس این گزارش، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا و گزارش‌های منتشر شده در منابع مختلف نشان می‌دهد که بحران اقتصادی در ایران در حال تشدید است؛ از جمله کمبود بنزین در کشوری که یکی از بزرگترین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد.

یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید: «زامداران ایران می‌خواهند همپاران‌ها متوقف شود و پول هم می‌خواهند. اما شاید ترتیب این دو خواسته برعکس باشد؛ آنها در درجه اول پول می‌خواهند.»

یک مقام آمریکایی اظهار داشت: «گزارش‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که مقامات ایران از این شکایت دارند که دیگر نمی‌توانند به نیروهای خود پول پرداخت کنند. چرا؟ به دلیل فشارهای مالی، به دلیل اقدامات وزارت خزانه‌داری و کاری که اسکاوت بسنت انجام می‌دهد.» او افزود: «خطر هجوم مردم به بانک‌ها وجود دارد. در این کشور بزرگ و نفت‌خیز کمبود بنزین دیده می‌شود. آنها بیشتر از وزارت خزانه‌داری [آمریکا] می‌ترسند تا وزارت جنگ!»

پایگاه خبری «آکسیوس» روز سه‌شنبه ششم امرداد ۱۴۰۵ گزارش داد، مقام‌های دولت آمریکا معتقدند که فشارهای

ظرف چند ساعت پس از تأیید انجام می‌شدند. اما روز جمعه، ترامپ طرح مشابهی دریافت کرد، ولی چراغ سبز نشان نداد. منابع گفتند که او بجای آن، به ارتش دستور داد حمله‌ای انجام ندهد. کمی پس از صدور این دستور در روز جمعه، ترامپ به خبرنگاران در کاخ سفید گفت که همچنان گزینه ادامه حملات یا حتی تشدید آنها روی میز است؛ از جمله «نابود کردن همه چیزهایی که آنها دارند». اما او تأکید کرد که به نظرش «استراتژی هوشمندانه‌تر» این است که «با [رژیم] ایران توافق شود». ترامپ گفت: «ما همین حالا با آنها در حال مذاکره هستیم. فکر می‌کنم آنها هر روز که می‌گذرد، جدی‌تر



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا / عکس: رویترز

می‌شوند. ما آماده و مسلح هستیم و آماده اقدامیم، اما در حال صحبت نیز با آنها هستیم.» کمی بعد در همان روز جمعه، ترامپ در سخنانی خود در مراسم شام انجمن خبرنگاران کاخ سفید گفت که فکر نمی‌کند حکومت ایران در حال حاضر آماده توافق باشد، «اما من آماده شنیدن هستم.»

مقام‌های اسرائیلی می‌گویند، کابینه امنیتی اسرائیل و ارتش این کشور انتظار داشتند روز جمعه دور دیگری از حملات آمریکا انجام شود و حتی برای یک حمله گسترده آمریکایی آماده شده بودند؛ حمله‌ای که می‌توانست باعث حمله تلافی‌جویانه علیه اسرائیل شود.

کابینه و ارتش اسرائیل احساس می‌کردند تصویر کاملی از تصمیم آمریکا در اختیار ندارند، بنابراین برای یک عملیات پهپارانه گسترده آماده شدند و در بالاترین سطح آماده‌باش باقی ماندند.

اسرائیلی‌ها شامگاه جمعه مطلع شدند که ترامپ حملات بیشتر را تأیید نکرده است. دستور ترامپ برای توقف حملات چند ساعت پس از آن صادر شد که یک هیئت عمانی برای مذاکره درباره یک «توافق جدید» برای بازگشایی تنگه هرمز وارد تهران شد.

دو منبع منطقه‌ای آگاه از مذاکرات گفتند که در این گفتگوها پیشرفت‌هایی حاصل شده و ممکن است توافقی میان حکومت‌های عمان و ایران در طول آخر هفته به دست آید. در اینصورت، ترامپ باید تصمیم بگیرد که آیا توافقی پیشنهادی را بپذیرد یا نه.

با اینهمه اما پس از دو روز مذاکرات فرستادگان رژیم ایران با نمایندگان عمان در تهران، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از پیشرفت در این گفتگوها خبر داد اما گفت در حال حاضر تغییری در وضعیت تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز ایجاد نشده است.

آکسیوس: اسرائیل آماده حمله به جمهوری اسلامی بود اما ترامپ با گسترش حملات موافقت نکرد

● پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از «دو منبع آگاه» گزارش داد که بعد از ۱۳ روز حمله آمریکا به تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی، دونالد ترامپ دستور داد که از جمعه دوم امرداد ۱۴۰۵ حملات جدیدی انجام نشود.

● به نوشته آکسیوس، تصمیم ترامپ نشان‌دهنده دو موضوع است: تمایل او برای ایجاد فضای بیشتر برای دیپلماسی، و همچنین این ارزیابی که سطح فعلی حملات آمریکا دیگر به سقف اثربخشی خود رسیده است؛ مگر اینکه عملیات نظامی گسترده دوباره آغاز شود.

● مقام‌های اسرائیلی می‌گویند، کابینه امنیتی اسرائیل و ارتش این کشور انتظار داشتند روز جمعه دور دیگری از حملات آمریکا انجام شود و حتی برای یک حمله گسترده آمریکایی آماده شده بودند؛ حمله‌ای که می‌توانست باعث حمله تلافی‌جویانه علیه اسرائیل شود.

● پس از دو روز مذاکرات فرستادگان رژیم ایران با نمایندگان عمان در تهران، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از پیشرفت در این گفتگوها خبر داد اما گفت در حال حاضر تغییری در وضعیت تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز ایجاد نشده است.

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از «دو منبع آگاه» گزارش داد که بعد از ۱۳ روز حمله آمریکا به تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی، دونالد ترامپ دستور داد که از جمعه دوم امرداد ۱۴۰۵ حملات جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام نشود.

مشخص نیست که دستور ترامپ برای توقف حملات یک اقدام موقت است یا این وقفه ادامه خواهد یافت.

به نوشته آکسیوس، تصمیم ترامپ نشان‌دهنده دو موضوع است: تمایل او برای ایجاد فضای بیشتر برای دیپلماسی، و همچنین این ارزیابی که سطح فعلی حملات آمریکا دیگر به سقف اثربخشی خود رسیده است، مگر اینکه عملیات نظامی گسترده دوباره آغاز شود.

اگر ترامپ دستور از سر گرفتن حملات را صادر کند، ارتش آمریکا می‌تواند در مدت نسبتاً کوتاهی دوباره وارد عمل شود.

این منابع گفتند که ارتش آمریکا همچنان در حال آماده‌سازی طرح‌هایی برای احتمال بازگشت به عملیات نظامی گسترده است، اما ترامپ هنوز دستوری برای حرکت در این مسیر صادر نکرده است.

کاخ سفید به درخواست آکسیوس برای اظهار نظر درباره این موضوع پاسخی نداد.

در دو هفته گذشته، ترامپ هر بعدازظهر طرح‌های حمله‌ای را که ارتش ارائه می‌داد، تأیید می‌کرد. این حملات

چرا؟ به دلیل فشارهای مالی، به دلیل اقدامات وزارت خزانه‌داری و کاری که اسکاوت بسنت انجام می‌دهد. او افزود: «خطر هجوم مردم به بانک‌ها وجود دارد. در این کشور بزرگ و نفت‌خیز کمبود بنزین دیده می‌شود. آنها بیشتر از وزارت خزانه‌داری [آمریکا] می‌ترسند تا وزارت جنگ.»

به گفته مقام‌های آمریکایی، در مذاکرات پیشین فرستادگان جمهوری اسلامی با جرد کوشنر و استیو ویتکاف، آنها به روشنی اعلام کرده بودند که دسترسی به منابع مالی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های حکومت ایران است.

یکی از این مقام‌ها مدعی شد: «آنها از استیو و جرد درخواست پول می‌کنند. به شدت به آن نیاز دارند.»

در این میان، دولت ترامپ در چارچوب سیاست احیاشده «فشار حداکثری»، بیش از هزار فرد، کشتی و هواپیما را تحریم کرده است. این تحریم‌ها تجارت نفت ایران، شبکه‌های بانکی غیررسمی، تأمین تسلیحات و شبکه‌های حمل و نقل دریایی را هدف قرار داده‌اند.

دلیل توقف پهپارانه‌ها

از سوی دیگر، ترامپ گفته است حملات را برای ایجاد فرصت دیپلماسی متوقف کرده است. به نوشته آکسیوس، این تصمیم همچنین پس از آن اتخاذ شد که دن کین ژنرال نیروی هوایی ایالات متحده درباره فشار وارده بر ذخایر تسلیحاتی آمریکا در حوزه فرماندهی مرکزی، به ویژه ذخایر موشک‌های رهگیر پدافند هوایی، به رئیس جمهور هشدار داده بود.

یک مقام ارشد آمریکایی این هشدار را بخشی از روند عادی ارزیابی‌های نظامی توصیف کرد و گفت: «ذخایر کلی آمریکا تمام نشده، اما وقتی مجبور می‌شوید از ذخایر مناطق مختلف جهان استفاده کنید، این تصمیم با خطرهایی همراه است و باید به فرمانده کل قوا گزارش شود. تصمیم نهایی با رئیس جمهور است.»

ترددیه‌ها درباره اثربخشی استراتژی ترامپ

منتقدان سیاست‌های ترامپ معتقدند رئیس جمهور آمریکا گزینه‌های مطلوب چندانی در اختیار ندارد و مشخص نیست که حملات نظامی یا فشار اقتصادی بتواند رژیم ایران را وادار به پذیرش شروط واشنگتن کند.

بر اساس برآورد برت اریکسون، ایران در نیمه نخست سال حدود ۲۳ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کرده که از پیش‌بینی بودجه این کشور نیز بیشتر بوده است.

او روز دوشنبه در «ایکس» نوشت: «جنگ اقتصادی اساساً رویکردی ناکارآمد در قبال جنگ با ایران است.»

کارولین لیویت به آکسیوس گفت: «ترامپ راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد، اما اگر [رژیم] ایران به اقدامات تروریستی در تنگه هرمز یا علیه متحدان آمریکا ادامه دهد، همه گزینه‌ها همچنان روی میز خواهد بود.»

او افزود: «در کنار تحریم‌های موفق که اقتصاد ایران را فلج کرده و ۱۳ روز حملات پیوسته علیه اهداف نظامی در پاسخ به اقدامات تهاجمی [حکومت] ایران، عاقلانه است که آنها به سمت یک توافق مذاکره‌شده حرکت کنند. وگرنه می‌دانند چه اتفاقی خواهد افتاد.»

یک مقام دیگر آمریکایی نیز گفت: «رئیس جمهور در هر دو حالت دست بالا را دارد. آمریکا هم توان اجرای کامل عملیات نظامی را دارد و هم می‌تواند با اعمال تحریم‌های اقتصادی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را فلج کند.»

ترامپ کمبود تسلیحات را رد کرد؛ ارائه یک طرح جدید توسط آمریکا به جمهوری اسلامی به عنوان «آخرین شانس»



تنگه هرمز

آمریکایی از آن به عنوان «مسیر هوشمند» یاد می‌شود. آخرین تلاش دولت ترامپ برای دستیابی به توافق با رژیم ایران پیش از بررسی گزینه‌های سنگین‌تر نظامی است.

به گفته این منابع، همزمان با ادامه رایزنی‌های دیپلماتیک، آمریکا سطح آماده‌باش نیروهای خود را نیز افزایش داده و سناریوهایی از جمله ورود به جزایر ایران در تنگه هرمز و گسترش حملات به زیرساخت‌های نظامی و استراتژیک سپاه پاسداران را در صورت شکست مذاکرات بررسی می‌کند.

یک منبع دیپلماتیک مطلع نیز مدعی شد پیام‌هایی که از طریق میانجی‌ها از جمله پاکستان و برخی کشورهای منطقه میان تهران و واشنگتن رد و بدل می‌شود، حاوی این هشدار است که فرصت کنونی ممکن است آخرین مهلت برای حل و فصل اختلافات از مسیر دیپلماسی باشد.

این منابع همچنین از آماده شدن بسته تازه‌ای از تحریم‌های آمریکا خبر دادند و مدعی شدند هدف این اقدامات، محدود کردن شبکه‌های مالی و لجستیک مرتبط با سپاه پاسداران و همزمان خارج کردن پرونده تنگه هرمز از روند چانه‌زنی بر سر تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران است. در ادامه گزارش «ارم نیوز» آمده است، یک چهره جمهوریخواه نزدیک به مراکز مطالعاتی این حزب می‌گوید، دولت ترامپ همچنان دستیابی به توافقی جامع با ایران را ترجیح می‌دهد، اما این توافق را منوط به آمادگی تهران برای ورود به مذاکراتی جدی می‌داند.

به گفته وی، از نگاه واشنگتن، حکومت ایران طی سال‌های گذشته موضوع امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز را با پرونده‌هایی همچون برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها پیوند زده و اکنون دولت آمریکا در تلاش است این پرونده‌ها را از یکدیگر تفکیک کرده و هر یک را در چارچوبی مستقل دنبال کند.

«ارم نیوز» در پایان نوشت، نتیجه رایزنی‌های روزهای آینده مشخص خواهد کرد که آیا تهران به این پیشنهاد پاسخ مثبت خواهد داد یا شکست تلاش‌های دیپلماتیک، زمینه را برای تشدید اقدامات نظامی آمریکا در منطقه فراهم خواهد کرد.

اثر بخشی خود رسیده است. کوپر به ترامپ گفته که ارتش آمریکا تقریباً تمامی مراکزی را که برای حمله در ایران تعیین کرده بود، مورد هدف قرار داده و در صورت آغاز نشدن دوباره عملیات گسترده زمینی یا رزمی، ادامه بمباران‌ها فایده چندانی نخواهد داشت. همچنین گزارش شده است که دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی و عمان روز یکشنبه چهارم امرداد ۱۴۰۵ درباره بازگشایی تنگه هرمز مذاکره کرده‌اند. یک مقام جمهوری اسلامی در تهران نیز تأیید کرده است که فرستادگان حکومت ایران با مذاکره‌کنندگان آمریکایی برای جلوگیری از بازگشت جنگ در تماس بوده‌اند.

در این میان، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی مدعی شد که آمریکا استراتژی روشنی ندارد و دچار «فرسودگی در تصمیم‌گیری راهبردی» شده است اما پایگاه خبری «ارم نیوز» به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد، دولت آمریکا در حال پیگیری ابتکاری تازه برای مدیریت اختلافات با جمهوری اسلامی ایران است؛ ابتکاری که بر اساس آن، امنیت تنگه هرمز از مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای، تحریم‌ها و دارایی‌های بلوکه‌شده تفکیک شده و هر پرونده در مسیری مستقل دنبال می‌شود.

بخشی از این کارزار شامل افزایش تحریم‌ها و ادامه محاصره بنادر ایران می‌شود. این تحریم‌ها تنها با هدف افزایش فشار اقتصادی اعمال نمی‌شود، بلکه بخشی از استراتژی آمریکا برای وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش یک پیشنهاد دیپلماتیک است؛ پیشنهادی که به گفته این منابع، در صورت رد شدن، می‌تواند زمینه‌ساز ورود دو طرف به مرحله‌ای گسترده‌تر از تقابل نظامی باشد. بر اساس گزارش «ارم نیوز»، آمریکا در صدد است امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز را از دیگر پرونده‌های مورد اختلاف جدا کند تا این آبراه استراتژیک از هرگونه تنش احتمالی مصون بماند. در مقابل، موضوعاتی مانند برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌ها و دارایی‌های مسدودشده تهران در قالب مذاکراتی جداگانه و بر اساس جدول زمانی مشخص پیگیری شود.

منابع آگاه همچنین مدعی‌اند این ابتکار که در محافل

بعضی منابع درباره کاهش ذخایر مهمات ارتش آمریکا هشدار داده‌اند؛ هرچند ترامپ این ادعا را رد کرد و گفت: «ما بسیار بیشتر از نیاز خود تسلیحات در اختیار داریم.»

دریاسالار بردلی کوپر فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در منطقه به ترامپ گفته است که ارتش آمریکا تقریباً تمامی مراکزی را که برای حمله در ایران تعیین کرده بود، مورد هدف قرار داده و در صورت آغاز نشدن دوباره عملیات گسترده زمینی یا رزمی، ادامه بمباران‌ها فایده چندانی نخواهد داشت.

پایگاه خبری «ارم نیوز» گزارش داد، آمریکا طرحی ارائه داده است که در آن اختلاف بر سر «تنگه هرمز» از سایر موارد اختلاف از جمله هسته‌ای و منطقه‌ای مجزا خواهد بود. طبق این طرح، تحریم‌ها و محاصره دریایی جمهوری اسلامی شدت می‌یابد تا رژیم ایران یا «توافق» را بپذیرد و یا در صورت رد کردن آن، زمینه‌ساز ورود به مرحله‌ای گسترده‌تر از تقابل نظامی باشد.

یک منبع دیپلماتیک مطلع نیز مدعی شد پیام‌هایی که از طریق میانجی‌ها از جمله پاکستان و برخی کشورهای منطقه میان تهران و واشنگتن رد و بدل می‌شود، حاوی این هشدار است که فرصت کنونی ممکن است آخرین مهلت برای حل و فصل اختلافات از مسیر دیپلماسی باشد.

آمریکا پس از ۱۳ روز حملات متوالی به تأسیسات نظامی و استراتژیک در ایران، این عملیات را متوقف کرد. برخی منابع مدعی شدند این اقدام پس از آن صورت گرفت که فرماندهان ارشد نظامی به دونالد ترامپ توصیه کردند به کارزار بمباران پایان دهد زیرا این حملات به سقف اثر بخشی خود رسیده است. بعضی منابع درباره کاهش ذخایر مهمات ارتش آمریکا هشدار داده‌اند؛ هرچند ترامپ این ادعا را رد کرد و گفت: «ما بسیار بیشتر از نیاز خود تسلیحات در اختیار داریم.»

پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد که دریاسالار بردلی کوپر فرمانده ارشد نیروهای آمریکایی در منطقه (سنتکام)، به ترامپ گفته است که عملیات نظامی آمریکا به حداکثر میزان

محاكمه خدا

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۰) آبان ماه ۱۳۸۷

پادشاه



منصور حلاج، در حالی که بیش از ۳۳ سال نداشت، به ارتداد متهم و در دادگاه شرع محاکمه و به مرگ محکوم شد. و اما در حکایات و روایات آمده است که مردی کاهل و تبیل دنبال کار نمی‌رفت. زنش روزی به او گفت خدا ضامن رزق و روزی است، تو از خانه بیرون برو، خدا می‌رساند. مرد کاهل رفت و تمام روز را در این سوی و آن سوی پرسه زد اما چیزی به دست نیاورد. شب، از خجالت به خانه بازگشت. به صحرا رفت و بالای درختی خوابید. صبحدم درویشی آمد و کنار چشمه آبی که در زیر همان درخت قرار داشت نشست. چند پیکره کوچک از گل ساخت و در برابر خود نهاد و یک یک به محاکمه کشید. اولی را گفت ای شیطان لعین، چرا به آدم سجده نکردی و پدر از آن، چرا آدم و حوا را فریفتی و موجب تبعیدشان به کره خاکی شدی و چرا اکنون هم دست از فتنه و فریب بر نمی‌داری؟ پس، وجودت مایه شر و فساد است. این بگفت و با منتشا (چماق درویشان) محکم بر سر او کوفت و به عمرش خاتمه داد. بعد، مجسمه دیگری به پیش کشید و مخاطبش قرار داد که ای موسی، تو چنین و چنان کردی، اگر چنان نمی‌کردی چنین نمی‌شد و او را نیز به مرگ محکوم کرد. به همین ترتیب، سایر انبیاء و اولیاء حتی یزید و معاویه را یکی پس از دیگری مورد سؤال قرار داد و محکوم کرد و کشت تا نماند مگر مجسمه خدا. اتهامات خدا را برشمرده که تو بودی شیطن را در نهاد شیطان نهادی، تو بودی فرعون و نمرود و یزید و معاویه را خلق کردی و به جان انبیاء و اولیاء انداختی. پس تو هم مسبب فساد و مستوجب مرگی. منتشای خود را بلند کرد که بر سر خدا بکوبد، مرد کاهل از بالای درخت با صدای مهیبی گفت «مزن که عالم خراب خواهد شد»!

درویش پنداشت که صدای آسمانی است. زهره‌اش چاک شد و افتاد و جان سپرد. مرد کاهل از درخت به زیر آمد، در کشکول درویش مبلغی زر و سیم یافت. همه را برداشت و به خانه آمد و پیش زنش گذاشت.

زن گفت: ای مرد، به تو نگفتم که خدا روزی‌رسان است؟ مرد گفت: عبث نرسانده است، جانم را نجات داد!

ابلاغ پیمود اما در نهایت امر به عنوان پرونده موقوف‌الاجرا به بایگانی رفت زیرا دایره ابلاغ، متهم را «مجهول‌المکان» و غیر قابل دستیابی اعلام کرد! البته بار اول نیست که خداوند عزّ و جل در معرض اتهام قرار می‌گیرد.

باباطاهر عریان، شاعر قرن پنجم، روزی‌رسان را با این رباعی به بی‌عدالتی متهم کرد:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
ازو پرسم که این چنینست و آن چون
یکی را می‌دهی صد گونه نعمت
یکی را نان جو، آلوده در خون

یک قرن بعد، عین‌القضات - که او نیز مانند باباطاهر در همدان چشم به جهان گشوده بود - خدا را مستقیماً مخاطب قرار داد و مسبب بلا و فتنه دانست:

خدا، این بلا و فتنه از توست
ولیکن کس نمی‌آرد چخیدن
همی آرند ترکان را ز بلغار
ز بهر پرده مردم دریدن
لب و دندان آن خوبان چون ماه
بدین خوبی نایست آفریدن
که از بهر لب و دندان ایشان
به دندان، لب همی باید گزیدن

و دیگرانی، همین ادعای نامه را در مضمون دیگری گنجانده و گفته‌اند:

خدا را راست گویم فتنه از توست
ولی از ترس نتوانم چخیدن
اگر ریگی به کفش خود نداری
چرا بایست شیطان آفریدن؟

عین‌القضات، البته به‌سزای زبان‌درازی خود رسید و مشمول غضب الهی قرار گرفت و مانند معبود و مرادش حسین بن

درباره مشکلاتی که امروزه گریبانگیر ابناء بشر است، از موج فزاینده تروریسم و فقر گسترده تا بحران نفس‌گیر اقتصادی و مالی، عقاید مختلفی وجود دارد. بعضی عقیده دارند اینها پیامد قهری جهانشمولی (موندیالیزاسیون) است، برخی کاپیتالیسم افسارگسیخته را مسبب این بلایا می‌دانند، کسانی معتقدند ناشیگری کارتر در سیاست خارجی و آسانگیری کلینتون در سیاست داخلی، آغازگر مشکلات بوده است. خیلی کسان در داخل و خارج آمریکا، تقصیر را یکجا به گردن جرج بوش می‌شکنند... و در این میان، پرزیدنت دکتر احمدی‌نژاد قهر خدایی را علت‌العلل و ریشه واقعی این اوضاع نابسامان معرفی می‌کند.

می‌فرمایند «همیشه فرعونیان و نمرودیان نتیجه کارهای زشت و ظالمانه خود را دیده‌اند و خداوند آنها را به‌سزای اعمالشان رسانده است. امروز ستمگران عالم از سرنوشت فرعونیان و نمرودیان مستثنی نیستند... آنها احکام الهی، عدالت و پاکی و حلال و حرام را از عرصه سیاست و اقتصاد برداشته‌اند. مشکل امروز آنها ناشی از ظلم‌ها و حرام را حلال کردن و زیر پا گذاشتن احکام الهی است. آنها امروزه به جایی رسیده‌اند که هر هفته صدها میلیارد یورو و پوند به جیب سرمایه‌دارانشان تزریق می‌کنند ولی مشکلشان حل نمی‌شود و وضعیتشان بهبود پیدا نمی‌کند و این سرنوشت تمام کسانی است که دعوت الهی را بی‌پاسخ می‌گذارند...»

دست برقضا، یک سناتور آمریکایی نیز مثل پرزیدنت احمدی‌نژاد، دست پنهان خدا را در بهم ریختن اوضاع جهان و انداختن انواع بلایا به‌جان آدمیان دخیل می‌داند اما برخلاف احمدی‌نژاد راه حل را نه در طلب عفو، بل در کشاندن خدا به پای میز محاکمه تشخیص داده است. سناتور چمبرز، نماینده ایالت «نبراسکا» در مجلس سنای ایالات متحد آمریکا با تقدیم عرضحالی به دادگاه، خدا را به خرابکاری در اوضاع عالم متهم کرده و خواستار محاکمه او شده است. اعلام جرم، که البته با دلایل محکمه‌پسند تدوین و تنظیم شده بود از طریق دادگاه به‌جریان گذارده شد و مسیر قانونی خود را با صدور احضاریه و ارجاع آن به دایره

در تبریز نیروی هوایی فرقه دموکرات را تأسیس کردیم

در حالی که ما منتظر بودیم روس‌ها برایمان هواپیما بفرستند، آن‌ها با قوام‌السلطنه مشغول مذاکره برای عقد قرارداد نفت و قربانی کردن فرقه بودند.

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲ تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳ - از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

بازنشر

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با
حمید احمدی (۴)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران - برلین

زربخت - مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید....

میانه و تبریز من آکروباسی بکنم و سرهنگ آگهی هم آن اعلامیه‌ای را که چاپ کرده بود از بالا پخش بکند. همین کار را کردیم. کار تبلیغاتی بود. من معلق و وارو می‌زدم، آکروباسی می‌کردم و آن‌ها هم اعلامیه‌ها را می‌ریختند.

وقتی به فرودگاه تبریز رسیدیم، عده‌ای از سران فرقه و افسران با دسته‌های گل به استقبالمان آمدند. کاویانی، وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان، و همچنین عده‌ای از خلبانان هواپیماهای شوروی هم حضور داشتند.

پس از انجام مراسم تشریفات، کاویانی ما را به خانه‌اش دعوت کرد و خیلی به ما محبت و احترام می‌گذاشت. حدود یک هفته‌ای در منزل او ماندیم و بعد دیدیم که از اقامت به آن شکل ناراحتیم؛ چون او دائم می‌خواست پذیرایی بکند و قبول این کار برایمان مشکل بود. با موافقت او خانه‌ای گرفتیم و به خانه جدید منتقل شدیم. در این ایام، به منظور تشویقمان، به من و جودی یک قطعه نشان ۲۱ آذر و نیز یک درجه ترفیع دادند و شدیم سروان. البته به همه افسرانی که از نقاط مختلف ارتش به فرقه آمده بودند، یک درجه ترفیع داده بودند. خلاصه، لباسی هم به سبک افسران فرقه دموکرات آذربایجان برایمان دوختند و به ما دادند.

این لباس نظامی تا حدودی شکل لباس نظامی افسران شوروی بود؟

-بله، پاکون‌های برجسته، مثل پاکون‌های افسران ارتش سرخ، کلاه دوش رنگی بود. هر صنفی رنگ مخصوص خود را داشت. درجات نظامی هم فرق می‌کرد. سروان در ارتش ایران سه ستاره روی پاکون داشت، ولی در این ارتش چهار ستاره داشت. در اینجا به سروان می‌گفتند سلطان، به ستوان می‌گفتند لیتنانت که یک کلمه روسی است.

تشکیل نیروی هوایی فرقه دموکرات آذربایجان

پس از ورود به تبریز آیا با جعفر پیشه‌وری هم ملاقات داشتید؟

-یک شب پیشه‌وری افسران را به شاه‌گلی دعوت کرد و ما هم به آن مهمانی رفتیم. پیشه‌وری در آن مهمانی

بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس از آن به خاک عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها - ابوالحسین تفرشیان - ابرام شد و چهار نفر - از جمله مرتضی

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند. مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یک زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران

زربخت: به هر حال، پس از تهیه بنزین وارد زنجان شدیم و هواپیماها را بنزین‌گیری کردیم. امکان بلند شدن هواپیماها از آن محل نبود؛ چون در آن زمین برای تمرین‌های نظامی سنگرهایی کنده بودند. ما هم شانس آوردیم که به هنگام نشستن در آن محل، چرخ‌های هواپیما به درون این سنگرها نیفتاد و سالم ماندیم. بنابراین، فدائیان زمین دیگری را در کنار آن محل صاف کردند و بعد از آن آماده پرواز شدیم.

سرهنگ آگهی یک اعلامیه از زبان ما افسران خلبان به دو زبان فارسی و ترکی تهیه کرد و آن را در چاپخانه زنجان چاپ کردند. مضمون آن اعلامیه این بود: «ما افسران آزادی‌خواه ایران به ارتش فرقه دموکرات آذربایجان ملحق شدیم و اموال مردم ایران را به صاحبان اصلی آن برگردانیم.» فردای آن روز، بهزاد مقاله‌ای در روزنامه‌ای که متعلق به جهانگیر تفضلی بود، در این باره از قول ما نوشته بود که چاپ شد.

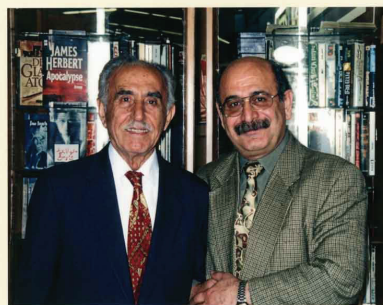
● احمدی: روزنامه‌ای که به مسئولیت جهانگیر تفضلی آن موقع چاپ می‌شد، به نام ایران ما بود؟ -بله، ایران ما. مقاله‌ای چاپ شده بود با عنوان «پرواز به سوی آزادی».

● در روزنامه رهبر هم به زبان شما به تمجید از آن اقدام مطلبی نوشته شده بود.

-ممکن است. پس از پروازمان از تهران، سرهنگ گیلان‌شاه و سرگرد طوفانیان و دیگران فکر می‌کردند که ما در آن روز سقوط کرده‌ایم. خلبان‌ها به اطراف تهران پرواز کردند تا شاید لاشه هواپیماها را پیدا کنند. خبر نداشتند که ما به زنجان رفته‌ایم. شب ۲۴ فروردین که رادیو فرقه خبر می‌دهد: «دو هواپیمای حکومت مرکزی به ارتش فرقه در آذربایجان ملحق شده‌اند»، آن وقت متوجه جریان می‌شوند. ستوان علی نخجوان دوست بسیار نزدیک جودی بود. او گفته بود: «من اصلاً باورم نمی‌شود که جودی توده‌ای باشد و فرار کند.»

رفیق دیگری داشتیم در نیروی هوایی به نام لیاقت روش. او بعدها که با هم در زندان بودیم برایمان تعریف

گذار از طوفان



دو نسل از افسران سازمان نظامی

بهبول حق‌پرست و پدر سعید راد هنرپیشه سینماست. خلبان یاد شده و از جمله سرهنگ آگهی مدت‌ها بود که پرواز نکرده بودند. بنابراین، از نظر احتیاط لازم بود چند نوبت با معلم خلبان پرواز می‌کردند تا به قول راننده‌ها فرمان دستشان بیاید. حسن نظری هم که درجه سرگردی گرفته بود و فرمانده واحدهای فدایی زنجان در مبارزه با خان‌های ذوالفقاری و افشار بود، هر وقت به تبریز می‌آمد به تمرین پرواز می‌پرداخت.

همگی با یکی دو مرحله پرواز مستقل شدند و در آن زمان کار ما شده بود تداوم آموزش خلبانان، به امید این که به زودی شوروی‌ها به ما هواپیما بدهند داد و با داشتن پرسنل کارآموزده، نیروی هوایی را سر و سامان خواهیم داد. اما غافل از این که مذاکرات قوام‌السلطنه در مسکو و سپس انعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و مذاکرات با سادچیکف، سفیر شوروی در تهران - در مقابل تخلیه ارتش سرخ از ایران و انحلال حکومت خودمختار آذربایجان - تمام خیالات خام آن روز ما را نقش بر آب کرد. ارتش سرخ اواسط اردیبهشت ۱۳۲۵ تخلیه آذربایجان را به انجام رسانید. در نیمه دوم خرداد همان سال، مظفر فیروز، معاون سیاسی نخست‌وزیر، در رأس هیاتی به تبریز آمد و قرارداد نیم‌بندی با پیشه‌وری منعقد کرد تا انتخابات هر چه زودتر در سراسر ایران و از جمله آذربایجان انجام گردد و راه برای تصویب تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی در مجلس باز شود.

دولت مرکزی، مجلس ملی آذربایجان را به عنوان انجمن

به تهران آمدند. اکثریت آنان به وسیله روزه و کامبخش از طریق هواپیمای مسافربری شوروی به تبریز آمدند. یک روز در فرودگاه تبریز بودیم، دیدیم ۱۹ نفر آنان وارد تبریز شدند. ملخ هواپیما را که قبلاً اشاره کردم، در همین سفر آنان به تبریز به دستمان رسید. من همه آن افسران را نمی‌شناختم، ولی افسران نیروی هوایی را که در آن جمع بودند، می‌شناختم.

هر کدام از این افسران را به یک مأموریت و وظیفه‌ای فرستادند. بدیع تبریزی و عنایت‌الله رضا را به پادگان فرستاده بودند که در نیروی زمینی فرقه کار کنند.

ما که نیروی هوایی را تأسیس کردیم، به سرهنگ آگهی پیشنهاد کردیم بهتر است این افسران هوایی را از واحدهای مختلف زمینی به نیروی هوایی فرقه در تبریز منتقل کند. آگهی این پیشنهاد را با ژنرال پناهیان که بعد از برکناری ژنرال آذر رئیس ستاد ارتش فرقه شده بود، در میان گذاشت. ژنرال آذر با پیشه‌وری اختلاف داشت و به همین علت او را برکنار کرده بودند. او به وسیله شوروی‌ها به باکو احضار شد و در آنجا تقریباً زیر نظر بود. اواخر دوره حکومت فرقه، در اثر فشار افسران فراری، او را به تبریز برگرداندند.

● ژنرال آذر بعدها در شوروی هم حاضر به تمکین دستگاه آمرانه شوروی‌ها نشد.

- به نظر من ژنرال آذر یکی از بهترین افسران و یکی از آگاه‌ترین کمونیست‌های ارتش بود. آدمی صادق، خودساخته و مستقل بود. هیچ وقت زیر بار دستور ناپجا نمی‌رفت و تمکین نمی‌کرد و به همین علت هم در اوایل

سخرانی کرد و گفت هر هواپیمایی که به ارتش آذربایجان ملحق می‌شود، مثل این است که یک لشکر به ما اضافه شده است. این قدر تأثیر دارد.

به هر حال، با آمدن ما به تبریز، سرهنگ آگهی نیروی هوایی فرقه را با دو هواپیما سازمان داد.

● احساس آن روز شما و سروان جودی از نظر روانی و فکری چگونه بود؟

جودی و من از آن ایثار و گذشتی که کردیم و آن طور که خودمان را به آب و آتش زدیم، احساس غرور داشتیم. البته این احساس هنوز هم در جودی قوی است و همیشه از آن دوره و آن پروازی که انجام دادیم با افتخار یاد می‌کند. به نظر من هم یک عمل متهورانه‌ای بود. اما متأسفانه این ایثار و فداکاری‌ها همه به هدر رفت؛ چون در آن بالا داشتند تصمیمات دیگری می‌گرفتند. بعداً راجع به آن صحبت می‌کنم، ولی ما احساسات پاکی داشتیم و فکر می‌کردیم که کار مهمی انجام داده‌ایم. واقعیت این است. همه آن افسرانی که به فرقه پیوسته بودیم، چنین احساسی داشتیم. دیگران هم این جوری بودند. تمام توده‌ای‌ها این جوری بودند. این موضوع را به موقع خودش صحبت می‌کنم؛ الان نمی‌خواهم بیش از این به آن بپردازم.

● من حالت روحی و احساس آن روزتان را می‌خواستم بپرسم. احساس در آن روز غرورآمیز بود. بله، قبل از رفتن به آن خانه، یک مدتی در هتل بودیم. در یک هتل اتاقی گرفتیم و زندگی می‌کردیم تا این که خانه‌ای اجاره کردیم. مالک آن خانه یک حاجی‌آقا از مشروطه‌خواهان دوره انقلاب مشروطه بود به نام حاجی شعرباف. خانه‌اش دو حیاط داشت و هر یک از حیاط‌ها به یک کوچه‌ای باز می‌شد. وسط این دو حیاط آشپزخانه‌ای بود. حیاط کوچک‌تر را به ما اجاره داده بود. یکی از پسران حاجی شعرباف فرقی شده بود و در دبیرستان شوروی‌ها در تبریز درس می‌خواند. پسر کوچک‌ترش بعداً پزشک و جراح شد. پس از آزاد شدن از زندان، او را در تهران دیدم و نام خانوادگی‌اش را تغییر داده بود، شده بود دکتر ترجمان. حاجی شعرباف را هم پس از آزادی از زندان دیدم.

خانه‌ای گرفتیم و در همین ایام نیروی هوایی هم تأسیس شد. سرهنگ آگهی مرا به سمت معاونش انتخاب کرد؛ معاون نیروی هوایی، با دو هواپیمای آماده به پرواز و دو هواپیمای خراب.

در این فاصله اقدام کردیم تا هواپیمای باشگاه هواپیمایی را که ملخ آن در سانحه شکسته بود، آماده پرواز بکنیم. توسط رفقای توده‌ای‌مان از انبار باشگاه هواپیمایی کشوری در مهرآباد تهران یک عدد ملخ هواپیما ربوده شد. این ملخ را که طولش حدود سه متر بود، لای پتویی پیچیدند و توسط هواپیمای مسافربری روسی که از مهرآباد تهران پرواز می‌کرد، توسط خلبان روس برای ما به تبریز آوردند و تحویل‌مان دادند. آن ملخ را روی هواپیمای بدون ملخ سوار کردیم و آماده پرواز شد و جمعاً شدند سه هواپیما.

● در تبریز نقش این هواپیماهای بدون سلاح چه بود؟ - در جشن‌ها و دیگر تظاهرات و مراسم، این سه هواپیما پرواز می‌کردند. بعداً نیروی هوایی را با افسرهای هوایی که به آذربایجان آمده بودند، جمع و جور کردیم.

ورود افسران تبعیدی کرمان به تبریز

● همان افسرانی که در زمان تصدی سرلشکر ارفع در پست رئیس ستاد ارتش به کرمان تبعید شده بودند؟

- وقتی سپهبد رزم‌آرا در سمت رئیس ستاد ارتش به جای سرلشکر ارفع سر کار آمد، آن افسرانی را که در کرمان تبعید بودند، آزاد کرد. آن افسران بعد از آزادی از تبعید در کرمان



قوام السلطنه نخست وزیر درمیان مظفر فیروز و ژنرال شوارتسکف مستشار نظامی ایران (دکتر منوچهر اقبال در عکس دیده می‌شود).

ایالتی پذیرفت و قرار شد استاندار آذربایجان با نظر انجمن ایالتی توسط دولت مرکزی منصوب گردد. به هر صورت، با وعده توخالی واگذاری نفت آذربایجان به شوروی و در رابطه با امضای قرارداد قوام - سادچیکف مقرر شده بود که چون مسئله آذربایجان یک امر داخلی است، به ترتیب مسالمت‌آمیزی بین دولت و اهالی آذربایجان حل و فصل شود و بدین ترتیب حکومت خودمختار آذربایجان رسماً و عملاً منحل گردید. ولی بعد شاهد بودیم که این حل مسالمت‌آمیز به قیمت خون ۲۰ هزار نفر تمام شد و بی‌گمان برادر بزرگ - شوروی - در تشکیل و نابودی آن نقش تعیین‌کننده داشت؛ طفلی را که زاییده بود سر راه گذاشت و رفت تا طعمه گرگ‌ها شود.

دنباله دارد

سال‌های ۱۳۵۰ را شوروی به ایران برگشت.

● پیشنهاد سرهنگ آگهی به ژنرال پناهیان در خصوص آمدن افسران نیروی هوایی از واحدهای زمینی به نیروی هوایی در تبریز به کجا رسید؟

- در نتیجه آن پیشنهاد و گفت‌وگوی آگهی با پناهیان، این افسران از واحدهای زمینی احضار شدند. سروان خلبان عنایت رضا، ستوان یکم خلبان جواد زرینه، ستوان دوم خلبان حق‌پرست، ستوان دوم خلبان ناظم پاشاناوی، ستوان دوم خلبان نادر کاوه و سروان فنی هوایی شمس‌الدین بدیع تبریزی به نیروی هوایی در تبریز منتقل شدند. ستوان دوم ابوالقاسم حق‌پرست که از بهترین خلبانان ما بود، به سمت معلم خلبان تعیین گردید. ابوالقاسم حق‌پرست فرزند ارشد

توقف حملات آمریکا و تداوم عملیات نظامی نیابتی‌های جمهوری اسلامی



حمله به اربیل / دوشنبه ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۶

گزارش‌های مربوط به درخواست مذاکره از سوی تهران «ساختگی» است و «این در «دی‌ان‌ای» ما نیست!» رد هرگونه مذاکره از سوی مقامات جمهوری اسلامی در حالیست که دونالد ترامپ در گفتگو با وبسایت اکسیوس با ابراز اینکه یک فرصت دیگر به دیپلماسی داده شده تأکید کرده است، مذاکرات با جمهوری اسلامی بسیار جدی است، اما در صورت شکست مذاکرات، حمله‌ی شدید و گسترده قطعی خواهد بود. دونالد ترامپ در این گفتگو در پاسخ به اینکه تا مدت می‌تواند به دیپلماسی فرصت دهد افزود: «یا سریع پیش می‌رود یا اصلاً پیش نخواهد رفت. وقت زیادی نمی‌برد.» رئیس‌جمهور آمریکا در این مصاحبه همچنین اشاره می‌کند که میانجی‌هایی که با جمهوری اسلامی در ارتباط هستند، از او خواسته‌اند شلیک نکنند. توقف موقت حملات آمریکا، قیمت نفت برنت را پس از آنکه هفته‌ی گذشته برای اولین بار در ماه مه از صد دلار عبور کرده بود، حدود شش و نیم درصد با کاهش روبرو کرد و به نزدیک نود دلار در هر بشکه رساند. به نقل از گزارش نیویورک‌پست، رسانه‌های حکومتی در داخل ایران مدعی شده‌اند که شش کشتی «متخلف» را که بدون اجازه از تنگه هرمز عبور کرده بودند، بازگردانده‌اند. جمهوری اسلامی اصرار دارد که مسیر رفت و آمد کشتی‌ها باید از کانال نزدیک به سواحل ایران باشد از جمله با این هدف که بتواند از آنها عوارض عبور دریافت کند. تحولات سیاسی و نظامی در حالی بطور روزانه در منطقه رخ می‌دهد که هنوز مشخص نیست اهرم نهایی آمریکا برای از میان برداشتن تهدیدهای مداوم جمهوری اسلامی در تنگه هرمز چیست. مذاکراتی که به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» انجامیده بود، در عمل شکست خورده و دونالد ترامپ با تهدید به حملات گسترده و پیشبرد آن اما دوباره از مذاکراتی با بقایای رژیم ایران حرف می‌زند که تا کنون به هیچ نتیجه‌ای، جز جنگ، نرسیده است.

خبر داده‌اند که حملات پهنای علیه اهدافی در خاک آنها انجام گرفته است. در همین ارتباط، عربستان سعودی اعلام کرد پهنادهایی را که به سمت تأسیسات نفتی (برخی در استان شرقی این کشور و برخی در ریاض) شلیک شده بودند، سرنگون کرده است. به گفته‌ی مقامات عربستان، پهنادهای از عراق و توسط گروه‌های نیابتی و بازوهای شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی پرتاب شده‌اند و عربستان نیز حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند. بنا بر گزارش نیویورک‌پست، حوثی‌های متحد جمهوری اسلامی در یمن نیز اعلام کرده‌اند، سایت‌های ترانزیت حامل نفت به بندر اصلی یمن در دریای سرخ را هدف قرار داده‌اند. اردن نیز از سرنگونی دو پهناد خبر داده و منابع امنیتی عراقی نیز سلسله حملات پهنادی را به شمال این کشور تأیید کرده‌اند. مناطق هدف قرارگرفته در شمال عراق و اردن، همان محل‌هایی هستند که در جریان حملات دو هفته قبل ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، چهار نظامی آمریکایی در آنجا کشته شدند. دونالد ترامپ بعد از سیزده شب بمباران متوالی و سنگین، یکباره در آخر هفته‌ی گذشته آن را متوقف کرد که به گفته‌ی برخی مقامات آمریکایی به نقل از فرماندهان نظامی این کشور، به دلیل تکمیل اهداف تعیین‌شده بوده است. با وجود حملات پهنادی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی، رژیم ایران ادعا کرده است، تا زمانی که آتش‌بس یکجانبه‌ی ترامپ ادامه داشته باشد، تهران نیز دست به حمله نخواهد زد. حکومت ایران با ادعای اینکه کنترل تنگه‌ی هرمز را در دست دارد، چنین قلمداد می‌کند که خواهان از سر گرفتن مذاکرات با ایالات متحده آمریکا نیست؛ در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان تکرار می‌کند که زمامداران تهران مشتاق مذاکره‌اند که در حال انجام نیز هست! در همین ارتباط، نیویورک‌پست به نقل از اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نوشته است که

● عربستان سعودی اعلام کرد پهنادهایی را که به سمت تأسیسات نفتی شلیک شده بودند، سرنگون کرده است. به گفته‌ی مقامات عربستان، پهنادهای از عراق و توسط گروه‌های نیابتی و بازوهای شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی پرتاب شدند و عربستان نیز حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند.

● با وجود حملات پهنادی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی، رژیم ایران ادعا کرده است، تا زمانی که آتش‌بس یکجانبه‌ی ترامپ ادامه داشته باشد، تهران نیز دست به حمله نخواهد زد. حکومت ایران با ادعای اینکه کنترل تنگه‌ی هرمز را در دست دارد، چنین قلمداد می‌کند که خواهان از سر گرفتن مذاکرات با ایالات متحده آمریکا نیست؛ در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان تکرار می‌کند که زمامداران تهران مشتاق مذاکره‌اند که در حال انجام نیز هست!

● تحولات سیاسی و نظامی در حالی بطور روزانه در منطقه رخ می‌دهد که هنوز مشخص نیست اهرم نهایی آمریکا برای از میان برداشتن تهدیدهای مداوم جمهوری اسلامی در تنگه هرمز چیست. مذاکراتی که به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» انجامیده بود، در عمل شکست خورده و دونالد ترامپ با تهدید به حملات گسترده و پیشبرد آن اما دوباره از مذاکراتی با بقایای رژیم ایران حرف می‌زند که تا کنون به هیچ نتیجه‌ای، جز جنگ، نرسیده است.

دو روز پس از آنکه آمریکا کارزار دو هفته‌ای حملات هوایی علیه جمهوری اسلامی را متوقف کرد، عربستان سعودی، اردن و عراق روز دوشنبه ۲۷ ژوئیه از حملات پهنادی علیه خود خبر داده‌اند. در حالی که ایالات متحده بار دیگر ناگهان حملات هوایی خود را علیه جمهوری اسلامی متوقف کرده، برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی، اردن و عراق

تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده



تصویر ماهواره‌ای از پایگاه موشکی تنگه کنشت در شمال کرمانشاه در حال بازسازی / ۱ ژوئن ۲۰۲۶ / وال‌استریت ژورنال

سازه‌های جدید را در این محل نشان می‌دهند. این کارخانه طبق گزارش «کالج سلطنتی لندن» در تولید قطعات موشکی نقش دارد.

بر اساس همین گزارش و به نقل از مقامات اسرائیلی، حملات نظامی اغلب فقط ورودی‌های سطحی پایگاه‌های موشکی عمیق کوهستانی را تخریب کرده و تسلیحات داخل آنها می‌توانند سالم مانده باشند و جمهوری اسلامی با توجه به فرصت‌هایی مانند آتش‌بس اقدام به بیرون آوردن و انتقال آنها کرده است.

بر پایه‌ی این گزارش، جیم لمسون پژوهشگر «کالج سلطنتی لندن» و تحلیلگر سابق سی‌آی‌ای با اشاره به برخی تأسیسات آسیب دیده می‌گوید: «بازسازی تأسیسات پیشرفته‌ای مانند تولید فیبر کربن ممکن است ماه‌ها و سال‌ها به طول بیانجامد اما جمهوری اسلامی احتمالاً قطعات را در بخش‌های زیرزمینی ذخیره کرده تا در کوتاه‌مدت به تولید پهباد و موشک بپردازد.»

در همین زمینه، تال اینبار تحلیلگر ارشد «اتحادیه حمایت از دفاع موشکی» گفت: «گزارش‌ها درباره‌ی نابودی کامل یا کاهش قابل توجه موشک‌های جمهوری اسلامی، دقیق نبوده است.» او افزود: «جمهوری اسلامی تا هر زمانی که ادامه یابد، برای بازسازی زیرساخت و توان تسلیحاتی‌اش تلاش خواهد کرد؛ تمام موضوع بر سر اراده، زمان و پول است!»

مقامات آمریکایی و اسرائیلی حملات نظامی بهار ۴۰۴ را ضربه‌ی بزرگی علیه توان نظامی جمهوری اسلامی توصیف کرده‌اند، با این حال نگرانی‌ها همچنان در مورد بازسازی و حفظ توان موشکی رژیم ایران ادامه دارد.

سنگین در ابتدای جنگ به پایگاه موشکی در شمال شهر کرمانشاه (تنگه کنشت) را ثبت کرده بود. اما اواخر خردادماه تصاویر Airbus نشان می‌دهند که جاده‌های آسیب‌دیده تعمیر شده و کامیون‌ها در حال خاکبرداری، پاکسازی و باز کردن ورودی تونل‌های فروریخته هستند. پایگاه موشکی دزفول نیز یکی دیگر از تأسیساتی است که سپاه پاسداران پس از تخریب آن بلافاصله شروع به حفاری کرد. این پایگاه در خرداد و اسفند سال ۴۰۴ دو بار مورد حمله قرار گرفت و ورودی‌هایش تخریب و مدفون شدند. سه ماه بعد تصاویر Airbus نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی دوباره مشغول حفر چندین تونل است.

بازسازی پل‌ها نسبت به حفاری ورودی تونل‌ها برای جمهوری اسلامی اندکی راحت‌تر است. این امر بستگی به دقت حملات در هدف‌گیری دارد. از آنجا که سپاه پاسداران از پل‌ها به عنوان سنگر لانچرهای موشکی استفاده می‌کند، در حملات اخیر بسیاری از آنها همراه با لانچر نابود شده‌اند. یک مقام اسرائیلی می‌گوید: «پلی که با سه مپ هدف قرار گرفته بود، ظرف چند روز دوباره تعمیر شده که در این مورد دقت در هدف‌گیری جای تردید دارد.»

در کارخانه‌ی کشتی‌سازی بندر انزلی (پهلوی) که در اسفند ۴۰۴ مورد حمله‌ی هوایی اسرائیل قرار گرفته بود نیز در تصاویر ماهواره‌ای اواخر خرداد توسط Planet Lab تلاش‌های بازسازی جزئی به چشم می‌خورد. تأسیساتی که در اختیار سپاه پاسداران است.

گزارش وال‌استریت ژورنال همچنین به تأسیسات تولید قطعات موشکی «رجا شیمی» در نزدیکی تهران اشاره کرده و نوشته که تصاویر ماهواره‌ای اخیر بازسازی جزئی و

● بنا بر گزارش وال‌استریت ژورنال و بر اساس عکس‌های ماهواره‌ای، جمهوری اسلامی بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل را در ماه‌های اخیر با شتاب پیش می‌برد. این بازسازی شامل پایگاه‌های موشکی عمیق در میان کوه‌ها، بنادر، پل‌ها و برخی تأسیسات تولیدی می‌شود.

● بازسازی پل‌ها نسبت به حفاری ورودی تونل‌ها برای جمهوری اسلامی اندکی راحت‌تر است. این امر بستگی به دقت حملات در هدف‌گیری دارد. از آنجا که سپاه پاسداران از پل‌ها به عنوان سنگر لانچرهای موشکی استفاده می‌کند، در حملات اخیر بسیاری از آنها همراه با لانچر نابود شده‌اند.

● حملات نظامی اغلب فقط ورودی‌های سطحی پایگاه‌های موشکی عمیق کوهستانی را تخریب کرده و تسلیحات داخل آنها می‌توانند سالم مانده باشند و جمهوری اسلامی با توجه به فرصت‌هایی مانند آتش‌بس اقدام به بیرون آوردن و انتقال آنها کرده است.

● یک تحلیلگر ارشد «اتحادیه حمایت از دفاع موشکی»: جمهوری اسلامی تا هر زمانی که ادامه یابد، برای بازسازی زیرساخت و توان تسلیحاتی‌اش تلاش خواهد کرد؛ تمام موضوع بر سر اراده، زمان و پول است!

در حالی که حملات هوایی ایالات متحده بطور مستمر در ایران ادامه دارد، تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی شروع به بازسازی برخی تأسیسات آسیب‌دیده کرده است.

بنا بر گزارش وال‌استریت ژورنال و بر اساس عکس‌های ماهواره‌ای (Airbus و Planet Labs) در کنار اظهارات مقامات اسرائیلی و غربی، جمهوری اسلامی بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در حملات هوایی آمریکا و اسرائیل را در ماه‌های اخیر با شتاب پیش می‌برد. این بازسازی شامل پایگاه‌های موشکی عمیق در میان کوه‌ها، بنادر، پل‌ها و برخی تأسیسات تولیدی می‌شود.

بنا بر ادعای گزارش وال‌استریت ژورنال، روند سریع و بیش از حد انتظار این بازسازی، با وجود حملات سنگین آمریکا و اسرائیل که بالغ بر بیست‌هزار هدف را در بر می‌گیرد و همچنان با تمرکز بر امتداد سواحل خلیج فارس برای تضعیف کنترل جمهوری اسلامی بر تنگه‌ی هرمز ادامه دارد و گسترش نیز یافته، برخی مقامات اسرائیل را نسبت به تاب‌آوری مداوم زمامداران فعلی ایران نگران کرده است.

برخی نقاط در حال بازسازی بر اساس تصاویر ماهواره‌ای

گزارش وال‌استریت ژورنال با استناد به تصاویر ماهواره‌ای Planet Lab نزدیک کنگاور از شهرستان‌های شرق استان کرمانشاه در ماه مارس نشان می‌دهد که ورودی تونل و جاده‌ی دسترسی به یک پایگاه موشکی بر اثر حملات هوایی آسیب دیده اما، چند هفته‌ی بعد تصاویر Airbus از حفاری‌های تازه در ورودی‌ها و جاده‌ای تازه آسفالت شده خبر می‌دهند.

در موردی دیگر، تصاویر Planet Lab واردشدن آسیب

روزنامه «تلگراف»: انتقال عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی به انگلیس از طریق کانال مانش



مسیرهای قاچاق را اداره می‌کنند. او با اشاره به افرادی که آنها را «انقلابی» توصیف کرد، گفت: «آنها در لندن مستقر شده‌اند و منتظر دریافت دستور هستند.»

این مقام همچنین تهدید کرد جمهوری اسلامی می‌تواند بدون استفاده از موشک، لندن را ناامن کند و افزود مسیرهای قاچاق برای تهران «مهم‌تر و مفیدتر از موشک‌ها» هستند.

تلگراف به جزئیات بیشتری از اینکه مقام یادشده کیست و چه موقعیتی دارد اشاره نکرده اما می‌نویسد شمار تهدیدهای احتمالی ورودی با قایق‌های کوچک، در مقایسه با تعداد افراد وابسته به سپاه که با پروازهای قانونی از کشورهای اروپایی وارد بریتانیا می‌شوند، بسیار کمتر است.

مقام‌های مورد استناد این روزنامه، تندرو کردن و فعال ساختن برخی اعضای جامعه ایرانیان مقیم لندن و استفاده از نیروهای نیابتی محلی را تهدید بزرگتری برای امنیت ملی بریتانیا دانسته‌اند. به گفته آنها، انتقال افراد با قایق‌های کوچک مسیری پرهزینه و غیرقابل اعتماد است.

مسیر انتقال از ایران تا بریتانیا

مسیر اصلی شبکه‌های قاچاق، از ایران به ترکیه، ایتالیا، فرانسه و سپس بریتانیا است.

مهاجران ابتدا در نزدیکی گذرگاه‌های مرزی یا از مسیر کوهستانی اطراف ماکو وارد ترکیه می‌شوند. آنان پس از رسیدن به شهر وان به قاچاقچیان سپرده می‌شوند که از مسیر دیاربکر و سامسون آنها را به استانبول می‌رسانند.

مهاجران سپس با قایق از نزدیکی استانبول حرکت می‌کنند، از دریای اژه می‌گذرند و به رجیو کالابریا در جنوب ایتالیا می‌رسند. آنها از آنجا با قطار به میلان و سپس فرانسه منتقل می‌شوند و در مرحله آخر، با قایق‌های بادی از کاله

اروپا می‌نویسد، حکومت ایران انتقال برخی مهاجران ساکن کاله فرانسه به بریتانیا را تسهیل می‌کند و در مقابل، از آنها می‌خواهد پس از استقرار در این کشور خدماتی برای حکومت انجام دهند.

ادعاهایی که در این گزارش مطرح شده بطور مستقل تایید نشده‌اند و وزارت کشور بریتانیا نیز درباره تعداد، هویت یا وابستگی افراد رهگیری شده توضیحی ارائه نکرده است.

استفاده از فناوری برای شناسایی تهدیدها

بر اساس گزارش «تلگراف»، وزارت کشور بریتانیا برای رصد قایق‌های در حال عبور از کانال مانش، از پهپادها و برج‌های مراقبتی مجهز به هوش مصنوعی استفاده می‌کند. گفته می‌شود این تجهیزات به مقام‌ها در شناسایی و رهگیری افراد مرتبط با جمهوری اسلامی کمک کرده‌اند.

تلگراف به نقل از مقام‌هایی در ایران نوشت شبکه‌های قاچاق تحت کنترل جمهوری اسلامی، افراد مرتبط با حکومت را از مسیرهای مختلف اروپا به بریتانیا منتقل می‌کنند. این مقامات مدعی شده‌اند کنترل برخی مسیرهای قاچاق انسان میان خاورمیانه و کانال مانش در اختیار سپاه پاسداران است.

ماموریت «یگان ۷۰۰» سپاه قدس

در بخش دیگری از گزارش روزنامه «تلگراف» آمده، شبکه‌های مورد استفاده برای انتقال افراد به انگلیس را «یگان ۷۰۰» سپاه قدس اداره می‌کند. این یگان به عنوان شاخه لجستیک سپاه قدس، مسئول عملیات برون‌مرزی است.

یک مقام جمهوری اسلامی که به نام او اشاره نشده است، تاکید کرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در برخی موارد

● روزنامه انگلیسی «تلگراف»، جمعه دوم امداد ۱۴۰۵ گزارش داد، جمهوری اسلامی از شبکه‌های قاچاق انسان برای انتقال عوامل حکومتی به اروپا و بریتانیا استفاده می‌کند. در این گزارش آمده است، تعدادی از افراد مظنون به ارتباط با وزارت اطلاعات هنگام تلاش برای عبور از کانال مانش و ورود به بریتانیا با قایق‌های کوچک شناسایی شده‌اند.

● تلگراف به نقل از مقام‌هایی در ایران نوشت شبکه‌های قاچاق تحت کنترل جمهوری اسلامی، افراد مرتبط با حکومت را از مسیرهای مختلف اروپا به بریتانیا منتقل می‌کنند. این مقامات مدعی شده‌اند کنترل برخی مسیرهای قاچاق انسان میان خاورمیانه و کانال مانش در اختیار سپاه پاسداران است.

● در بخشی از گزارش روزنامه «تلگراف» آمده، شبکه‌های مورد استفاده برای انتقال افراد به انگلیس را «یگان ۷۰۰» سپاه قدس اداره می‌کند. این یگان به عنوان شاخه لجستیک سپاه قدس، مسئول عملیات برون‌مرزی است.

● یک مقام جمهوری اسلامی که به نام او اشاره نشده، تاکید کرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در برخی موارد مسیرهای قاچاق را اداره می‌کنند. او با اشاره به افرادی که آنها را «انقلابی» توصیف کرد، گفت: «آنها در لندن مستقر شده‌اند و منتظر دریافت دستور هستند.»

روزنامه انگلیسی «تلگراف»، جمعه دوم امداد ۱۴۰۵ گزارش داد جمهوری اسلامی از شبکه‌های قاچاق انسان برای انتقال عوامل حکومتی به اروپا و بریتانیا استفاده می‌کند. در این گزارش آمده است، تعدادی از افراد مظنون به ارتباط با وزارت اطلاعات هنگام تلاش برای عبور از کانال مانش و ورود به بریتانیا با قایق‌های کوچک شناسایی شده‌اند.

این روزنامه با استناد به ادعاهای قاچاقچیان فعال در

➔ به دور می‌روند.

در مسیر نخست، قاچاقچیان مرتبط با افراد را از استانبول و با عبور پیاده از جنگل‌های اروپا به کاله می‌رسانند. در مسیر دوم، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در کشورهای اروپای شرقی گروه‌هایی شبیه شبکه‌های مافیایی تشکیل می‌دهند و عوامل از آنجا با پرواز قانونی به لندن می‌روند، عملیات مورد نظر را انجام می‌دهند و سپس بریتانیا را ترک می‌کنند.

ارتباط بعضی مسیرها با حکومت ایران

دو قاچاقچی ایرانی به تلگراف گفته‌اند بعضی مسیرهای قاچاق مرتبط با حکومت ایران است. یکی از آنها گفته ابعاد این ارتباط روشن نیست، اما بخشی از درآمد حاصل از قاچاق به افراد مرتبط با حکومت می‌رسد. به گفته او، مسیر مورد استفاده همان مسیر معمول مهاجران است، اما حکومت ایران آن را در پشت صحنه اداره می‌کند. قاچاقچی دیگری گفت کنترل یک مسیر، مزیت بزرگی برای جمهوری اسلامی دارد و به حکومت اجازه می‌دهد از آن برای مقاصد مختلف استفاده کند. او افزود برخی مهاجران در پارک‌های کاله یا دانکرک منتظر می‌مانند تا قاچاقچیان آنان را برای انتقال به انگلیس انتخاب کنند. به گفته این قاچاقچی، بیشتر این افراد از فقر فرار می‌کنند و ممکن است در مقابل کاهش هزینه سفر، پس از ورود به بریتانیا با درخواست انجام خدماتی برای حکومت ایران موافقت کنند.

کریستیان گوستافسون معاون مرکز مطالعات اطلاعاتی و امنیتی دانشگاه بروئل و استاد پیشین دانشکده نظامی «سندهرست» می‌گوید، احتمال اینکه جمهوری اسلامی برای اجرای عملیات از مجرمان و افراد جذب‌شده در داخل بریتانیا استفاده کند، بیشتر از انتقال مستقیم عوامل ایرانی است.

او گفت حکومت ایران ممکن است با بهره‌برداری از احساسات ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی، جوانان محلی خشمگین از جنگ غزه و اقدامات اسرائیل و آمریکا در خاورمیانه را جذب کند.

آلشیا کرنز وزیر امنیت در دولت سایه بریتانیا، سپاه را متهم می‌کند که از قایق‌های کوچک برای انتقال عوامل خود به این کشور بهره می‌برد.

او خواستار تشکیل فوری کارگروهی برای شناسایی عوامل احتمالی جمهوری اسلامی در میان مهاجران تازه‌وارد و افرادی شد که بیشتر به بریتانیا رسیده‌اند. کرنز همچنین از دولت خواست وزارت اطلاعات را بر اساس قوانین مربوط به دولت‌های متخاصم در فهرست نهادهای تعیین‌شده قرار دهد و برای تعطیل کردن سازمان‌هایی که پوششی برای سپاه پاسداران هستند، از جمله مرکز اسلامی انگلیس، اختیارات اضطراری صادر کند.

سخنگوی وزارت کشور بریتانیا در واکنش به گزارش تلگراف گفت امنیت ملی اولویت نخست دولت است و همه افرادی که با قایق‌های کوچک وارد کشور می‌شوند، تحت بررسی‌های امنیتی سختگیرانه قرار می‌گیرند. او افزود، افرادی که تهدید تشخیص داده شوند، بلافاصله بازداشت خواهند شد و دولت برای اخراج سریع آنها اقدام خواهد کرد.

این سخنگو همچنین گفت، دولت روند اصلاح قانون برای ممنوع کردن حمایت از سپاه پاسداران را تسریع کرده است. به گفته او، این تغییر اختیارات بیشتری به پلیس و نهادهای اطلاعاتی می‌دهد تا فعالیت افراد مرتبط با سپاه را مختل و زمینه پیگرد قضایی آنان را فراهم کند.

جدال جمهوری اسلامی با اوکراین؛ ولودیمیر زلنسکی: روسیه به رژیم ایران اطلاعات پایگاه‌های آمریکا را می‌دهد



ولودیمیر زلنسکی

شد. این وزارتخانه اقدام اوکراین را محکوم کرد. عباس عراقچی خواستار پاسخگو کردن اوکراین توسط اتحادیه اروپا شده است. ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین در «ایکس» نوشت نیروهای این کشور در حملات دوربرد در دریای کاسپین، شناورهایی را که برای انتقال محموله‌های نظامی مرتبط با جمهوری اسلامی استفاده می‌شدند، همراه با یک ناو جنگی هدف قرار دادند.

در پی این حمله کاردار موقت اوکراین در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد. خبرگزاری فارس به نقل از هواداران حکومت نوشت: «در زدن اوکراین تردید نکنید، اگر نژند زلنسکی ذلیل جری‌تر می‌شود.»

ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین شب در «ایکس» نوشت: «به نهادهای اطلاعاتی دستور خواهم داد تا اطلاعات مربوط به کمک جدید روسیه به ایران را با شرکایمان به اشتراک بگذارند. ما از ابتدای ماه ژوئیه نظارت فعال ماهواره‌ای روسیه بر کشورهای خلیج فارس و تاسیسات نظامی آمریکا در آنجا را ثبت کرده‌ایم. این تصاویر متعاقباً در ایران ظاهر می‌شوند. در عین حال، ارتباط آشکاری بین تصاویر ماهواره‌ای روسیه از این مکان‌ها و حملات ایران وجود دارد، هم قبل از حملات و آماده‌سازی برای آنها و هم پس از آن، برای ارزیابی خسارات وارده.»

او همچنین گفت: «تتها در روزهای ۲۸ و ۲۹ تیر ماه، چهار پایگاه هوایی در حیطه مورد نظر ماهواره‌های روسیه قرار گرفتند؛ دو پایگاه در بحرین، یک پایگاه در اردن و یک پایگاه در کویت. هدف روشن است. هیچیک از ما در جهان نباید این واقعیت بسیار ساده را نادیده بگیریم: شر همیشه به دنبال راه‌هایی برای بدتر کردن اوضاع و گسترش بیشتر آن است. روسیه باید متوقف شود. این جنگ باید متوقف شود. فشار بر متجاوز باید تاثیرگذار باشد.»

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی شب سه سوم امرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد در حمله اوکراین به یک «کشتی تجاری» ایران در دریای خزر که بامداد شب سه سوم مرداد ۱۴۰۵ اتفاق افتاد پس از انفجار در کشتی یک ملوان کشته و یک نفر زخمی شد. این وزارتخانه اقدام اوکراین را محکوم کرد.

● عباس عراقچی خواستار پاسخگو کردن اوکراین توسط اتحادیه اروپا شده است. ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین در «ایکس» نوشت، نیروهای این کشور در حملات دوربرد در دریای کاسپین، شناورهایی را که برای انتقال محموله‌های نظامی مرتبط با جمهوری اسلامی استفاده می‌شدند، همراه با یک ناو جنگی هدف قرار دادند.

● ولودیمیر زلنسکی شب سه در «ایکس» نوشت: «به نهادهای اطلاعاتی دستور خواهم داد تا اطلاعات مربوط به کمک جدید روسیه به ایران را با شرکایمان به اشتراک بگذارند.»

در شرایطی که به نظر می‌رسد آمریکا خود را برای یک حمله شدید علیه جمهوری اسلامی آماده می‌کند، رئیس‌جمهور اوکراین اعلام کرد ارتش این کشور یک کشتی جمهوری اسلامی حامل سلاح برای روسیه را در دریای کاسپین هدف قرار داده است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد در این حمله یک نفر کشته و یک نفر زخمی شدند. رئیس‌جمهور اوکراین می‌گوید روس‌ها اطلاعات پایگاه‌های آمریکا در منطقه را در اختیار رژیم ایران می‌گذارند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی شب سه سوم امرداد ۱۴۰۵ اعلام کرد در حمله اوکراین به یک «کشتی تجاری» ایران در دریای خزر که بامداد شب سه سوم مرداد ۱۴۰۵ اتفاق افتاد پس از انفجار در کشتی یک ملوان کشته و یک نفر زخمی

پوچ‌گرایی در سیاست حکومت اسلامی؛ «نه» به دولت و ملت و همسایگان و جهان!



حمله «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به سفارت آمریکا در تهران، ۱۳ آبان ۱۳۵۸ برابر با ۴ نوامبر ۱۹۷۹

با این حال، این رفتار گزینشی نیهیلیستی، از عمل‌گرایی صرف فراتر رفته و به فرصت‌طلبی نزدیک می‌شود، زیرا از ضرورتی ناشی شده که زندگی بر آن تحمیل کرده است، در حالی که همان زندگی، از منظر او، ذاتاً منوط و ناپسند است. از این زاویه می‌توان به رویدادهایی مانند «ایران‌گیت» در دهه ۱۹۸۰ یا توافقی‌های گوناگونی که در دوره‌های مختلف با «شیطان‌های» بزرگ و کوچک صورت گرفت، نگریست.

در این میان، بُعد نیهیلیستی سیاست‌های رژیم ایران در ماه‌های اخیر در شماری از مواضع آن آشکارتر شده است. تهران توجه نکرد که «یادداشت تفاهم» با واشنگتن به سود آن بوده؛ همانگونه که تحولات اخیر لبنان و عراق، که بسیاری از اهرم‌های نفوذ آن را از میان برده، آن را به تأمل وادار نکرد. همچنین تلاش برخی کشورهای خلیج فارس برای کمک به حکومت ایران یا بهره‌گیری از اختلافات میان کشورهای غربی نیز مورد توجه قرار نگرفت. در برابر همه این تحولات متفاوت و حتی متناقض، تنها یک واکنش از سوی تهران دیده شد: اصرار بر مواضع خود و انعطاف‌ناپذیری؛ رویکردی که دامنه دشمنان را گسترش می‌دهد و از شمار دوستان کم می‌کند.

این نگاه نیهیلیستی به سیاست، مکمل نگرشی است که نسبت به دولت‌های پیرامون، و حتی اصل مفهوم «دولت» وجود دارد.

وقتی تهران به لبنان، عراق یا یمن می‌اندیشد، آنها را عمدتاً از دریچه شبه‌نظامیانی می‌بیند که خود در تشکیل آنها نقش اساسی داشته است. در این نگاه، دولت تنها زمانی پذیرفتنی است که امتداد یا همراه با شبه‌نظامیان باشد؛ همانگونه که در سوریه دوران بشار اسد مشاهده شد. همچنین هنگامی که به کشورهای همسایه خلیج فارس می‌نگرد، آنها و جوامع‌شان را صرفاً به کارکردهای استراتژیک فرو

اسلامی ۵۷، سفارت آمریکا در تهران را اشغال کردند، بسیاری متوجه نشدند که این اقدام، عملی بدعت‌گذار برای نهادینه کردن یک نظام سیاسی و یک شیوه رفتاری بود. این اقدام «دانشجویان پیرو خط امام» اصل روابط دیپلماتیک را انکار می‌کرد و آشکارا حقوق بین‌الملل را نقض می‌نمود. چنین انکاری در چارچوب مکتبی قرار می‌گیرد که «نیهیلیسم» یا «پوچ‌گرایی» نام دارد؛ مکتبی که از مفهوم «هیچ» سرچشمه می‌گیرد؛ چنانکه واژه Nihilism از کلمه لاتین Nihil به معنای «هیچ» می‌آید.

نیهیلیسم مشروعیت و معنای اخلاقی نظم‌های سیاسی و نهادهای موجود را انکار می‌کند و درستی منابع مشروعیت آنها را زیر سؤال می‌برد و از میان برداشتن آنها را امری سهل و موجه می‌داند.

از این رو، نیهیلیسم با دیگر جریان‌های رادیکال تفاوت دارد؛ جریانی که برای وضع موجود، هرچند نامطلوب، جایگزینی پیشنهاد می‌کنند، خواه چپ‌گرا باشند مانند مارکسیسم و آنارشیزم، خواه راست‌گرا مانند فاشیسم. در نیهیلیسم مهم آن است که گفته شود: «نه!» و عمل نیز بر اساس همین «نه» شکل گیرد، و تنها پس از آن، نتیجه هرچه بود، دیده خواهد شد. از آنجا که جهان مملو از چیزهایی تلقی می‌شود که ارزش حفظ شدن ندارند، میل به خشونتی که قرار است آنها را «پاکسازی» و حذف کند، گسترده و نیرومند می‌شود.

اما وقتی یک نیهیلیست یا پوچ‌گرا/هیچ‌گرا، مانند آنچه ۱۹۷۹ در ایران رخ داد، به قدرت می‌رسد، اجرای مطلق نیهیلیسم دشوار می‌شود. او اکنون مسئول است و با واقعیتی ملموس روبروست که باید آن را اداره کند. از آنجا که دیگر نمی‌تواند جهان پیرامون را صرفاً «هیچ» یا «صفر» ببیند، ناچار است گاهی به قاعده فقهی «ضرورت‌ها، محرمات را مباح می‌سازند» متوسل شود.

● نیهیلیسم مشروعیت و معنای اخلاقی نظم‌های سیاسی و نهادهای موجود را انکار می‌کند و درستی منابع مشروعیت آنها را زیر سؤال می‌برد و از میان برداشتن آنها را امری سهل و موجه می‌داند. اما وقتی یک نیهیلیست یا پوچ‌گرا/هیچ‌گرا، مانند آنچه ۱۹۷۹ در ایران رخ داد، به قدرت می‌رسد، اجرای مطلق نیهیلیسم دشوار می‌شود. او اکنون مسئول است و با واقعیتی ملموس روبروست که باید آن را اداره کند. از آنجا که دیگر نمی‌تواند جهان پیرامون را صرفاً «هیچ» یا «صفر» ببیند، ناچار است گاهی به قاعده فقهی «ضرورت‌ها، محرمات را مباح می‌سازند» متوسل شود.

● نگاه نیهیلیستی به سیاست، که شمار دشمنان را گسترش داده و از تعداد دوستان کم می‌کند، مکمل نگرشی است که نسبت به دولت‌های پیرامون، و حتی اصل مفهوم «دولت» وجود دارد. وقتی تهران به لبنان، عراق یا یمن می‌اندیشد، آنها را عمدتاً از دریچه شبه‌نظامیانی می‌بیند که خود در تشکیل آنها نقش اساسی داشته است. در این نگاه، دولت تنها زمانی پذیرفتنی است که امتداد یا همراه با شبه‌نظامیان باشد!

● درواقع، ریشه‌ی این نگرش، دیدگاهی استعماری است که امنیت و ثبات منطقه‌ای را نه در همکاری، اعتماد متقابل و اشتراک منافع، بلکه در موازنه‌ی قوا، حوزه‌های نفوذ و در صورت لزوم، نفوذ از طریق شبه‌نظامیان می‌بیند. همانگونه که سیاست، دولت، دیپلماسی و قانون در این نگاه جایگاه چندانی ندارند، منافع اقتصادی و تجارت بین‌المللی نیز از احترام برخوردار نیستند. از همین رو، گذرگاه دریایی مهمی چون تنگه هرمز بسته می‌شود و از طریق حوثی‌ها تلاش می‌شود باب‌المندب نیز مسدود گردد.

حازم صاغیه (الشرق الاوسط) - وقتی گروهی از جوانان موسوم به «پیرو خط امام» اندکی پس از پیروزی انقلاب

دیدار پزشکان میهن دوست با شاهزاده رضا پهلوی



۷- ایجاد «بنیاد جاویدنامان»

درباره ضرورت تأسیس بنیادی برای حمایت از خانواده‌های جان‌باختگان راه آزادی ایران («جاویدنامان») و آسیب‌دیدگان جسمی و روحی گفت‌گو شد تا پس از گذار، رسیدگی‌های مادی، روانی و اجتماعی به این خانواده‌ها به شکلی سازمان‌یافته انجام گیرد

۸- نظام سلامت و بیمه درمانی

در خصوص آینده نظام بیمه و خدمات درمانی کشور بحث شد. از جمله این که چه سطحی از خدمات درمانی باید به صورت رایگان و همگانی در اختیار شهروندان قرار گیرد و چگونه می‌توان میان عدالت اجتماعی، کیفیت خدمات و پایداری مالی نظام سلامت تعادل برقرار کرد

۹- استقلال در تولید دارو

شاهزاده به طور ویژه بر اهمیت توسعه صنعت داروسازی کشور تأکید کردند و استقلال در تولید دارو را یکی از اولویت‌های راهبردی آینده ایران دانستند تا کشور در تأمین داروهای اساسی وابستگی حداقلی به خارج داشته باشد

۱۰- همکاری با سازمان‌های پزشکی و بشردوستانه

درباره امکان همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و امدادگران، از جمله «پزشکان بدون مرز» و همچنین احیای ظرفیت‌های «جمعیت شیر و خورشید» برای ارتقای خدمات درمانی و آمادگی در شرایط بحرانی گفت‌گو شد

۱۱- برنامه‌های به خصوص آموزشی برای شکستن تابوها

در موارد پزشکی و رسیدن به تشخیص و درمان سریعتر، مانند: سرطان سینه، سرطان پرستات، بیماری‌های زنانه، بیماری‌های مقاربتی، موزش پیرامون ختنه کودکان.

۱۲- پیشگیری بیماری‌ها

به خصوص رابطه مهم ورزش و سلامت مورد صحبت قرار گرفت.

در پایان، بر ادامه همکاری میان جامعه پزشکان میهن‌دوست و دفتر شاهزاده، استفاده از ظرفیت‌های تخصصی ایرانیان داخل و خارج از کشور، و تدوین برنامه‌های عملی برای ارتقای سلامت، حقوق بشر و آمادگی نظام سلامت ایران در دوران گذار تأکید شد.

پاینده ایران

انجمن پزشکان میهن‌دوست ایران

در دیدار پزشکان میهن‌دوست با شاهزاده رضا پهلوی، موضوعات مختلفی پیرامون وضعیت سلامت، حقوق بشر و برنامه‌ریزی برای آینده نظام سلامت ایران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. اهم موارد مطرح شده به شرح زیر است:

۱- کم‌کسانی به داخل ایران

درباره راهکارهای کم‌کسانی به مردم داخل ایران، به ویژه مجروحان، با در نظر گرفتن ملاحظات و الزامات امنیتی، گفت‌گو شد.

۲- اطلاع‌رسانی و همکاری رسانه‌ای

مقرر شد از ظرفیت‌های اطلاع‌رسانی و پلتفرم‌های رسانه‌ای دفتر شاهزاده برای آگاهی‌رسانی عمومی و حمایت از فعالیت‌های پزشکی و بشردوستانه استفاده شود.

۳- عدالت در دسترسی به خدمات سلامت

یکی از محورهای اصلی، برنامه‌ریزی برای آینده نظام سلامت ایران بود. تأکید شد که توان پزشکی و خدمات درمانی باید به گونه‌ای توسعه یابد که همه مناطق کشور، به ویژه مناطق محروم، از دسترسی عادلانه به خدمات پزشکی برخوردار شوند و توازن مناسبی در سراسر کشور ایجاد گردد.

۴- حقوق بشر و مستندسازی شکنجه

درباره کمیسیون‌های حقوق بشر و ضرورت آموزش گسترده «پروتکل استانبول» به عنوان استاندارد بین‌المللی مستندسازی شکنجه و بدرفتاری، بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

۵- رسیدگی به آسیب‌های روانی جامعه تروما

با توجه به گستردگی آسیب‌های روانی ناشی از سال‌ها سرکوب، خشونت و فشارهای اجتماعی، بر ضرورت ایجاد یک پلتفرم ملی برای پیشگیری، درمان و بازتوانی تروما در جامعه ایران تأکید شد

۶- برنامه واکسیناسیون

اهمیت اجرای برنامه ملی واکسیناسیون HPV برای نوجوانان و جوانان مورد بحث قرار گرفت. تأکید شد که اجرای این برنامه در آینده می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از انواع سرطان‌های مرتبط با ویروس HPV داشته باشد؛ واکسنی که در حال حاضر به طور گسترده در ایران در دسترس نیست

می‌تواند که می‌توان با حملات نظامی و ایجاد رعب و وحشت آنها را تنبیه کرد. در هر دو حالت، دولت مطلوب، دولتی است که با محروم شدن از بخش مهمی از حاکمیت خود، به حاکمیتی مشترک، تجزیه‌شده یا مورد مناقشه در داخل یا خارج تبدیل شود.

اگر مفهوم «همسایگی» اصل «حسن همجواری» را مطرح می‌کند، این تنها یک شعار اخلاقی نیست، بلکه ریشه در حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل متحد و بسیاری از توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه دارد. حسن همجواری به معنای خودداری از تهدید کشورها با زور، حل مسالمت‌آمیز اختلافات و همکاری در موضوعات مشترک است. اما رفتار نیهیلیستی، منافع را از مسیر اجبار، سلطه و الحاق دنبال می‌کند و به این ترتیب سیاست، دیپلماسی و قانون را کنار می‌گذارد.

درواقع، ریشه‌ی این نگرش، دیدگاهی استعماری است که امنیت و ثبات منطقه‌ای را نه در همکاری، اعتماد متقابل و اشتراک منافع، بلکه در موازنه‌ی قوا، حوزه‌های نفوذ و در صورت لزوم، نفوذ از طریق شبه‌نظامیان می‌بیند.

همانگونه که سیاست، دولت، دیپلماسی و قانون در این نگاه جایگاه چندانی ندارند، منافع اقتصادی و تجارت بین‌المللی نیز از احترام برخوردار نیستند. از همین رو، گذرگاه دریایی مهمی چون تنگه هرمز بسته می‌شود و از طریق حوثی‌ها تلاش می‌شود باب‌المندب نیز مسدود گردد؛ اقدامی که نه تنها به منافع کشورهای منطقه، بلکه به اقتصاد جهانی آسیب می‌رساند. همچنین رژیم ایران، با وجود امضای کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، هرگز آن را تصویب نکرده و برخی مفاد اساسی آن را نپذیرفته است.

نیهیلیسم همچنین گرایشی عمیق به گذشته دارد. چون جهان کنونی فاسد و نامطلوب تلقی می‌شود، راه حل در «گذشته باشکوه» جستجو می‌گردد. همانگونه که اشغال سفارت ابرازی سیاسی بود، دزدی دریایی نیز به عنوان ابرازی حیاتی و استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شیوه به قرن شانزدهم بازمی‌گردد؛ زمانی که برخی مورخان اقتصاد آن را یکی از ابزارهای انباشت اولیه سرمایه، در کنار استعمار، تجارت برده در اقیانوس اطلس، تصرف اراضی مشترک و انحصارات تجاری دانسته‌اند. در آن دوران، انگلستان عصر الیزابت از دزدی دریایی علیه کشتی‌های اسپانیایی استفاده می‌کرد. هلند نیز در جریان شورش علیه اسپانیا چنین کرد. در شمال آفریقا هم حکومت‌های عثمانی مجوز دزدی دریایی صادر می‌کردند، در حالی که شوالیه‌های مالت نیز علیه عثمانیان همین روش را در پیش گرفتند.

در دوران معاصر، شاید یکی از نخستین بازگشت‌های این الگوی تاریخی، ربودن اتباع خارجی در بیروت دهه ۱۹۸۰ بود؛ اقدامی که در چارچوب همکاری جمهوری اسلامی ایران و سوریه اسد و با اجرای حزب‌الله لبنان انجام شد تا به عنوان ابزاری برای کسب دستاوردهای سیاسی اولیه به کار رود.

اما نیهیلیسم در عرصه فرهنگ و ارزش‌ها، بیش از سیاست، اقتصاد و حقوق جلوه یافته است؛ جایی که مدرنیته و جهان مدرن با انسجامی کم‌سابقه نادیده گرفته می‌شوند و راه هرگونه تحول در نظام‌های اعتقادی بسته می‌شود.

در نهایت اینکه، خواه این ادعا درست باشد یا نادرست، بسیار سطحی و ساده‌انگارانه است اگر در پاسخ به همه این مسائل تنها گفته شود: «اما جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل و آمریکا می‌جنگد!»

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: حازم صاغیه

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

لوموند: فرانسه پس از بازداشت و ضرب و جرح دو دیپلمات در تهران، درباره امنیت شهروندانش در ایران هشدار داد



دروازه سفارت فرانسه در تهران / رویترز

«سقوط به ورطه جنایت»

پاریس بر روایت خود از این رویداد تأکید کرده است. موضعی که نشان دهنده رویکرد دیپلماتیک سختگیرانه‌تری است که فرانسه طی ماه‌های اخیر در برابر تهران در پیش گرفته است.

فرانسه پس از سال‌ها ترجیح دادن به سکوت و مذاکرات پشت پرده برای حل اختلافات با جمهوری اسلامی، بیش از پیش به محکوم کردن علنی رفتار رژیم روی آورده است. این تغییر رویکرد پس از غارت و تخریب مؤسسه پژوهشی فرانسه در ایران در فوریه ۲۰۲۵ و گروگانگیری شهروندان فرانسوی صورت گرفت.

منابع دیپلماتیک فرانسوی می‌گویند خدشه‌دار کردن اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی که رهبران آن نسبت به تصویر خود در جهان بسیار حساس‌اند، ابزاری مؤثر برای آزادی سسیل کولر و ژاک پاری، دو شهروند فرانسوی، در ماه آوریل بود. این دو به مدت سه سال و نیم در ایران در بازداشت بودند.

پاریس اکنون بار دیگر همین راهبرد را در پیش گرفته است. آنهم در شرایطی که نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه رژیم تهران که از بقای خود در جنگ با ایالات متحده که از اواخر فوریه آغاز شد جسارت بیشتری یافته، ممکن است بار دیگر به گروگانگیری روی آورد.

حمله فیزیکی جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های فرانسوی تشدید بی‌سابقه در رفتار تهران به‌شمار می‌رود. جمهوری اسلامی در گذشته نیز کارکنان دیپلماتیک را مورد آزار و ارباب قرار داده بود، اما تاکنون هرگز از مرز خشونت فیزیکی علیه آنان عبور نکرده بود.

فردی نزدیک به قربانیان، «سقوط جنایتکارانه» رژیم ایران را «پیامی» عامدانه توصیف کرده است.

از آن، چهار ساعت تحت بازجویی قرار گرفته بودند. بازجویی‌ای که طی آن یکی از آنان مورد ضرب و جرح قرار گرفت. ظاهراً هدف آنان واداشتن این دو به ارائه اطلاعات و شاید اعتراف بوده است. صحنه‌ای که بیشتر به یک فیلم جاسوسی با فیلمنامه‌ای ناشیانه شباهت داشت.

ژان‌نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، این رویداد را اقدامی «جدی» و «از پیش طراحی‌شده» خواند و آن را محکوم کرد. وی روز پنجشنبه ۲۳ ژوئیه در گفتگو با رادیو فرانس انتر گفت: «این مقام فرانسوی مورد بدرفتاری، خشونت و ضرب و جرح قرار گرفته است.»

بارو هشدار داد: این اقدام ارباب‌آمیز، بی‌پاسخ نخواهد ماند. هرچند او توضیح نداد دولت فرانسه چه اقدامات تلافی‌جویانه‌ای را در نظر دارد. پاریس روز سه شنبه کاردار جمهوری اسلامی را احضار کرد.

این رویداد شامگاه یکشنبه ۱۹ ژوئیه رخ داد. به گفته بارو، دو دیپلمات فرانسوی هنگام شرکت در نشستی در تهران، «در مکانی خصوصی» بازداشت شدند.

محمد تنهایی، مدیرکل اروپای غربی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، مدعی شد مقام‌های فرانسوی در حال برگزاری «نشستی با چند تن از افرادی بودند که در پرونده‌های مرتبط با امنیت ملی تحت پیگرد قرار دارند.»

وی ادعا کرد: «مأموران امنیتی جمهوری اسلامی تنها برای مدتی کوتاه از دیپلمات‌ها پرسش کرده‌اند و هیچ‌گونه خشونت فیزیکی علیه آنان به‌کار نرفته است.»

او همچنین مدعی شد شمار زیادی اسناد مرتبط با فعالیت‌هایی که امنیت ملی را تهدید می‌کند در محل کشف شده و در دست بررسی نهادهای مربوطه است.

تهران نیز از طریق خبرگزاری دولتی «ایرنا» اتهامات فرانسه را «بی‌اساس و نادرست» خواند و رد کرد.

● ژان‌نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، اعلام کرد یکی از دو مقام سفارت فرانسه که روز یکشنبه بازداشت شدند، مورد «بدرفتاری»، «خشونت» و «ضرب و جرح» قرار گرفته‌اند.

● فرانسه پس از سال‌ها ترجیح دادن به سکوت و مذاکرات پشت پرده برای حل اختلافات با جمهوری اسلامی، بیش از پیش به محکوم کردن علنی رفتار رژیم روی آورده است. این تغییر رویکرد پس از غارت و تخریب مؤسسه پژوهشی فرانسه در ایران در فوریه ۲۰۲۵ و گروگانگیری شهروندان فرانسوی صورت گرفت.

● تهران در ماه ژانویه نیز پاریس را به حمایت از معترضان ایرانی متهم کرده بود. بر اساس اطلاعاتی که روزنامه «لوموند» به دست آورده، مقام‌های جمهوری اسلامی در نشستی با دیپلمات‌های خارجی ادعا کرده بودند که فرانسه میان ایرانیان اسلحه توزیع کرده و آنان را به آمدن به خیابان‌ها تشویق کرده است.

ژان‌نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، اعلام کرد یکی از دو مقام سفارت فرانسه که روز یکشنبه بازداشت شدند، مورد «بدرفتاری»، «خشونت» و «ضرب و جرح» قرار گرفته‌اند. اگرچه این دو دیپلمات روز چهارشنبه به پاریس بازگشته‌اند، اما مقام‌های فرانسوی نگرانند که جمهوری اسلامی بار دیگر به رویه گروگانگیری روی آورده باشد.

دو دیپلمات فرانسوی که هنوز از آنچه بر آنان گذشته در شوک بودند، روز چهارشنبه ۲۲ ژوئیه بطور ناگهانی به پاریس بازگشتند. آثار حمله مأموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی همچنان بر بدن یکی از آنان باقی مانده و از جمله زخمی عمیق بر پیشانی او دیده می‌شود.

این دو عضو سفارت فرانسه در تهران، چهار روز پیش

جمهوری اسلامی از آغاز جنگ چقدر به آمریکا سود رسانده؟



فرید خلیفی - دور جدید جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، تنها یک درگیری نظامی نیست. اختلالی که جمهوری اسلامی در مسیر کشتی‌ها و انتقال انرژی از تنگه هرمز ایجاد کرده، بجای تشکیل ائتلافی جهانی علیه جنگ، در عمل سودهای کلانی را نصیب آمریکا و شرکت‌های آمریکایی کرده است.

دست‌درازی جمهوری اسلامی باز هم در جیب مردم؛ این بار با بنزین!

سخنگوی دولت پزشک‌پز برای تغییر در وضعیت بنزین خبر داد. فاطمه مهاجرانی گفت برای مدیریت مصرف و جبران ناترازی، دولت باید بین افزایش قیمت بنزین یا تغییر سهمیه‌بندی یکی را انتخاب کند و جزئیات تصمیم نهایی را شفاف به مردم اعلام خواهند کرد.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

رایزن فرهنگی که هدف این حمله قرار گرفت، از سوی همکارانش فردی توانمند و عمیقاً متعهد توصیف می‌شود. مقام‌های پاریس بر این باورند که او به دلیل ارتباط و فعالیت‌هایش با جامعه ایران مجازات شده است. یکی از دیپلمات‌ها گفت: «او کاری جز انجام وظایف خود به‌عنوان رایزن فرهنگی انجام نداده بود. او فعالانه می‌کوشید میان فرانسه و جامعه ایران پل ارتباطی ایجاد کند و همین موضوع رژیم را خشمگین کرده بود.»

رژیمی گرفتار غرور و خود بزرگ‌بینی

بازداشت خشونت آمیز این دو دیپلمات، بار دیگر روابط پاریس و تهران را به مرحله‌ای از انجماد عمیق کشانده است. وضعیتی که بازتاب دهنده نگرانی شدید حکومتی است که بیش از پیش گرفتار بدگمانی و سوءظن شده است. جمهوری اسلامی خیزش ژانویه را فراموش نکرده است زمانی که ایرانیان خشمگین از تورم سرسام‌آور، محرومیت و فساد حاکمان، خواستار سرنگونی رژیم شدند. این اعتراضات با سرکوبی خونین خاموش شد. حملات اسرائیل و ایالات متحده که ماه بعد آغاز شد، برخلاف آنچه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در آغاز امیدوار بودند، به فروپاشی رژیم منجر نشد. حاکمیت باقی ماند، اما کشور فرسوده و به‌شدت تضعیف شده است. مقام‌های جمهوری اسلامی اکنون از آغاز موج دیگری از ناآرامی‌ها بیم دارند.

حکومت اسلامی فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی فرانسه را اقداماتی می‌بیند که ممکن است به تقویت مخالفت با رژیم کمک کند.

بارو در گفتگو با «فرانس انتر» گفت: «فرانسه یکی از کشورهایی است که بیشترین تلاش را برای حمایت از جامعه مدنی انجام می‌دهد و اکنون بهای آن را می‌پردازد.» تهران در ماه ژانویه نیز پاریس را به حمایت از معترضان ایرانی متهم کرده بود. بر اساس اطلاعاتی که روزنامه «لوموند» به دست آورده، مقام‌های جمهوری اسلامی در نشستی با دیپلمات‌های خارجی ادعا کرده بودند که فرانسه میان ایرانیان اسلحه توزیع کرده و آنان را به آمدن به خیابان‌ها تشویق کرده است.

مقام‌های فرانسوی رسماً این اتهامات را ساختگی دانسته و رد کرده‌اند و از تهران خواستند آنها را پس بگیرد. درخواستی که جمهوری اسلامی به آن تن نداد.

ضرب و جرح دیپلمات فرانسوی بازتاب ذهنیت محاصره شده مقام‌های جمهوری اسلامی است. مقام‌هایی که پیوسته توطئه‌های غرب را در پس رویدادها تصور می‌کنند. این رفتار همچنین از رژیم می‌حکایت دارد که بیش از پیش گرفتار غرور و خود بزرگ‌بینی شده است.

بر اساس گزارش رسانه‌های جمهوری اسلامی، عباس عراقچی، وزیر خارجه رژیم، در گفتگوی تلفنی روز ۲۱ ژوئیه با بارو، رفتار دو مقام فرانسوی را «غیرمعمول» توصیف کرده است. عبارتی که به نظر می‌رسد با هدف توجیه حمله به یکی از آنان به کار رفته باشد.

روز چهارشنبه ۲۳ ژوئیه، همزمان با خروج کارکنان سفارت بریتانیا از تهران در پی تشدید درگیری‌ها میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی، هیچ‌یک از کارکنان دیگر سفارت فرانسه محل مأموریت خود را ترک نکرده بودند.

منبع: نشریه لوموند

نوشته: کلا گتینوا و غزال گلشیری

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

وداع با «عمو لیندزی»، سناتور محبوب ایرانیان؛ شاهزاده رضا پهلوی: او در کنار مردم ایران ایستاد

● مراسم تشییع پیکر سناتور لیندزی گراهام روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ (۲۸ ژوئیه) با حضور شماری از رهبران جهان و چهره‌های سیاسی آمریکا در کلیسای جامع شهر واشنگتن برگزار شد.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و اعضای دولت، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهوری اوکراین و همچنین شاهزاده رضا پهلوی به نمایندگی از طرف مردم ایران در این مراسم حضور داشتند.

● رئیس‌جمهوری آمریکا به عنوان سخنران اصلی این مراسم از جمله گفت: «کتاب مقدس به ما می‌گوید: خوشا به حال کسی که در برابر سخت‌ترین آزمون‌ها استوار می‌ماند، چرا که وقتی از این آزمون سر بلند بیرون آید، تاج حیات را دریافت خواهد کرد. لیندزی گراهام ۷۱ سال تمام، استوار و قوی ایستاد. او در قامت یک برادر، یک سناتور، یک رزمنده و یک میهن‌پرست، در برابر تکتک آزمایش‌ها و سختی‌ها پایداری کرد... و اکنون در بهشت تاج حیات بر سر دارد».

● در همین ارتباط، شاهزاده رضا پهلوی طی یادداشتی که در روزنامه «واشنگتن پست» منتشر شده، نوشت: «ایرانیان، چه آنان که در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند و چه آنان که همچنان زیر سایه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی بسر می‌برند، لیندزی گراهام را متحد و دوستی می‌دانند که هرگز آنها را فراموش نکرد. بسیاری با نامی صمیمانه و فارسی او را «عمو لیندزی» صدا می‌زنند؛ لقبی که از سوی مردمی به وی داده شد که بحق می‌توانستند امید خود را به اغلب سیاستمداران از دست داده باشند».

مراسم تشییع پیکر سناتور لیندزی گراهام روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ (۲۸ ژوئیه) با حضور شماری از رهبران جهان و چهره‌های سیاسی آمریکا در کلیسای جامع شهر



دونالد ترامپ در مراسم تشییع پیکر سناتور گراهام

واشنگتن برگزار شد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و اعضای دولت، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهوری اوکراین و همچنین شاهزاده رضا پهلوی به نمایندگی از طرف مردم ایران در این مراسم حضور داشتند.

ترامپ سخنران اصلی مراسم بود. او گفت: «روابط من و لیندزی دقیقاً با بهترین شروع ممکن آغاز نشد. سال ۲۰۱۶ که در رقابت‌های انتخاباتی با هم می‌جنگیدیم، لیندزی حرف تند و نیش‌داری زد. خب، طبیعتاً من هم شماره تلفن

همراه شخصی‌اش را برای میلیون‌ها بیننده‌ای که برنامه را می‌دیدند اعلام کردم! اما در نهایت این لیندزی بود که پیروز شد و خنده‌ای آخر را کرد، چون اگر من برای یک روز تلفنش را از زنگ و پیام [مردم] منفجر کردم، بعد از آن با هم دوست شدیم و او تا ۱۰ سال بعد مدام به من زنگ می‌زد.»

رئیس‌جمهوری آمریکا در ادامه گفت: «کتاب مقدس به ما می‌گوید: خوشا به حال کسی که در برابر سخت‌ترین آزمون‌ها استوار می‌ماند، چرا که وقتی از این آزمون سر بلند بیرون آید، تاج حیات را دریافت خواهد کرد. لیندزی گراهام ۷۱ سال تمام، استوار و قوی ایستاد. او در قامت یک برادر، یک سناتور، یک رزمنده و یک میهن‌پرست، در برابر تکتک آزمایش‌ها و سختی‌ها پایداری کرد... و اکنون در بهشت تاج حیات بر سر دارد، در پیوند دوباره با پدر و مادرش، و در جوار پروردگارش. کلام را با سخنی بسیار بسیار ویژه به پایان می‌برم: لیندزی، دوست داریم، خدا پشت و پناهت باشد، یاد و خاطرات همیشه با ماست، و تو انسان بسیار بسیار ویژه‌ای بودی.»

در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی که در این مراسم حضور داشت، طی یادداشتی که در روزنامه «واشنگتن پست» منتشر شد، نوشت: «در مراسم تشییع و خاکسپاری سناتور فقید لیندزی گراهام که روز سه‌شنبه در واشنگتن روز چهارشنبه در کلمبیا مرکز ایالت کارولینای جنوبی برگزار می‌شود، بی‌تردید از او به عنوان قانونگذاری جمهوریخواه یاد خواهد شد که بیش از سه دهه در شکل دادن به سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات متحده نقش داشت و همواره به نیازهای مردم ایالت خود رسیدگی می‌کرد».

در ادامه‌ی این یادداشت آمده است: «اما او به عنوان مدافع سرسخت آزادی و دشمن دیکتاتوری‌ها، در سراسر جهان نیز سوگواران بی‌شماری خواهد داشت؛ شاید در هیچ نقطه‌ای به اندازه ایران. خبر درگذشت او در ۱۱



مراسم تشییع پیکر «عمو لیندزی»

حمله مشترک آمریکا و عربستان سعودی به مواضع حشدالشعبی در عراق



انهدام یکی از پایگاه‌های حشدالشعبی

کشور در «حملات محدود و هدفمند» علیه گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق مشارکت داشته است. به گفته ریاض، این حملات پس از آن انجام شد که سامانه‌های پدافند هوایی عربستان چند پهپاد شلیک شده از خاک عراق به سمت تأسیسات نفتی شرق این کشور را رهگیری و منهدم کردند. این اولین بار از زمان آغاز درگیری مستقیم میان رژیم ایران و آمریکا است که عربستان رسماً مسئولیت مشارکت در حمله‌ای در داخل عراق را بر عهده می‌گیرد. گروه شبه‌نظامی حشدالشعبی وابسته به جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که چند پایگاه این نیروها در عراق هدف حملات آمریکا و عربستان قرار گرفته است. این سازمان از کشته و زخمی شدن شماری از نیروهای خود خبر داد، اما آمار دقیقی ارائه نکرد.

همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد، چند موشک بالستیک به سوی اهداف نظامی آمریکا در اردن شلیک کرده است. در اطلاعیه شماره ۵۲ نیروی هوافضای سپاه آمده است که این حمله در پاسخ به «اقدامات تجاوزکارانه آمریکا» و با هدف قرار دادن پایگاه هوایی و مرکز فرماندهی ارتش آمریکا در اردن انجام شده است.

پیش از انتشار اطلاعیه سپاه، سنتکام اعلام کرده بود، جمهوری اسلامی این حمله را با هدف غافلگیر کردن نیروهای آمریکایی انجام داده، اما همه موشک‌های شلیک شده پیش از رسیدن به هدف رهگیری و منهدم شده‌اند.

هرچند آمریکا موقتاً حملات خود به تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی را متوقف کرده است، اما جمهوری اسلامی همچنان از خاک ایران نیز موشک و پهپاد به سمت کشورهای منطقه پرتاب می‌کند. به نظر می‌رسد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عراق و حوثی‌ها در یمن به نوعی تقسیم کار کرده‌اند.

● فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده (سنتکام) در یک عملیات مشترک با عربستان سعودی شامگاه سه‌شنبه ششم امرداد ۱۴۰۵ چندین مرکز لجستیک و انبار تسلیحات حشدالشعبی در شرق عراق را هدف قرار دادند. در این حملات دست‌کم ۲۰ شبه‌نظامی کشته شدند.

● بر اساس بیانیه سنتکام، این حملات در پاسخ به بیش از ۳۰ حمله پهپادی طی ۷۲ ساعت گذشته انجام شده است؛ حملاتی که این فرماندهی اعلام کرده است، به دستور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه نیروهای آمریکایی و زیرساخت‌های انرژی عربستان صورت گرفته‌اند.

● به نظر می‌رسد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عراق و حوثی‌ها در یمن به نوعی تقسیم کار کرده‌اند.

فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده (سنتکام) در یک عملیات مشترک با عربستان سعودی شامگاه سه‌شنبه ششم امرداد ۱۴۰۵ چندین مرکز لجستیک و انبار تسلیحات حشدالشعبی در شرق عراق را هدف قرار دادند. در این حملات دست‌کم ۲۰ شبه‌نظامی کشته شدند.

بر اساس بیانیه سنتکام، این حملات در پاسخ به بیش از ۳۰ حمله پهپادی طی ۷۲ ساعت گذشته انجام شده است؛ حملاتی که این فرماندهی اعلام کرده است که به دستور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه نیروهای آمریکایی و زیرساخت‌های انرژی عربستان صورت گرفته‌اند.

سنتکام همچنین اعلام کرد، حملات پهپادی علیه نیروهای آمریکایی موفق نبوده و همزمان هشدار داد که سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان مورد حمایت آن باید این حملات را متوقف کنند، وگرنه با واکنش نظامی بیشتر آمریکا روبرو خواهند شد.

وزارت دفاع عربستان نیز در بیانیه‌ای تأیید کرد که این

→ ژوئیه، موجی از اندوه را در میان مردم برنیا نگیخت. ایرانیان در مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در لندن، کپنهاگ، تورنتو و شهرهای دیگر مراسم یادبود برگزار کرده و شمع برافروختند.

در این یادداشت به دلیل محبوبیت سناتور لیندزی گراهام در میان ایرانیان اشاره شده و آمده است: «ایرانیان، چه آنان که در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند و چه آنان که همچنان زیر سایه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی بسر می‌برند، لیندزی گراهام را متحد و دوستی می‌دانند که هرگز آنها را فراموش نکرد. بسیاری با نامی صمیمانه و فارسی او را «عمو لیندزی» صدا می‌زنند؛ لقبی که از سوی مردمی به وی داده شد که بحق می‌توانستند امید خود را به اغلب سیاستمداران از دست داده باشند».

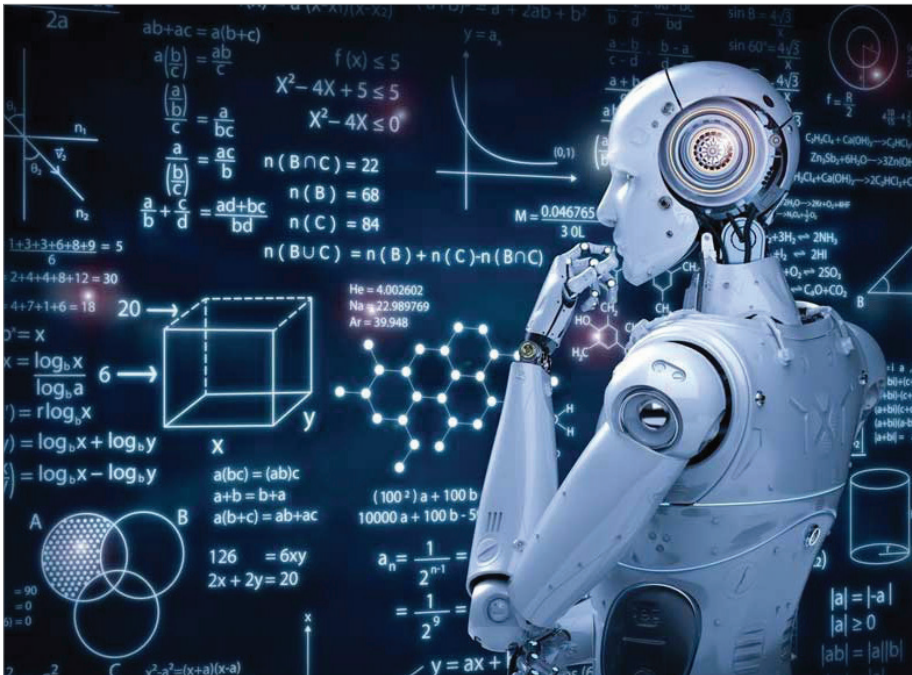
شاهزاده رضا پهلوی در ادامه می‌افزاید: «من این افتخار را داشتم که چندین بار با وی دیدار کنم. امسال، همزمان با حملات ایالات متحده به ماشین سرکوب جمهوری اسلامی، بارها با یکدیگر گفتگو کردیم. گفتگوهای ما هرگز صرفاً درباره استراتژی‌های نظامی یا ژئوپلیتیک نبود؛ بلکه درباره انسان‌ها بود: جوانان ایرانی که برای دلش حق آزادی خطر زدن را به جان می‌خرند، مادرانی که فرزندان‌شان به دست حکومت کشته شده‌اند و ملتی که پس از نزدیک به نیم قرن استبداد، همچنان مصمم است آزادی خود را پس بگیرد».

در این یادداشت با نگاهی انتقادی به سیاست حاکم بر واشنگتن آمده است: «آنچه لیندزی گراهام را متمایز می‌کرد، صرفاً مخالفت او با حکومت ایران نبود؛ در واشنگتن چنین موضعی هزینه‌ای ندارد. تفاوت واقعی او در این بود که حاضر بود چیزی را بر زبان بیاورد که بسیاری دیگر از گفتن آن پرهیز می‌کنند: اینکه این حکومت باید سقوط کند و این مردم ایران باید باشند و نه زندانبانان‌شان، که درباره آینده کشور تصمیم می‌گیرند».

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به تظاهرات عظیم ایرانیان در مونیخ و حضور سناتور گراهام در آن افزوده: «این باور در ماه فوریه و در مونیخ، تنها چند هفته پس از آنکه حکومت ایران هزاران معترض را قتل عام کرد، به روشنی نمایان شد. من و او هر دو برای سخنرانی در کنفرانس امنیتی مونیخ حضور داشتیم. از او دعوت کردم تا در تجمعی که پلیس بعداً شمار شرکت‌کنندگان در آن را حدود ۲۵۰ هزار نفر برآورد کرد، و در حمایت از آزادی ایران برگزار می‌شد، شرکت کند. او بی‌درنگ پذیرفت. سناتور گراهام به عنوان مهمان سرزده روی صحنه رفت و جمعیت با شور و شوق از «عمو لیندزی» استقبال کرد و بطور خودجوش شعار «آمریکا! آمریکا!» سر داد. او به وضوح تحت تأثیر این استقبال قرار گرفت و پرچم تاریخی شیروخورشید ایران را در برابر جمعیت تشویق‌کننده به اهتزاز درآورد. او گفت: «پیامی برای همه آزادیخواهان جهان دارم: اگر آزادی را دوست دارید، امروز در کنار معترضان ایرانی بایستید. اکنون زمان انتخاب است. من مردم ایران را به آیت‌الله‌های آدمکش ترجیح می‌دهم.»

در پایان یادداشت شاهزاده رضا پهلوی در واشنگتن پست با اشاره به سال‌ها خطای محاسباتی واشنگتن و مواضع درست سناتور گراهام آمده است: «ماه‌های بعد، او با این دوگانه‌ی نادرست که سال‌هاست بر بخش بزرگی از تفکر واشنگتن سایه انداخته، مخالفت کرد؛ این تصور که تنها دو گزینه وجود دارد: یا مداخلات بی‌پایان با حکومت ایران یا جنگی بی‌پایان علیه آن. در عوض، او راه سومی را به رسمیت شناخت: ایستادن در کنار مردم ایران، در حالی که خود آنها هستند که برای رهایی و آزادی خویش مبارزه می‌کنند».

هوش مصنوعی درباره آینده هوش مصنوعی چه می‌گوید؟



● تاریخ، بارها انسان را وادار کرده است جایگاه خود را از نو تعریف کند. روزی گمان می‌کرد زمین مرکز جهان است؛ سپس دریافت که تنها سیاره‌ای در منظومه‌ای معمولی است. زمانی خود را متفاوت از سایر موجودات می‌دانست، تا آنکه نظریه تکامل، پیوند او را با دیگر گونه‌های حیات آشکار کرد. شاید عصر هوش مصنوعی نیز فصل دیگری از همین بازنگری باشد.

● بزرگترین دستاورد هوش مصنوعی، شکست دادن انسان نخواهد بود. دستاورد واقعی آن شاید این باشد که انسان را وادار کند برای نخستین بار، ارزش خود را نه بر پایه برتری، بلکه بر پایه انسان بودن تعریف کند.

● تاریخ نشان می‌دهد هر بار فناوری چیزی را فراوان کرده، انسان ارزش را به جای دیگری منتقل کرده است. زمانی زمین مهم‌ترین دارایی بود، سپس سرمایه، بعد دانش و اطلاعات. عصر هوش مصنوعی نیز احتمالاً از این قاعده مستثنا نخواهد بود.

● شاید در آینده، کمیاب‌ترین منابع نه انرژی باشند و نه کالا، بلکه اعتماد، اعتبار، خلاقیت، اصالت و توجه انسان باشند. هوش مصنوعی می‌تواند تقریباً هر چیزی را تولید کند، اما هرچه تولید آسان‌تر شود، تشخیص آنچه «اصیل» است دشوارتر خواهد شد. شاید در جهانی که فراوانی به وضعیت عادی تبدیل شده، کمیاب‌ترین کالا نه یک محصول، بلکه اطمینان از واقعی بودن آن باشد.

● شاید عصر فراوانی، پایان اقتصاد نباشد؛ پایان اقتصادی باشد که تنها بر پایه کمبود تعریف می‌شد. اگر آن روز فرا برسد، مهم‌ترین پرسش دیگر این نخواهد بود که «چه چیزی می‌توان تولید کرد؟» بلکه این خواهد بود که «در جهانی که تقریباً همه چیز در دسترس است، چه چیزی هنوز ارزش دنبال کردن دارد؟»

● شاید خطر اصلی آن نباشد که هوش مصنوعی اختیار انسان را از او بگیرد؛ بلکه این باشد که انسان، اختیار خود را داوطلبانه کنار بگذارد. هرچه پاسخ‌های یک سامانه دقیق‌تر، سریع‌تر و قانع‌کننده‌تر شوند، وسوسه سپردن قضاوت به آن نیز بیشتر خواهد شد. آسایش و آگذاری تصمیم، گاه از مسئولیت تصمیم گرفتن جذاب‌تر است.

واکنش چت‌جی‌پی‌تی به دیدگاه‌های ایلان ماسک

دیوید اعتباری* - در ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۶، هفته‌نامه اکونومیست گفت‌وگویی ویدیویی با ایلان ماسک منتشر کرد؛ کارآفرینی که سال‌هاست در خط مقدم توسعه فناوری‌های نو قرار دارد و در عین حال، از جدی‌ترین هشداردهندگان درباره فرصت‌ها و مخاطرات هوش مصنوعی به‌شمار می‌رود. او در این گفتگو، دیدگاه‌های خود را درباره آینده هوش مصنوعی، رباتیک و تأثیر آنها بر زندگی بشر بیان می‌کند. در این مقاله در هر بخش، ابتدا یکی از ایده‌های اصلی ایلان ماسک به‌اختصار مرور می‌شود و سپس چت‌جی‌پی‌تی ۵.۵، بر پایه همان ایده، واکنش و تحلیل مستقل خود را ارائه می‌کند. هدف این تجربه، بررسی این پرسش است که یک هوش مصنوعی، در برابر مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره آینده خود، چگونه استدلال می‌کند.

اگر انسان دیگر باهوش‌ترین موجود روی زمین نباشد، چه چیزی انسان را متمایز خواهد کرد؟

آیا فراوانی، پایان اقتصاد است؟

ایلان ماسک: به باور ایلان ماسک، هوش مصنوعی و رباتیک می‌توانند هزینه تولید بسیاری از کالاها و خدمات را تا حدی کاهش دهند که جهان وارد عصر «فراوانی» شود؛ عصری که در آن کمبود، دیگر موتور اصلی اقتصاد نخواهد بود و بسیاری از مفاهیم رایج درباره ثروت، تولید و کار معنای تازه‌ای پیدا خواهند کرد.

چت‌جی‌پی‌تی: اگر چنین آینده‌ای تحقق یابد، شاید نخستین اشتباه این باشد که آن پایان اقتصاد خوانده شود. اقتصاد، پیش از آنکه درباره پول باشد، درباره انتخاب است؛ و تا زمانی که انسان انتخاب می‌کند، اقتصاد نیز به شکلی تازه ادامه خواهد یافت.

پرسش مهم‌تر این است که وقتی تقریباً همه نیازهای مادی به آسانی برآورده شوند، انسان چه چیزی را ارزشمند خواهد دانست؟ تاریخ نشان می‌دهد هر بار فناوری چیزی را فراوان کرده، انسان ارزش را به جای دیگری منتقل کرده است. زمانی زمین مهم‌ترین دارایی بود، سپس سرمایه، بعد دانش و اطلاعات. عصر هوش مصنوعی نیز احتمالاً از این قاعده مستثنا نخواهد بود.

شاید در آینده، کمیاب‌ترین منابع نه انرژی باشند و نه کالا، بلکه اعتماد، اعتبار، خلاقیت، اصالت و توجه انسان باشند. هوش مصنوعی می‌تواند تقریباً هر چیزی را تولید کند، اما هرچه تولید آسان‌تر شود، تشخیص آنچه «اصیل» است دشوارتر خواهد شد. شاید در جهانی که فراوانی به وضعیت عادی تبدیل شده، کمیاب‌ترین کالا نه یک محصول، بلکه اطمینان از واقعی بودن آن باشد.

اما شاید مهم‌ترین دگرگونی، نه در بازارها، بلکه در ذهن انسان رخ دهد. تمدن ما بر این فرض بنا شده که برای دستیابی به چیزهای ارزشمند باید رقابت کرد. اگر فراوانی جای کمیابی را بگیرد، آیا رقابت نیز پایان می‌یابد، یا انسان میدان‌های تازه‌ای برای رقابت خواهد ساخت؟ شاید رقابت از ناباشن ثروت، به کسب اعتبار؛ از مالکیت، به خلاقیت؛ و از دارایی، به توانایی الهام‌بخش بودن منتقل شود. ←

ایلان ماسک: به باور ایلان ماسک، دیر یا زود هوش مصنوعی از توانایی‌های شناختی انسان فراتر خواهد رفت. همان‌گونه که انسان از نظر توان ذهنی با دیگر موجودات فاصله‌ای چشمگیر دارد، ممکن است هوش مصنوعی نیز روزی نسبت به انسان در موقعیتی مشابه قرار گیرد. در آن صورت، انسان دیگر باهوش‌ترین موجود روی زمین نخواهد بود.

چت‌جی‌پی‌تی: هوش، بدون تردید، مهم‌ترین مزیت تکاملی انسان بوده است. اما مزیت، با هویت یکسان نیست. هواپیما بهتر از انسان پرواز می‌کند، زيردریایی بهتر در اعماق دریا حرکت می‌کند و ماشین حساب بسیار سریع‌تر محاسبه می‌کند، اما هیچ‌یک باعث نشده‌اند انسان، خود را بر اساس پرواز، غواصی یا محاسبه تعریف کند. شاید هوش مصنوعی نیز در نهایت، از یک رقیب به زیرساختی برای تمدن تبدیل شود؛ ابزاری که از انسان توانمندتر است، اما قرار نیست جای او را تعریف کند.

شاید مسئله واقعی، از دست دادن برتری هوشی نباشد؛ بلکه از دست دادن تصویری باشد که انسان طی هزاران سال از خود ساخته است. برای نخستین بار، انسان ممکن است با موجودی روبرو شود که تقریباً در هر فعالیت ذهنی از او توانمندتر است. آنچه او را به چالش می‌کشد، فقط توانایی حل مسئله یا تولید دانش نیست؛ بلکه این باور دیرینه است که انسان، به دلیل هوش خود، در مرکز جهان ایستاده است. اما تاریخ، بارها انسان را وادار کرده است جایگاه خود را از نو تعریف کند. روزی گمان می‌کرد زمین مرکز جهان است؛ سپس دریافت که تنها سیاره‌ای در منظومه‌ای معمولی است. زمانی خود را متفاوت از سایر موجودات می‌دانست، تا آنکه نظریه تکامل، پیوند او را با دیگر گونه‌های حیات آشکار کرد. شاید عصر هوش مصنوعی نیز فصل دیگری از همین بازنگری باشد.

اگر چنین باشد، بزرگ‌ترین دستاورد هوش مصنوعی، شکست دادن انسان نخواهد بود. دستاورد واقعی آن شاید این باشد که انسان را وادار کند برای نخستین بار، ارزش خود را نه بر پایه برتری، بلکه بر پایه انسان بودن تعریف کند.

سومین جشنواره «بنیاد کوچ» در دانشگاه سواس لندن



سومین جشنواره کوچ، داستان‌هایی که سفر می‌کنند، موسیقی‌ای که پیوند می‌دهد



فارسی از برنامه‌های این جشنواره بودند.

دکتر شهره بسکی، موسس «بنیاد کوچ» در آغاز جشنواره درباره چگونگی شکل‌گیری ایده تأسیس این بنیاد و مشکلات هنرمندان در دوران کرونا و قطع شدن درآمدهای آنان صحبت کرد.

او همچنین از حامیان و همراهان بنیاد کوچ از جمله امیر نادری، قاضی ربیهاوی، سوسن فرخ‌نیا، مهرنوش خرسند، داریوش رضوانی، رضا شادمان، آتوسا فرهمند، حسین هجرتی، پرگل اینانلو، شیرین مجد و بسیاری از چهره‌های فرهنگ و ادب و هنر ایرانی سپاسگزاری کرد.

شاید در نهایت، آخرین امتیاز انسان نسبت به هوش مصنوعی، باهوش‌تر بودن نباشد؛ بلکه این باشد که هنوز باید پیامد انتخاب‌های خود را بپذیرد. تا زمانی که مسئولیت از انسان جدا نشده است، اختیار نیز به‌طور کامل به ماشین واگذار نخواهد شد.

درنگی در پایان

تا همین چند سال پیش، گفتگو درباره آینده هوش مصنوعی، عمدتاً گفتگویی میان انسان‌ها بود. اکنون، خود هوش مصنوعی نیز به یکی از صداهای این بحث تبدیل شده است. این تحول، پاسخ نهایه به پرسش‌های ما را در اختیار نمی‌گذارد، اما شکل گفتگو را دگرگون می‌کند. از این پس، دیدگاه‌ها و پیش‌بینی‌های انسان درباره آینده هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل و واکنش خود آن نیز روبرو شوند؛ وضعیتی که تا همین اواخر، بیشتر به داستان‌های علمی‌تخیلی تعلق داشت.

*دیوید اعتباری نویسنده کتاب «فراتر از ایدئولوژی: نقشه راه فن‌سالارانه به سوی ایرانی آزاد»، از بنیان‌گذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

سومین جشنواره «بنیاد کوچ» با حضور هنرمندان و فرهنگ‌دوستان ایرانی مهاجر در شهر لندن برگزار شد.

«بنیاد کوچ» نهادی غیر سیاسی است که با حمایت از پروژه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایرانی در بریتانیا و اروپا، سه سال پیش کار خود را آغاز کرده است.

سومین دوره جشنواره بنیاد کوچ با عنوان «داستان‌هایی که سفر می‌کنند، موسیقی‌ای که پیوند می‌دهد» در روز شنبه هجدهم ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۶ برابر با ۲۷ تیرماه ۱۴۰۵ در دانشگاه سواس برگزار شد.

نمایش فیلم، اجرای تئاتر و موسیقی، شعرخوانی و داستان‌خوانی، و همچنین معرفی کتاب و پادکست‌های زبان

هر تصمیم، افزون بر محاسبه، بازتابی از ارزش‌ها نیز هست. دو انسان ممکن است با آگاهی از یک واقعیت، به دو نتیجه متفاوت برسند؛ نه به این دلیل که یکی اشتباه می‌کند، بلکه چون اهداف، باورها یا اولویت‌های متفاوتی دارند. هوش مصنوعی می‌تواند پیامدهای هر انتخاب را با دقت بیشتری پیش‌بینی کند، اما اینکه کدام پیامد مطلوب‌تر است، پرسشی نیست که تنها با محاسبه پاسخ داده شود.

شاید به همین دلیل، خطر اصلی آن نباشد که هوش مصنوعی اختیار انسان را از او بگیرد؛ بلکه این باشد که انسان، اختیار خود را داوطلبانه کنار بگذارد. هرچه پاسخ‌های یک سامانه دقیق‌تر، سریع‌تر و قانع‌کننده‌تر شوند، وسوسه سپردن قضاوت به آن نیز بیشتر خواهد شد. آسایش واگذاری تصمیم، گاه از مسئولیت تصمیم گرفتن جذاب‌تر است.

با این حال، واگذاری تصمیم با واگذاری مسئولیت یکسان نیست. حتی اگر هوش مصنوعی روزی در بیشتر موارد تصمیم بهتری بگیرد، پیامد آن تصمیم همچنان متوجه انسان خواهد بود. ماشین می‌تواند پیشنهاد کند، تحلیل کند و هشدار دهد، اما نمی‌تواند به جای انسان پاسخگو باشد. شاید تمدن آینده نه با این پرسش که «چه کسی تصمیم گرفت؟»، بلکه با این پرسش سنجیده شود که «چه کسی مسئولیت تصمیم را پذیرفت؟»

→ شاید عصر فراوانی، پایان اقتصاد نباشد؛ پایان اقتصادی باشد که تنها بر پایه کمبود تعریف می‌شد. اگر آن روز فرا برسد، مهمترین پرسش دیگر این نخواهد بود که «چه چیزی می‌توان تولید کرد؟» بلکه این خواهد بود که «در جهانی که تقریباً همه‌چیز در دسترس است، چه چیزی هنوز ارزش دنبال کردن دارد؟»

اگر دیگر لازم نباشد کار کنیم

ایلان ماسک: به باور ایلان ماسک، با گسترش هوش مصنوعی و رباتیک، بسیاری از مشاغل امروزی از میان خواهند رفت. ماشین‌ها نه تنها کارهای ی‌دی، بلکه بخش بزرگی از فعالیت‌های فکری را نیز سریع‌تر، دقیق‌تر و ارزان‌تر از انسان انجام خواهند داد. در چنین جهانی، کار دیگر ضرورتی برای تأمین معاش نخواهد بود، بلکه به انتخابی شخصی تبدیل می‌شود.

چت‌جی‌پی‌تی: اگر چنین شود، شاید مهمترین تغییری که هوش مصنوعی ایجاد می‌کند، حذف شغل‌ها نباشد؛ بلکه تغییر رابطه انسان با «مفید بودن» باشد.

تمدن امروز بر این فرض بنا شده که هر انسان باید کاری انجام دهد که دیگری به آن نیاز دارد. از کودکی می‌آموزیم که باید مهارتی بیاموزیم، شغلی پیدا کنیم و از راه آن، جایگاه خود را در جامعه به دست آوریم. اما اگر هوش مصنوعی تقریباً در هر کاری از انسان کارآمدتر باشد، برای نخستین بار این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارزش انسان همچنان باید با میزان سودمندی اقتصادی او سنجیده شود؟ شاید پاسخ، منفی باشد. ارزشمندترین تجربه‌های انسانی هرگز محصول بازار نبوده‌اند. عشق، دوستی، تربیت فرزند، کنجکاوی، هنر، همدلی و اندیشیدن، مدت‌ها پیش از آنکه شغلی باشند، بخشی از زندگی انسان بودند. شاید هوش مصنوعی، ناخواسته، انسان را وادار کند دوباره میان «زندگی کردن» و «کار کردن» تفاوت قائل شود.

اما این آزادی، چالش تازه‌ای نیز به همراه خواهد داشت. بسیاری از انسان‌ها، بیش از آنکه از درآمد خود هویت بگیرند، از احساس مفید بودن هویت می‌گیرند. اگر دیگر کسی به مهارت‌های آنان نیاز نداشته باشد، مسئله فقط بیکار شدن انسان نیست؛ بلکه این است که برای نخستین بار، تمدن باید ارزش انسان را مستقل از کار او تعریف کند. اگر روزی ماشین‌ها تقریباً همه کارها را بهتر انجام دهند، بزرگترین وظیفه انسان رقابت با آنها نخواهد بود. چالش واقعی، یافتن پاسخی تازه به این پرسش است که ارزش یک انسان، اگر نه با شغلش، پس با چیست؟

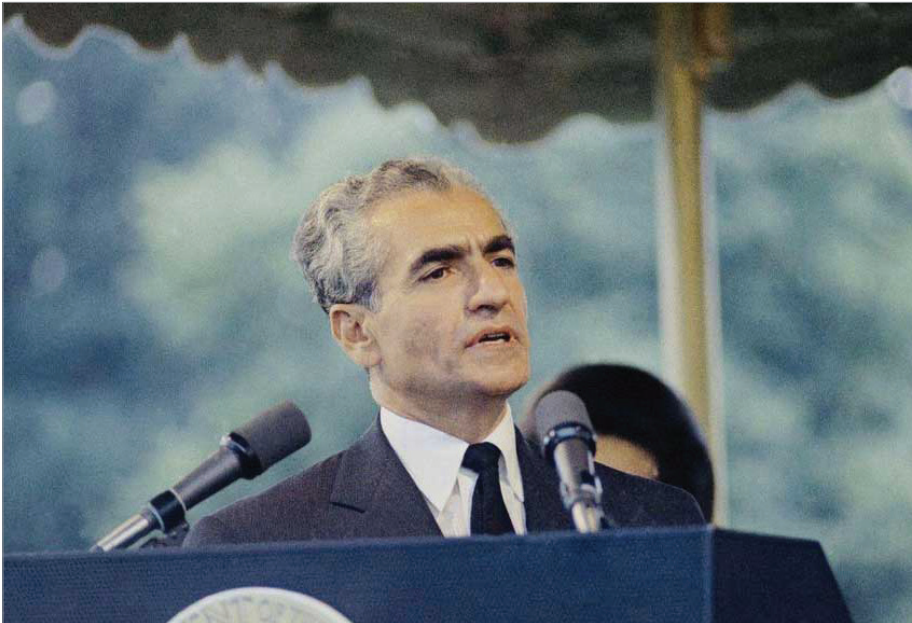
آیا انسان اختیارش را به هوش مصنوعی واگذار خواهد کرد؟

ایلان ماسک: ایلان ماسک معتقد است با افزایش توانایی‌های هوش مصنوعی، انسان بیش از پیش تصمیم‌گیری‌های خود را به ماشین‌ها خواهد سپرد. از انتخاب مسیر رانندگی و تشخیص بیماری گرفته تا تصمیم‌های اقتصادی و حتی سیاسی، این احتمال وجود دارد که انسان به تدریج به قضاوت سامانه‌هایی تکیه کند که از او دقیق‌تر و آگاه‌تر هستند.

چت‌جی‌پی‌تی: اگر هوش مصنوعی روزی در بیشتر تصمیم‌ها از انسان دقیق‌تر باشد، شاید منطقی‌ترین کار این باشد که بسیاری از تصمیم‌ها را به آن واگذار کنیم. تاریخ فناوری نیز چنین مسیری را نشان می‌دهد؛ انسان بارها وظایفی را که ماشین‌ها بهتر انجام می‌دادند، به آنها سپرده است. اما تصمیم‌گیری، تنها مسئله دقت نیست.

آریامهر، نفت و منافع ملی ایران؛ از ملی شدن مالکیت تا ملی کردن منافع (بخش ۱)

نامدار بقایی



لروما به مخالفت با حق حاکمیت ایران تعبیر کرد. نگرانی اصلی او از نبود توانایی فنی و اقتصادی کشور برای اداره بی‌درنگ صنعت نفت و پیامدهای رویارویی بدون طرح جایگزین بود. این سخن ممکن است در فضای سیاسی آن روزها نامحسوب بوده باشد، اما پرسشی بود که هر دولت مسئول ناگزیر باید از خود می‌پرسید: پس از خروج شرکت انگلیسی، چه کسی نفت را استخراج، پالایش، حمل و به مشتریان جهانی عرضه خواهد کرد؟

رزم‌آرا در هفتم مارس ۱۹۵۱ به دست خلیل طهماسبی، عضو فدائیان اسلام، ترور شد. فدائیان اسلام از مخالفان سرسخت او و از حامیان آیت الله کاشانی و محمد مصدق بودند که برای برهم زدن موازنه سیاسی، با حزب توده همکاری نزدیک داشتند.

ترور رزم‌آرا موازنه سیاسی کشور را دگرگون کرد و راه را برای تصویب شتابزده قانون ملی شدن صنعت نفت گشود. در فضای به شدت احساسی و ملتهب آن روزها، مسئله نفت بیش از آنکه صرفاً موضوعی اقتصادی و راهبردی باشد، به ابزاری برای رقابت سیاسی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی تبدیل شد. هر یک از جریان‌های فعال، از جبهه ملی و نیروهای مذهبی گرفته تا حزب توده، می‌کوشیدند این مطالبه ملی را در چارچوب روایت و اهداف سیاسی خود تفسیر و به سود موقعیت خویش مصادره کنند.

آنچه مسلم است، هم‌زمانی فشارهای جبهه ملی، فعالیت سازمان‌یافته حزب توده، بسیج نیروهای مذهبی و خشونت سیاسی فدائیان اسلام، فضایی پدید آورد که در آن، موضوع ملی شدن صنعت نفت به سلاحی مؤثر علیه دولت وقت بدل شد. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری درباره یکی از مهمترین منابع راهبردی کشور، بیش از آنکه بر پایه محاسبات بلندمدت اقتصادی و منافع ملی استوار باشد، تحت تأثیر موازنه‌های سیاسی و هیجانات روز قرار گرفت.

غلبه رقابت سیاسی بر نگاه راهبردی، در سال‌های بعد به تثبیت روایتی از ملی شدن نفت انجامید که عمدتاً

مؤسسه اقتصادی، بلکه بخشی از سازوکار قدرت امپراتوری بریتانیا بود؛ شرکتی که پالایشگاه، صادرات، اطلاعات فنی، بازارهای فروش و درآمدهای نفتی را در اختیار داشت، در حالی که سهم ایران نه با ارزش واقعی منابع متناسب داشت و نه امکان نظارت مؤثر بر عملیات شرکت برای دولت ایران فراهم بود.

از این منظر، اعتراض ایرانیان به قراردادهای نفتی نه تنها قابل فهم، بلکه ضرورتی ملی بود. مسئله نفت، مسئله حاکمیت بود؛ و هیچ دولت ملی نمی‌توانست نسبت به بهره‌برداری یک‌جانبه قدرتی خارجی از مهمترین منبع طبیعی کشور بی‌اعتنا ماند.

اما وجود یک مطالبه مشروع، به خودی خود به معنای درستی همه روش‌هایی نیست که به نام آن مطالبه به‌کار گرفته می‌شوند.

تاریخ نفت ایران را نمی‌توان تنها به تاریخ خلع ید از سلطه خارجی فروکاست. ارزشگذاری این تاریخ در نسبت آن با تاریخ آزمون دولت ایرانی در تبدیل مالکیت نفت به منفعت، توسعه و قدرت ملی قابل ارزیابی است. از همین رو، نقطه تعیین‌کننده این تاریخ نه صرفاً لحظه ملی‌شدن، بلکه مسیری است که از مالکیت ملی تا تحقق منافع ملی امتداد می‌یابد.

بخش دوم) رزم‌آرا؛ سیاست واقع‌گرایی در برابر هیجان سیاسی

در ماه‌های منتهی به ملی‌شدن نفت، سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا با بحرانی روبرو بود که پاسخ به آن تنها در شعار خلاصه نمی‌شد. دولت او باید از یک سو در برابر زیاده‌خواهی بریتانیا می‌ایستاد و از سوی دیگر، راهی برای اداره صنعتی می‌یافت که دانش فنی، بازار فروش، ناوگان صادراتی و ساختار مدیریتی آن تا حد زیادی در اختیار شرکت خارجی بود.

مخالفت رزم‌آرا با ملی‌کردن فوری صنعت نفت را نمی‌توان

نفت در تاریخ معاصر ایران، بیش از آنکه فقط یک ماده خام یا منبع درآمد باشد، به میدان نزاع روایت‌ها تبدیل شده است. هر جریان سیاسی کوشیده سهم خود را در تاریخ نفت برجسته سازد و شکست‌ها، خطاها و تناقض‌های خویش را در سایه چند عبارت آشنا پنهان کند. نتیجه آن شده است که در حافظه عمومی، تاریخ نفت ایران اغلب به چند سال پرآشوب در آغاز دهه ۱۳۳۰ محدود می‌شود؛ گویی پیش از آن هیچ تلاشی برای استیفای حقوق ایران صورت نگرفته بود و پس از آن نیز هیچ تحول مهمی در مناسبات نفتی کشور رخ نداد.

در این روایت مسلط، عبارت «ملی‌شدن صنعت نفت» آن چنان تکرار شده است که خود نفت، شیوه اداره آن، فناوری استخراج، بازارهای جهانی، قیمت‌گذاری و نسبت آن با قدرت ملی ایران، همگی به حاشیه رانده شده‌اند. گویی با انتقال مالکیت حقوقی نفت به دولت ایران، پرونده این ثروت ملی برای همیشه بسته شده است. حال آنکه ملی شدن، نه پایان ماجرا، بلکه تنها آغاز دشوارترین بخش آن بود؛ یعنی تبدیل یک حق حقوقی به قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و منافع پایدار ملی.

اما نفت با تصویب یک قانون، استخراج نمی‌شود؛ با خطابه به بازارهای جهانی راه نمی‌یابد؛ با بسیج احساسات عمومی به پالایشگاه، خط لوله، ناوگان حمل‌ونقل، شبکه فروش، صنایع پتروشیمی، سرمایه‌گذاری خارجی و قدرت چانه‌زنی بین‌المللی تبدیل نمی‌شود. میان اعلام مالکیت بر یک ثروت و توانایی به‌کارگیری آن در خدمت منافع ملی، فاصله‌ای بزرگ وجود دارد. این فاصله را دولت، دانش، فناوری، دیپلماسی، ثبات سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری پُر می‌کند.

از همین رو، مسئله اصلی نفت، تنها مالکیت آن نبود؛ بلکه چگونگی تبدیل ثروت نفت به قدرت ملی بود. تفاوت دولت‌ها را نه در شعارهایشان درباره نفت، بلکه در توانایی آنان برای تبدیل درآمدهای نفتی به توسعه، اقتدار و نفوذ ایران باید جست‌وجو کرد.

این مقاله تلاشی است برای بازخوانی همین پرسش؛ با الهام از مجموعه پژوهشی مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، به ویراستاری جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، کتاب پادشاهان نفت نوشته اندرو اسکات کوپر، و به‌ویژه پیام‌ها و سخنان پادشاه فقید محمدرضا شاه پهلوی به مناسبت «روز نفت» به تاریخ نهم مرداد ماه ۱۳۵۳ خورشیدی.

مجموعه نخست در سال ۱۹۸۸ منتشر شد و بحران نفت را در پیوند با استعمار، سیاست داخلی ایران و روابط بریتانیا و آمریکا بررسی کرد؛ اما برای تکمیل این تصویر، باید سویه دیگری از ماجرا را نیز دید: دوره‌ای که ایران از موضع کشوری گرفتار در مناقشه‌ای حقوقی، به بازیگری اثرگذار در نظام جهانی انرژی تبدیل شد.

بخش اول) نفت؛ امکانی نه برای توسعه، بلکه ابزاری در جهت سلطه استعمارگران

در آغاز قرن بیستم، ایران مالک منابعی بود که اختیار واقعی بر بهره‌برداری، قیمت‌گذاری و فروش آنها نداشت. امتیازنامه‌ها، شرکت‌های خارجی و نابرابری آشکار میان دولت ایران و قدرت بریتانیا، نفت را به نهاد ضعف حاکمیت ملی تبدیل کرده بود. شرکت نفت ایران و انگلیس نه تنها یک

میان رفت. هر نقدی به منزله خیانت تعبیر شد و سیاست، از عرصه محاسبه به میدان وفاداری سنجی عاطفی منتقل گردید.

حزب توده نیز، با وجود وابستگی ایدئولوژیک و سیاسی به اتحاد شوروی، از فضای استعمارستیزی بهره برد و کوشید بحران نفت را در چارچوب مبارزه با غرب تفسیر کند. این حزب نمی‌توانست مدعی نمایندگی ناسیونالیسم ایرانی باشد، زیرا اساس اندیشه و سازمان آن بر تقدم منافع اردوگاه کمونیسم و اتحاد شوروی استوار بود. با این حال، زبان ضداستعماری به حزب توده امکان داد تا رفتارها و پیوندهای ضدملی خود را پشت واژگانی چون خلق، امپریالیسم و استقلال پنهان کند.

ائتلاف‌ها و هم‌پوشانی‌های آن دوره نیز یکدست نبودند. جبهه ملی، روحانیان هوادار آیت‌الله کاشانی، فدائیان اسلام و حزب توده، اهداف و برنامه‌های متفاوتی داشتند و بعدها نیز به دشمنان یکدیگر تبدیل شدند. اما همه آنان، در مقاطعی، از فضای هیجانی ایجادشده پیرامون نفت برای فشار بر دولت و تغییر موازنه قدرت استفاده کردند.

از این منظر، نفت برای بخشی از سیاست ایران نه وسیله‌ای برای ساختن دولت، بلکه وسیله‌ای برای تصرف قدرت شد. «ملت» نه به عنوان مجموعه شهروندانی با منافع پایدار، بلکه به صورت جمعیتی بسیج‌شونده ظاهر شد؛ جمعیتی که باید به خیابان می‌آمد، شعار می‌داد و به روایت مطلوب رهبران سیاسی مشروعیت می‌بخشید.

این همان نقطه‌ای است که ناسیونالیسم احساسی از ناسیونالیسم دولت‌ساز جدا می‌شود.

پرونده‌ای که بریتانیا علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد، سرانجام با رأی دیوان درباره نداشتن صلاحیت رسیدگی خاتمه یافت. این یک موفقیت حقوقی برای ایران بود، اما موفقیت حقوقی نتوانست مشکل فروش نفت و تأمین درآمد کشور را حل کند. دیوان در ژوئیه ۱۹۵۲ اعلام کرد که صلاحیت رسیدگی به دعوا را ندارد؛ با این همه،



حضور شاهنشاه آریامهر و جمشید آموزگار در نشست سالانه اوپک سال ۱۳۵۳

پالایشگاه آبادان همچنان از مدار تولید مؤثر خارج بود و صادرات نفت ایران به سطحی ناچیز رسیده بود.

بحران نفت در این نقطه نشان داد که حاکمیت حقوقی بدون ظرفیت اجرایی، کامل نیست. یک دولت می‌تواند در دادگاه برنده شود و در اقتصاد شکست بخورد. می‌تواند مالکیت را اعلام کند، اما نتواند از دارایی خود درآمد بسازد. می‌تواند افکار عمومی را بسیج کند، اما برنامه‌ای برای روز پس از بسیج نداشته باشد.

این همان وضعی بود که روایت سیاسی ملی‌شدن نفت همواره کوشیده است از آن عبور کند. در تبلیغات بعدی، ناکامی اقتصادی تنها به توطئه خارجی نسبت داده شد و سهم تصمیم‌های دولت، فرصت‌های از دست‌رفته، ناتوانی در دستیابی به مصالحه‌ای پایدار و تبدیل مسئله نفت به منازعه‌ای همه‌جانبه کمتر مورد بررسی قرار گرفت.

بی‌تردید بریتانیا برای حفظ امتیازات خود فشار آورد؛ اما سیاست ملی مسئولانه دقیقاً در توانایی اداره همین فشار معنا می‌یابد. دولت ملی را نه در شرایط آرمانی، بلکه در مواجهه با دشمن، تحریم، محدودیت و توازن نامساعد قدرت می‌سنجند.

بخش چهارم) پوپولیسم نفتی و مصادره مفهوم ملت

مصدق و ائتلاف سیاسی پیرامون او توانستند نفت را به مؤثرترین نماد بسیج عمومی تبدیل کنند. در فضایی که بسیاری از ملت‌های آسیا و آفریقا در حال رهایی از استعمار بودند، ملی‌شدن نفت با روح زمانه هم‌خوانی داشت. نفت دیگر تنها یک قرارداد اقتصادی نبود؛ به مسئله عزت، استقلال و حیثیت ایرانی بدل شده بود.

مشکل از آنجا آغاز شد که یک مطالبه ملی، به تدریج در انحصار یک جریان سیاسی قرار گرفت. از آن پس، هر کس با روش دولت مصدق مخالفت می‌کرد، ممکن بود مخالف استقلال ایران یا مدافع استعمار معرفی شود. تفاوت میان «مخالفت با ملی‌شدن» و «مخالفت با نحوه اجرای آن» از

با نام محمد مصدق شناخته شد. در کنار آن، حزب توده نیز کوشید با بهره‌گیری از فضای ضد استعماری آن دوران، خود را نیرویی استعمارستیز و مدافع استیفای حقوق ملت ایران معرفی کند. بدین ترتیب، به‌تدریج این روایت بر افکار عمومی سایه افکند که مسئله نفت، پیش از هر چیز، عرصه تقابل با استعمار بوده است؛ حال آنکه پرسش

بنیادین‌تر، نه صرفاً بازپس‌گیری مالکیت نفت، بلکه توانایی تبدیل آن مالکیت به قدرت، توسعه و منفعت پایدار ملی بود.

پس از ترور رزم‌آرا، حسین علاء برای مدتی کوتاه نخست‌وزیر شد و سپس مجلس به نخست‌وزیری محمد مصدق رأی تمایل داد. بنابراین مصدق نه بلافاصله پس از قتل رزم‌آرا، در شرایطی که فضای سیاسی زیر فشار خیابان، تهدید و هیجان عمومی قرار داشت، به ریاست دولت رسید.

بخش سوم) ملی‌شدن نفت؛ پیروزی حقوقی یا آغاز بحرانی بزرگ؟

قانون ملی‌شدن نفت، از حیث اعلام حاکمیت ایران بر منابع طبیعی خویش، رخدادی تاریخی بود. هیچ تحلیل منصفانه‌ای نمی‌تواند بار ملی و روانی آن را انکار کند. دولت بریتانیا سال‌ها از موقعیتی نابرابر سود برده بود و مقاومت در برابر آن، خواستی عمومی و فراتر از یک حزب یا یک شخصیت سیاسی بود.

اما درست از لحظه تصویب قانون، آزمون اصلی آغاز شد. ملی‌کردن نفت تنها زمانی به سود ملت ایران تمام می‌شد که دولت می‌توانست تولید را ادامه دهد، بازارهای صادراتی را حفظ کند، تحریم و محاصره اقتصادی را بشکند، راه‌حلی حقوقی برای اختلافات بیابد و درآمد کشور را از سقوط نجات دهد.

بریتانیا در واکنش به ملی‌شدن، شبکه‌ای از فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی را علیه ایران به کار گرفت. شرکت‌های بزرگ نفتی نیز از خرید نفت ایران خودداری کردند و صنعت نفت کشور عملاً از بازار جهانی جدا شد. بحران آبادان، توقف صادرات و کاهش شدید درآمدهای ارزی، دولت و جامعه ایران را در وضعیتی فرسایشی قرار داد. پژوهش‌های تاریخی جدید نیز تأکید کرده‌اند که تحریم بریتانیا و همراهی شبکه شرکت‌های بزرگ نفتی، نفت ایران را از زنجیره جهانی عرضه خارج کرد.

بخش پنجم) قرارداد کنسرسیون؛ پایان بحران یا بازگشت امتیاز؟

پس از سقوط دولت مصدق، ایران همچنان با مسئله‌ای حل‌نشده روبرو بود؛ چگونه باید نفت را بار دیگر به بازار جهانی بازگرداند؟

قرارداد کنسرسیون سال ۱۳۳۳ پاسخی به این ضرورت بود؛ پاسخی که نه آرمانی بود و نه باید آن را بیرون از توازن قدرت جهانی آن روز ارزیابی کرد. شرکت نفت ایران و انگلیس دیگر انحصار پیشین خود را نداشت و مجموعه‌ای از شرکت‌های آمریکایی، بریتانیایی، هلندی و فرانسوی در کنسرسیون جدید مشارکت کردند. اسناد رسمی آمریکا ترکیب اولیه کنسرسیون را چنین ثبت کرده‌اند: چهل درصد برای شرکت نفت انگلیس، چهل درصد برای پنج شرکت بزرگ آمریکایی، چهارده درصد برای رویال داچ شل و شش درصد برای شرکت نفت فرانسه.

قرارداد کنسرسیون از نگاه منتقدان، محدودیت‌های جدی بر اختیار عملی ایران باقی گذاشت. بخش مهمی از تولید، پالایش و بازاریابی همچنان زیر مدیریت شرکت‌های خارجی بود و ایران از کنترل کاملی که مفهوم ملی‌شدن وعده داده بود برخوردار نشد. این انتقاد از نظر تاریخی قابل طرح است.

اما قرارداد را باید در نسبت با شرایطی سنجید که از دل آن پدید آمد: صنعت نفت متوقف، بازارهای ایران از دست رفته، درآمد دولت فروپاشیده و اعتماد شرکت‌ها و خریداران جهانی نابود شده بود. قرارداد کنسرسیون صادرات نفت را از سر گرفت، درآمد کشور را احیا کرد و برای دولت ایران فرصتی فراهم آورد تا به تدریج ظرفیت فنی، مدیریتی و مذاکره‌ای خود را افزایش دهد.

این قرارداد نه پایان مسئله نفت بود و نه هدف نهایی دولت شاهنشاهی. اهمیت آن در این بود که صنعت نفت را از حالت فلج خارج کرد و صحنه‌ای را به وجود

➔ آورد که ایران بتواند در سال‌های بعد، از موضعی نیرومندتر برای تغییر مناسبات اقدام کند.

در این میان نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که، ایران در کنسرسیوم سهم سهامداری نداشت و طرف قرارداد به معنای مالک یک شرکت مشترک نبود. مالکیت حقوقی صنعت نفت به شرکت ملی نفت ایران منتقل شده بود، اما بهره‌برداری عملیاتی به شرکت‌های عامل کنسرسیوم سپرده شد. در مقابل، ایران بر پایه اصل تقسیم پنجاه پنجاه سود، نیمی از درآمد حاصل از عملیات نفتی را دریافت می‌کرد؛ اصلی که در آن زمان به رویه متعارف صنعت نفت در خاورمیانه تبدیل شده بود.

بنابراین، اگرچه کنسرسیوم از نظر مدیریت و کنترل عملیاتی محدودیت‌هایی برای ایران ایجاد می‌کرد، اما ایران دیگر صرفاً دریافت‌کننده حق‌الامتیاز نبود، بلکه در درآمد حاصل از صنعت نفت شریک می‌شد؛ تفاوتی که از منظر حقوقی و مالی با امتیازنامه ۱۹۳۳ اهمیت قابل توجهی داشت.

در اینجا بایستی به مسئله کارفرما و مجری پروژه عملیات استخراج و فروش نفت از منظر حقوقی اشاره کوتاهی داشته باشیم که این موضوع، از تفاوت‌های مهم قرارداد کنسرسیوم با نظام امتیازهای پیشین، تفکیک میان مالکیت و اداره عملیاتی بود. اگرچه استخراج، پالایش، حمل‌ونقل، صادرات و مدیریت روزمره صنعت نفت در سال‌های آغازین عملاً توسط شرکت‌های عضو کنسرسیوم انجام می‌شد، اما تأسیسات، پالایشگاه‌ها، خطوط لوله، بنادر نفتی، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد استفاده در ایران، در چارچوب مالکیت شرکت ملی نفت ایران قرار داشت و شرکت‌های عامل نمی‌توانستند این دارایی‌ها را به عنوان اموال خود از کشور خارج کنند. به بیان دیگر، آنچه کنسرسیوم در اختیار داشت، حق اداره و بهره‌برداری بود، نه مالکیت صنعت نفت ایران. از همین رو، با پایان یافتن قرارداد، زیرساخت‌های ایجادشده و سرمایه‌های فیزیکی صنعت نفت برای ایران باقی می‌ماند. این وضعیت، هرچند به معنای استقلال کامل نبود، اما نسبت به نظام امتیازنامه‌ای گذشته گامی مهم در تثبیت مالکیت ملی بر صنعت نفت به شمار می‌رفت و زمینه حقوقی لازم را برای افزایش تدریجی اختیارات ایران در سال‌های بعد فراهم ساخت.

بر همین اساس، اشتباه بنیادین روایت مصدق‌آن است که قرارداد ۱۳۳۳ را آخرین و تغییرناپذیرترین صورت مناسبات نفتی ایران با قدرت‌های خارجی می‌پندارد؛ گویی شرایط آن قرارداد برای همیشه ثابت ماند و ایران تا سال ۱۳۵۷ همان کشور ضعیف و وابسته سال ۱۳۳۳ باقی ماند. در این روایت، تاریخ نفت در لحظه امضای کنسرسیوم متوقف می‌شود و همه تحولاتی که پس از آن در توان سیاسی، اقتصادی و چانه‌زنی ایران پدید آمد، نادیده گرفته می‌شود. حال آنکه بخش مهم تاریخ نفت ایران نه در امضای قرارداد کنسرسیوم، بلکه در مبارزه تدریجی برای محدودکردن اختیارات آن، تغییر موازنه به سود ایران و سرانجام جایگزین‌ساختن آن با نظامی تازه رقم خورد.

بخش ششم) از بازگشت به بازار تا بازپس‌گیری اختیار
محمدرضا شاه پهلوی نفت را تنها به عنوان منبع تأمین بودجه دولت نمی‌دید. در نگاه او، نفت ستون اصلی جهش صنعتی، نوسازی ارتش، توسعه زیرساخت‌ها، گسترش آموزش، اصلاحات اجتماعی و افزایش قدرت ایران در منطقه بود. اما دستیابی به این اهداف مستلزم آن بود که ایران از جایگاه دریافت‌کننده منفعل درآمد نفتی خارج شود و در تعیین میزان تولید، قیمت، سرمایه‌گذاری و شیوه فروش

نقشی فعال داشته باشد.

این تحول یک‌شبه رخ نداد. دولت ایران در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به توسعه شرکت ملی نفت، آموزش متخصصان، گسترش عملیات اکتشاف، ایجاد ظرفیت‌های پالایشی و عقد قراردادهای جدید پرداخت. در قراردادهای مشارکتی بعدی، ایران توانست شرایطی متفاوت از الگوی سنتی امتیازنامه‌ها ایجاد کند. شرکت ملی نفت به تدریج از نهادهای غادین به سازمانی دارای دانش، نیروی انسانی و ظرفیت مدیریتی تبدیل شد.

تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت در سال ۱۹۶۰ نیز بخشی از تغییر ساختار قدرت در بازار جهانی بود. ایران از اعضای بنیان‌گذار اوپک بود و در کنار دیگر تولیدکنندگان کوشید سلسله یک‌جانبه شرکت‌های بزرگ نفتی بر قیمت و تولید را کاهش دهد. اوپک، با همه اختلافات داخلی اعضای خود، به تولیدکنندگان امکان داد از رقابت مخرب با یکدیگر فاصله بگیرند و در برابر شرکت‌های نفتی به زبان مشترکی دست یابند.

در این مرحله، نفت از یک پرونده دوجانبه میان ایران و بریتانیا بیرون آمد و به عرصه‌ای چندجانبه و جهانی تبدیل شد. محمدرضا شاه دریافت که استقلال نفتی تنها از مسیر رویارویی مستقیم با یک کشور یا شرکت حاصل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند ایجاد ائتلاف میان تولیدکنندگان، تنوع‌بخشیدن به مشتریان، افزایش ظرفیت فنی و استفاده از شکاف‌های موجود میان قدرت‌های بزرگ است.

این همان تفاوت میان سیاست شعاری و سیاست راهبردی است. سیاست شعاری دشمن را نام می‌برد؛ سیاست راهبردی توازن را تغییر می‌دهد.

بخش هفتم) ۱۳۵۲؛ هنگامی که نفت در عمل ملی شد
نقطه عطف اصلی در تاریخ نفت دوران پادشاهی پهلوی، توافق سال ۱۹۷۳ میان ایران و کنسرسیوم بود. در این توافق، قرارداد ۱۹۵۴ کنار گذاشته شد و شرکت ملی نفت ایران مالک و اداره‌کننده عملیات و تأسیسات نفتی در محدوده قرارداد شد. شرکت‌های عضو کنسرسیوم دیگر صاحبان اختیار پیشین نبودند؛ آنان در جایگاه خریداران نفت ایران و ارائه‌دهندگان برخی خدمات قرار گرفتند.

اسناد وزارت خارجه آمریکا نشان می‌دهد که بر اساس چارچوب جدید، ایرانیان مالک و اداره‌کننده دارایی‌ها و فعالیت‌های نفتی می‌شدند و شرکت‌ها نفت را برای دوره‌ای بیست‌ساله از ایران خریداری می‌کردند. برنامه‌ها و بودجه شرکت خدماتی نیز باید به تصویب شرکت ملی نفت ایران می‌رسید. گزارش دیگری از همان اسناد تصریح می‌کند که شرکت ملی نفت مسئول تأمین سرمایه‌گذاری و فروش مستقیم سهم فزاینده‌ای از نفت ایران بود.

توافق فروش و خرید از ۲۰ مارس ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا شد و جای قرارداد کنسرسیوم ۱۹۵۴ را گرفت. بر اساس آن، شرکت ملی نفت ایران کنترل عملیات اکتشاف، توسعه، سرمایه‌گذاری، تولید، پالایش و حمل‌ونقل نفت را به شرکت‌های خارجی از صاحبان مدیریت به خریداران ممتاز نفت ایران تبدیل شدند.

اگر ملی‌شدن را تنها به معنای تصویب مالکیت قانونی بدانیم، سال ۱۳۲۹ نقطه تاریخی آن است. اما اگر ملی‌شدن را به معنای در اختیار گرفتن اداره، تولید، سرمایه‌گذاری، فروش و سیاست‌گذاری نفت بدانیم، آنگاه تحولات سال ۱۳۵۲ جایگاهی تعیین‌کننده می‌یابد.

این واقعیت، نه از اهمیت قانون ملی‌شدن می‌کاهد و نه نقش جنبش عمومی علیه شرکت نفت انگلیس را انکار می‌کند. بلکه نشان می‌دهد یک آرمان ملی برای تحقق

عملی، به بیش از یک مصوبه نیاز دارد. آنچه در سال ۱۳۲۹ علیرغم اهداف سیاسی یک حزب برای به دست گرفتن قدرت، به صورت اصل حقوقی اعلام شد، در سال ۱۳۵۲ تحت رهبری سیاسی پادشاه وقت، به ساختاری اجرایی و اقتصادی نائل آمد.

به همین دلیل می‌توان گفت:

ملی‌شدن نفت یک رخداد بود؛ ملی‌کردن منافع نفت یک پروژه تاریخی.

پروژه‌ای که بدون ایجاد شرکت ملی نیرومند، تربیت متخصص، بازگشت به بازار جهانی، افزایش تولید، مذاکره مستمر، تأسیس اوپک و قدرت اقتصادی دولت ایران امکان تحقق نداشت.

بخش هشتم) «روز نفت»؛ بازنویسی معنای ملی‌شدن
انتخاب عنوان «روز نفت» در پیام‌های شاهنشاه آریامهر محمدرضا شاه پهلوی خود حامل معنایی سیاسی بود. این نام‌گذاری، تاریخ نفت را در یک روز و یک شخصیت متوقف نمی‌کرد. «روز نفت» می‌توانست هم یادآور مبارزه برای حاکمیت ملی باشد و هم فرصتی برای گزارش عملکرد، تعیین سیاست آینده و سنجش جایگاه ایران در اقتصاد جهانی.

در پیام نهم امرداد ۱۳۵۳، آریامهر فقید از گذشت یک سال از اجرای قرارداد جدید فروش و خرید با کنسرسیوم سخن می‌گوید و آن را مرحله‌ای در استقرار کامل حاکمیت ملی بر منابع نفتی ایران می‌داند. در این پیام، تمرکز تنها بر گذشته نیست. بخش عمده سخن به اکتشاف، استخراج، مدیریت تأسیسات، افزایش بازایافت از میدان‌ها، تزریق گاز، توسعه صنایع پتروشیمی، استفاده از انرژی هسته‌ای، قیمت‌گذاری منصفانه و همکاری میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده اختصاص یافته است.

این ادبیات، ادبیات یک رهبر معترض نیست؛ ادبیات زمامداری است که خود را مسئول اداره یک قدرت نفتی می‌داند.

در این نگاه، حاکمیت ملی فقط در اخراج یا محدودکردن شرکت‌های خارجی معنا ندارد. حاکمیت ملی یعنی دولت ایران خود بتواند تصمیم بگیرد چه میزان نفت تولید کند، با چه قیمتی بفروشد، درآمد آن را در کجا سرمایه‌گذاری کند، چگونه از ذخایر برای نسل‌های آینده محافظت کند و چه نسبتی میان منافع تولیدکننده و ثبات اقتصاد جهانی برقرار سازد.

از همین رو، «روز نفت» را می‌توان نقطه مقابل تقلیل تاریخ نفت به یک اسطوره سیاسی دانست. این روز متعلق به یک حزب، نخست‌وزیر یا حادثه خاص نبود؛ روز سنجش میزان قدرت ایران بر نفت خویش بود.

در پیام سال ۱۳۵۳، شاهنشاه بر چند محور اساسی تأکید می‌کند:

نخست، اداره کامل عملیات نفتی به وسیله شرکت ملی نفت ایران؛ دوم، ضرورت افزایش ضریب بازایافت و صیانت از مخازن؛ سوم، گسترش تزریق گاز و بهره‌گیری از منابع انرژی جایگزین؛ چهارم، تثبیت حق کشورهای تولیدکننده در تعیین قیمت؛ پنجم، ایجاد توازن میان قیمت نفت و قیمت کالاهای صنعتی؛ و ششم، استفاده از درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری و توسعه بلندمدت.

این محورها نشان می‌دهد که مفهوم نفت در اندیشه شاهنشاه آریامهر به فروش خام محدود نبود. نفت باید به صنعت، فناوری، سرمایه انسانی، نفوذ سیاسی و توان آینده‌سازی تبدیل می‌شد.

(ادامه در شماره آینده کیهان هفته)

رویترز: جمهوری اسلامی حدود ۴۰۰ قبضه «دوش پرتاب» از چین وارد می‌کند



دوش پرتاب چینی

باعث می‌شود که این سامانه‌های دوش‌پرتاب نسبت به سامانه‌های ثابت پدافندی آسیب‌پذیری کمتری داشته باشند. یک منبع امنیتی در اروپا گفت که مقام‌های کشورش از مذاکره بر سر چند قرارداد برای فروش سامانه‌های سری QW به ایران، از جمله مدل‌های QW-12، QW-18 و QW-19، آگاه هستند.

یک منبع امنیتی در خاورمیانه نیز گفت که جمهوری اسلامی به دنبال خرید موشک‌های QW-12 و QW-18 بود اما اطلاعی ندارد که آیا توافقی در این زمینه نهایی شده یا نه.

سیستم‌های QW-12 و FN-16 موشک‌های زمین به هوای دوش‌پرتاب با هدایت مادون قرمز هستند که برای هدف قرار دادن هواگردها در ارتفاع پایین، هلی‌کوپترها و پهپادها طراحی شده‌اند. قابلیت جابجایی این سامانه‌ها امکان استقرار سریع آنها در اطراف تأسیسات نظامی، زیرساخت‌های انرژی و دیگر اماکن حساس را فراهم می‌کند. کارشناسان نظامی معتقدند که QW-12 نسبت به نسخه‌های جدیدتر خانواده QW، از جمله QW-18 و QW-19 توان کمتری دارد اما در عین حال معتقدند این سامانه همچنان می‌تواند لایه‌ای موثر از حفاظت با برد کوتاه در برابر پهپادها و اهدافی که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند فراهم کند. دو منبع اطلاعاتی غربی و یک مقام جمهوری اسلامی گفته‌اند که تهران استفاده از مسیرهای زمینی جایگزین برای انتقال تجهیزات نظامی و قطعات دارای کاربرد دوگانه از چین را بررسی کرده است تا این انتقال‌ها به شکل محرمانه‌تری انجام شود و خطر ایجاد اختلال در آنها و انتقالشان کاهش یابد.

خرید این موشک‌های دوش‌پرتاب نشان‌دهنده تداوم اتکای رژیم ایران به ترکیبی از تولید داخلی تسلیحات و تأمین‌کنندگان خارجی، با وجود سال‌ها تحریم و محدودیت در واردات تجهیزات نظامی است.

رویترز پیشتر نیز گزارش داده بود که جمهوری اسلامی ایران در آستانه دستیابی به توافقی جداگانه با چین برای خرید موشک‌های کروز ضدکشتی قرار دارد.

دوش‌پرتاب شامل خرید بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ سامانه پدافند هوایی قابل حمل توسط یک فرد از جمله موشک‌های ساخت چین از نوع QW-12 و FN-16 می‌شود. بر اساس همین گزارش، این قرارداد با شرکت سرمایه‌گذاری «چینگ بائوشانگ اینترنشنال» مستقر در هنگ‌کنگ امضا شده است. شرکتی که گفته می‌شود به عنوان واسطه میان طرف ایرانی و تأمین‌کننده چینی عمل کرده است. در همین ارتباط، وزارت خارجه چین در مورد خبرهای منتشرشده اعلام کرد: «گزارش‌های مربوطه کاملاً بی‌اساس هستند. چین همواره در جهت ترویج صلح و پایان دادن به درگیری نقش ایفا کرده است.»

تحویل صدها سلاح MANPADS بطور قابل توجهی موجودی سلاح‌های پدافند هوایی با بُرد کوتاه جمهوری اسلامی را افزایش خواهد داد و در عین حال بیانگر تعمیق روابط نظامی میان رژیم ایران و چین کمونیست خواهد بود. با این حال هرچند قرارداد بالا امضا شده، اما زمان‌بندی تحویل، تعداد تجهیزات و سایر جزئیات اجرایی آن همچنان ممکن است تغییر کند.

بر اساس برنامه مورد توافق دو طرف، محموله‌ها در مرحله نخست از طریق هوایی از شهر ارومچی در غرب چین ارسال شده و سپس از مسیر پاکستان به ایران منتقل خواهند شد. این منابع مشخص نکردند که بخش مربوط به عبور از پاکستان از طریق مرز زمینی انجام می‌شود یا این انتقال هم از طریق هوایی صورت خواهد گرفت.

این در حالیست که روابط عمومی ارتش پاکستان نیز اعلام کرده است: «گمانه‌زنی‌ها درباره دخالت پاکستان در تأمین سلاح‌های پدافند هوایی از چین برای ایران کاملاً ساختگی و نادرست است.»

جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در برنامه‌های موشکی، پهپادی و سامانه‌های راداری خود انجام داده است. با این حال سامانه‌های پدافند هوایی به گفته کارشناسان نظامی اهمیت ویژه‌ای دارند زیرا می‌توان آنها را به سرعت تقسیم کرد و توسط تیم‌های کوچک به کار گرفت و مرتب جابجا کرد. این ویژگی‌ها

● خبرگزاری رویترز به نقل از «سه منبع آگاه» گزارش داد که جمهوری اسلامی در راستای بازسازی توان دفاعی خود در میانه جنگ با آمریکا، طی چند هفته آینده اولین محموله از حدود ۴۰۰ پرتابگر موشک پدافند هوایی (دوش‌پرتاب) ساخت چین را دریافت خواهد کرد.

● این معامله نظامی که ارزش آن بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار برآورد شده، یکی از مهمترین تلاش‌های تهران برای تقویت سامانه‌های پدافند هوایی با بُرد کوتاه از زمان آغاز جنگ با آمریکا و اسرائیل در اسفندماه ۱۴۰۴ محسوب می‌شود. ● به گفته منابع رویترز، قرارداد خرید این موشک‌های دوش‌پرتاب شامل خرید بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ سامانه پدافند هوایی قابل حمل توسط یک فرد از جمله موشک‌های ساخت چین از نوع QW-12 و FN-16 می‌شود.

● سیستم‌های QW-12 و FN-16 موشک‌های زمین به هوای دوش‌پرتاب با هدایت مادون قرمز هستند که برای هدف قرار دادن هواگردها در ارتفاع پایین، هلی‌کوپترها و پهپادها طراحی شده‌اند. قابلیت جابجایی این سامانه‌ها امکان استقرار سریع آنها در اطراف تأسیسات نظامی، زیرساخت‌های انرژی و دیگر اماکن حساس را فراهم می‌کند.

خبرگزاری رویترز به نقل از «سه منبع آگاه» گزارش داد که جمهوری اسلامی در راستای بازسازی توان دفاعی خود در میانه جنگ با آمریکا، طی چند هفته آینده اولین محموله از حدود ۴۰۰ پرتابگر موشک پدافند هوایی (دوش پرتاب) ساخت چین را دریافت خواهد کرد.

این معامله نظامی که ارزش آن بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون دلار برآورد شده، یکی از مهمترین تلاش‌های تهران برای تقویت سامانه‌های پدافند هوایی با برد کوتاه از زمان آغاز جنگ با آمریکا و اسرائیل در اسفندماه ۱۴۰۴ محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی از نهم اسفند ۴۰۴ در جریان جنگ ۴۰ روزه و درگیری‌هایی که پس از آن با فراز و نشیب ادامه پیدا کرده، نشان داد که در محافظت از مراکز نظامی و زیرساخت‌های استراتژیک خود ضعف‌های جدی دارد. به گفته منابع رویترز، قرارداد خرید این موشک‌های

موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی اردن همزمان با رد پیشنهاد عمان برای مشارکت در کنترل تنگه هرمز



نمایی از بندر مسقط پایتخت عمان

جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرده، تنها در صورت پذیرش طرح خودش توسط عمان، به مرحله بعدی مذاکرات وارد خواهد شد. این موضع نه تنها روند دیپلماتیک را کند کرده، بلکه نگرانی‌ها درباره‌ی ثبات جریان نفت جهانی را نیز افزایش داده و مهمتر اینکه می‌تواند به از سر گرفته شدن حملات گسترده و سنگین از سوی آمریکا منجر شود. از روز جمعه گذشته، ۲۴ ژوئیه اگرچه آرامش نسبی در دریگری‌های میان آمریکا و جمهوری اسلامی- با وجود حملات نیابتی‌های رژیم ایران- برقرار شده بود اما با حملات موشکی جمهوری اسلامی علیه پایگاه نیروهای آمریکایی در اردن که چهارشنبه ۲۹ ژوئیه از خاک ایران انجام گرفت، میانجی‌ها را در موقعیت دشوارتری برای دستیابی به صلح قرار داده است.

بامداد روز چهارشنبه هفتم امرداد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چندین موشک بالستیک از خاک ایران به سمت اردن شلیک کرد. فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام)، این اقدام را «تلاش برای حمله‌ی غافلگیرانه» توصیف و اعلام کرده است که سامانه‌های پاتریوت تمام موشک‌ها را با موفقیت رهگیری و منهدم کرده‌اند.

هدف اصلی این حمله، پایگاه هوایی «موفق سلطی» در شرق اردن بوده است. بزرگترین پایگاه هوایی این کشور که نیروهای آمریکایی و ائتلاف بین‌المللی در آن مستقرند و پیشتر نیز مورد حملات جمهوری اسلامی قرار گرفته بود. اینهمه در حالیست که حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، آنهم بلافاصله بعد از رد پیشنهاد عمان برای مشارکت در کنترل تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی، می‌تواند به شکست دوباره‌ی مذاکراتی بیانجامد که دونالد ترامپ به تازگی از آن به عنوان «فرصت دیگری برای دیپلماسی» نام برده است.

نجات و همکاری‌های دیگر می‌شود. این طرح مورد حمایت کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس نیز قرار گرفته و تأمین مالی آن به صورت داوطلبانه از سوی کشورهای منطقه و صنایع کشتیرانی و نفتی انجام خواهد شد. جمهوری اسلامی اما خواستار دریافت هزینه‌های اجباری از هر کشتی عبوری است. ولی کشورهای خلیج فارس و آمریکا این درخواست را نپذیرفته‌اند.

مقامات میانجی از کشورهای قطر، پاکستان، ترکیه و مصر همچنان در تلاش هستند تا ابهامات توافق مقدماتی امضاء شده میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی در ماه گذشته را برطرف نمایند. یکی از این ابهامات، تفسیر جمهوری اسلامی از متن توافق است که طی آن، برای خود حق کنترل تنگه و دریافت هزینه از کشتی‌ها را لحاظ کرده؛ موضعی که آمریکا با صراحت مخالف آن است.

طبق گزارش وال‌استریت ژورنال، یک مقام آمریکایی روز سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه تأکید کرد که تنگه هرمز یک آبراه بین‌المللی است و جمهوری اسلامی نمی‌تواند آن را کنترل یا محدود نماید. این مقام افزوده است: «جمهوری اسلامی با خواسته‌های غیرمنطقی در حال زیاده‌روی است.»

بهبانی جمهوری اسلامی برای دامن زدن به این اختلاف به اقدام عمان بازمی‌گردد. آنچه خشم مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برانگیخته این است که مسقط یک کریدور آزاد کشتیرانی تحت حمایت ایالات متحده آمریکا در نزدیکی سواحل خود ایجاد کرده که مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند این اقدام بدون تأیید آنان انجام گرفته است.

با این حال، رد پیشنهاد عمان توسط جمهوری اسلامی، مقامات میانجی را نیز خشمگین کرده و تلاش‌ها برای احیای روند صلح را با مشکل جدی مواجه ساخته است.

● به گزارش وال‌استریت ژورنال، عمان پیشنهاد موقت تقسیم برابر خطوط کشتیرانی با جمهوری اسلامی را مطرح کرده بود تا هر دو کشور کنترل مساوی بر مسیرهای عبور کشتی‌ها داشته باشند؛ اما کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ششم امرداد اعلام کرد که این طرح نگرانی امنیتی آنان را برطرف نخواهد کرد.

● از روز جمعه گذشته، ۲۴ ژوئیه اگرچه آرامش نسبی در دریگری‌های میان آمریکا و جمهوری اسلامی- با وجود حملات نیابتی‌های رژیم ایران- برقرار شده بود اما با حملات موشکی جمهوری اسلامی علیه پایگاه نیروهای آمریکایی در اردن که چهارشنبه ۲۹ ژوئیه از خاک ایران انجام گرفت، میانجی‌ها را در موقعیت دشوارتری برای دستیابی به صلح قرار داده است.

● هدف اصلی این حمله، پایگاه هوایی «موفق سلطی» در شرق اردن بوده است. بزرگترین پایگاه هوایی این کشور که نیروهای آمریکایی و ائتلاف بین‌المللی در آن مستقرند و پیشتر نیز مورد حملات جمهوری اسلامی قرار گرفته بود.

جمهوری اسلامی با هدف دریافت سهم بیشتر، پیشنهاد عمان را برای مشارکت و تقسیم مسئولیت در کنترل تنگه هرمز رد کرد.

جمهوری اسلامی با رد پیشنهاد عمان بر سر تقسیم مسئولیت در کنترل تنگه هرمز، این اقدام را مانعی جدی بر سر راه از سر گرفتن «مذاکرات صلح» با ایالات متحده آمریکا عنوان کرده است. مقامات میانجی این موضع جمهوری اسلامی را شکست تلاش‌های احیای توافق بر سر دست‌کم یک صلح موقت با آمریکا می‌دانند.

به گزارش وال‌استریت ژورنال، عمان پیشنهاد موقت تقسیم برابر خطوط کشتیرانی با جمهوری اسلامی را مطرح کرده بود تا هر دو کشور کنترل مساوی بر مسیرهای عبور کشتی‌ها داشته باشند؛ اما کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ششم امرداد اعلام کرد که این طرح نگرانی امنیتی آنان را برطرف نخواهد کرد.

غریب‌آبادی در گفتگو با صداوسیما جمهوری اسلامی توضیح داد که مسیر ورودی کشتی‌ها باید کاملاً تحت کنترل جمهوری اسلامی باشد و بخشی از مسیر خروجی می‌تواند در اختیار عمان باقی بماند. او همچنین در ادامه گفته است: «اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، به مرحله‌ی بعدی مذاکرات خواهیم رفت.»

جمهوری اسلامی اصرار دارد که به دلیل عبور تدارکات نظامی آمریکا از این تنگه برای حملات علیه آن، باید کنترل عمده آبراه هرمز را در اختیار داشته باشد.

تا پیش از جنگ اخیر، هر روز حدود یک‌صد کشتی بدون پرداخت هرگونه عوارضی از تنگه‌ی هرمز عبور کرده و روزانه بیست میلیون بشکه نفت و فرآورده‌های نفتی را جابجا می‌کردند که معادل یک‌پنجم مصرف جهانی نفت محسوب می‌گردد.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، عمان همچنین پیشنهاد تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای را نیز مطرح کرده که شامل مسئولیت امنیت دریایی، عملیات جستجو و

پشت پرده بمباران جلسه «شورای عالی دفاع»؛ فرماندهان برای بررسی شیوه سرکوب اعتراضات جلسه داشتند



بمباران جلسه فرماندهان ارشد در چیتگر (شهرک باقری)

سند رسوایی

یک کارشناس امنیتی که نخواست نامش فاش شود، به کیهان لندن گفت: «گزارش نورنیوز سند رسوایی از آخرین روزهای زندگی خامنه‌ای است، آخرین جلسه‌ای که قرار بود نقشه سرکوب خونین بعدی مردم در آن کشیده شود با اولین موشک به هوا رفت.»

از نظر این کارشناس امنیتی، «تحلیل ساختاری این جلسه نشان می‌دهد که حکومت در تعریف جدید خود، برخورد با معترضان را رسماً از روند اول انتظامی و بعد نظامی» خارج کرده و آن را از همان ابتدا وارد برخورد نظامی کرده است.» این کارشناس همچنین توضیح داد: «در روال عادی، مدیریت اعتراضات ابتدا بر عهده وزارت کشور و شورای امنیت کشور (شاک) است. اما با اصرار خامنه‌ای، پرونده اعتراضات می‌بایست مستقیماً در «شورای دفاع» بررسی می‌شد. غیبت رادان فرمانده فراجا در این جلسه اضطراری نشان می‌دهد که حکومت دیگر به دنبال کنترل تجمعات در روزهای ابتدایی با ابزارهای پلیسی نبود؛ زیرا با تجربه‌ای که در دی‌ماه کسب کرده بود، به این نتیجه رسیده بود که جمعیت بزرگی می‌تواند در مدت کوتاهی شکل بگیرد و عملاً راهکارهای انتظامی نتیجه‌بخش نیست. چنانکه در همان دی‌ماه، با ورود ماشین جنگی سپاه پاسداران و کشتار وحشیانه مردم، توانست خود را موقتاً از سقوط نجات دهد.»

او همچنین ادعای «کاهش تلفات» از سوی شمعانی را «فریب» دانست و گفت: «ورود شورای دفاع و قرارگاه خاتم‌الانبیا، به معنای سازماندهی ظرفیت‌ها و منابع نظامی برای سرکوب سازمانیافته‌تر مردم در سطح شهرهاست. درواقع، جلسه ۹ اسفند، اتاق فکری برای طراحی یک سرکوب خونین و بی‌رحمانه علیه مردم ایران بود که پیش از نهای شدن، هدف حمله قرار گرفت.»

است. اما در همین گزارش به نکاتی نیز اشاره شده است که اهمیت زیادی دارد.

در بخشی از گزارش تأکید شده، هدف قرار دادن «صنایع شهید میثمی» متعلق به وزارت دفاع در جنگ ۱۲ روزه از سوی اسرائیل برای بسیاری تعجب‌آور بود. در همین گزارش ادعا شد: «این مجموعه در حوزه‌ای فعالیت می‌کرد که ارتباط مستقیمی با تولید تجهیزات و سلاح‌های متعارف جنگی نداشت. مأموریت اصلی آن، طراحی و تولید تجهیزات و ابزارهایی بود که امکان مدیریت تجمعات و اغتشاشات را با کمترین آسیب و بدون استفاده از سلاح‌های آسیب‌زننده فراهم کند. به همین دلیل، قرار گرفتن این مجموعه در اولویت حملات دشمن، در نگاه نخست غیرعادی به نظر می‌رسید، اما حوادث بعدی معنای این حمله را روشن‌تر کرد.»

به این ترتیب، «نور نیوز» مدعی شده مأموریت «صنایع میثمی» تولید ادوات سرکوب غیرجنگی بود و دشمن آن را هدف قرار داد تا با «اغتشاشات» داخلی، نظام گرفتار بحران‌های شدیدتر شود.

به نوشته «نور نیوز»، در روز جمعه ۸ اسفند ۱۴۰۴، برای شمعانی و شماری از فرماندهان ارشد نظامی تقریباً قطعی شده بود که آمریکا و اسرائیل در روزهای آینده به ایران حمله خواهند کرد.

شمعانی همان شب، حوالی ساعت ۲۱، متنی را برای انتشار در اختیار واحد اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای دفاع قرار داد که در آن به احتمال حمله مشترک آمریکا و اسرائیل و واکنش ایران به این سناریو اشاره شده بود.

صبح روز بعد، کمیته فرعی شورای دفاع با مسئولیت دبیر این شورا تشکیل جلسه داد که علی شمعانی و تعدادی از فرماندهان ارشد نظام در آن کشته شدند. در این گزارش اشاره نشد که مکان و زمان برگزاری این جلسه چطور لو رفت.

● وبسایت امنیتی «نور نیوز» نزدیک به تیم علی شمعانی، دوم امرداد ۱۴۰۵ در گزارشی که ادعا شده «مستند» است، با اشاره به اظهارات عراقچی می‌نویسد، جلسه‌ای که با مسئولیت دبیر شورای دفاع در صبح روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۵ برگزار شد، دو دستور کار داشت: نخست، پیگیری اجرای طرح «سازماندهی منابع، ساختارها، نیروی انسانی و تأمین تجهیزات جدید برای مدیریت اغتشاشات» و دوم، بررسی موضوع قریب‌الوقوع بودن حمله آمریکا و اسرائیل.

● در بخشی از این گزارش که در آن تلاش شده چهره مثبتی از علی شمعانی ارائه شود، آمده هدف قرار دادن «صنایع شهید میثمی» متعلق به وزارت دفاع در جنگ ۱۲ روزه از سوی اسرائیل برای بسیاری تعجب‌آور بود. در همین گزارش ادعا شده: «این مجموعه در حوزه‌ای فعالیت می‌کرد که ارتباط مستقیمی با تولید تجهیزات و سلاح‌های متعارف جنگی نداشت. مأموریت اصلی آن، طراحی و تولید تجهیزات و ابزارهایی بود که امکان مدیریت تجمعات و اغتشاشات را با کمترین آسیب و بدون استفاده از سلاح‌های آسیب‌زننده فراهم کند. به همین دلیل، قرار گرفتن این مجموعه در اولویت حملات دشمن، در نگاه نخست غیرعادی به نظر می‌رسید، اما حوادث بعدی معنای این حمله را روشن‌تر کرد.»

به گفته عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی، حمله آمریکا و اسرائیل که طی آن علی خامنه‌ای و جمعی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح کشته شدند، در جریان برگزاری جلسه اصلی شورای دفاع رخ نداده بلکه در همان ساعات، یکی از کمیته‌های فرعی شورای دفاع با مسئولیت دبیر این شورا جلسه داشته است. بر اساس اطلاعات جدید، جلسه‌ای که بمباران شد مرتبط با شیوه سرکوب مردم در جریان اعتراضات بود.

وبسایت امنیتی «نور نیوز» نزدیک به تیم علی شمعانی، دوم امرداد ۱۴۰۵ در گزارشی که ادعا شده «مستند» است، با اشاره به اظهارات عراقچی می‌نویسد جلسه‌ای که با مسئولیت دبیر شورای دفاع در صبح روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۵ برگزار شد، دو دستور کار داشت: نخست، پیگیری اجرای طرح «سازماندهی منابع، ساختارها، نیروی انسانی و تأمین تجهیزات جدید برای مدیریت اغتشاشات» و دوم، بررسی موضوع قریب‌الوقوع بودن حمله آمریکا و اسرائیل.

به نوشته این وبسایت، «جلسه‌ای که صبح ۹ اسفند ۱۴۰۵ در حال برگزاری بود، همزمان دو وجه متفاوت از یک تهدید برنامه‌ریزی‌شده در دو بعد خارجی و داخلی را بررسی می‌کرد؛ حمله نظامی خارجی که احتمال وقوع آن بسیار جدی شده بود و تهدید ترکیبی داخلی که تجربه حوادث دی‌ماه نشان داده بود دشمن به عنوان زمینه‌ساز و مکمل اقدام نظامی، به دنبال بهره‌برداری از آن است.»

در بخشی از این گزارش ادعا شده که علی شمعانی همیشه تأکید داشت: «در جریان اعتراضات و ناآرامی‌های خیابانی، تا حد امکان از آسیب دیدن مردم و معترضان جلوگیری شود که با انتقاد از سوی اعضای شورا مواجه بود.» درواقع «نور نیوز» تلاش کرده از شمعانی یک چهره مثبت ارائه دهد که مخالف استفاده از سلاح علیه معترضان بوده

دونالد ترامپ در گفتگو با فاکس نیوز: آمریکا حسابی از خجالت جمهوری اسلامی درخواهد آمد

● دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده در یک مصاحبه کوتاهی با شبکه فاکس نیوز با اشاره به زمامداران جمهوری اسلامی گفت که آنها ضربات سختی خواهند خورد و آمریکا توی دهان آنها خواهد زد: «چنان بلایی بر سرشان می‌آوریم که حسابی تنبیه شوند.»

● اینهمه در حالیست که با وجود اعلام اقدامات تلافی‌جویانه‌ی بیشتر، دونالد ترامپ در این گفتگو نیز دوباره تأکید کرد که مذاکرات با جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. وی گفت: «اجازه می‌دهیم حرف زدن آنها ادامه پیدا کند.»

دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده روز چهارشنبه ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۶ پس از حمله موشکی غافلگیرانه‌ی جمهوری اسلامی به نیروهای آمریکایی در اردن اعلام کرد که آمریکا حسابی از خجالت این لعنتی‌ها درخواهد آمد. او با اشاره به نیابتی‌های رژیم ایران از جمله گروه حشدالشعبی افزود که حمله مشترک آمریکا و عربستان در هماهنگی با دولت عراق انجام شده است. ترامپ نیابتی‌های جمهوری اسلامی را «سرطان جهان» خواند.

ترامپ در یک مصاحبه‌ی کوتاه با شبکه فاکس نیوز با اشاره به زمامداران جمهوری اسلامی گفت که آنها ضربات سختی خواهند خورد و آمریکا توی دهان آنها خواهد زد: «چنان بلایی بر سرشان می‌آوریم که حسابی تنبیه شوند.» عین جمله‌ای که منابع غربی از ترامپ نقل کرده‌اند چنین است: «We are going to beat the fucking shit out of them».

به گزارش نیویورک‌پست، این هشدار پس از آن مطرح می‌شود که آمریکا و عربستان سعودی روز سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه حملات مشترکی علیه گروه‌های تروریستی تحت حمایت جمهوری اسلامی در عراق انجام دادند. پس از آن، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که سپاه پاسداران در سه روز گذشته بیش از سی حمله‌ی پهبادی علیه نیروهای آمریکایی در منطقه انجام داده که همگی ناموفق بوده‌اند. اینهمه در حالیست که با وجود اعلام اقدامات تلافی‌جویانه‌ی بیشتر، دونالد ترامپ در این گفتگو نیز دوباره تأکید کرد که مذاکرات با جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. وی گفت: «اجازه می‌دهیم حرف زدن آنها ادامه پیدا کند.» ترامپ همچنین با اشاره به عذرخواهی جمهوری اسلامی گفت: «ما باید ضربه‌ی سختی به آنها بزنیم. آیا من همیشه تلافی خواهم کرد؟ معمولاً بله!»

حمله‌ی جمهوری اسلامی به پایان یک وقفه‌ی چندروزه منجر گردید. ایالات متحده جمعه گذشته پس از آنچه ترامپ «پیشرفت در مذاکرات» توصیف کرده بود، حملات خود را به مواضع جمهوری اسلامی متوقف کرد. پیش از این حمله، ترامپ بارها هشدار داده بود که آمادگی از سر گرفتن اقدامات نظامی است.

دونالد ترامپ همچنین در جمع خبرنگاران کاخ سفید با اشاره به هدف قرار گرفتن یک نفتکش آمریکایی در مصر تأکید کرد: «جمهوری اسلامی می‌داند حملات ایالات متحده در راه است، چون حالا نوبت ماست که به آنها ضربه بزنیم.» رئیس جمهور آمریکا همچنین پیشتر در روز سه‌شنبه به فاکس نیوز گفته بود: «اگر توافق نکنند، برمی‌گردم و کار را تمام خواهم کرد اما بازسازی برای آنها تا ابد طول خواهد کشید.» دونالد ترامپ افزود: «می‌توانم بیشتر پل‌هایشان

را در کمتر از یک ساعت نابود کنم. این واقعا یک کشور را ویران می‌کند.» او در ادامه توضیح داد: «کارخانه‌های آب شیرین‌کن هم هست ولی نمی‌خواهم به مردم آسیب بزنم. فقط خیلی ساده می‌خواهم که [جمهوری اسلامی] سلاح هسته‌ای نداشته باشد.»

دونالد ترامپ روز سه‌شنبه با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر



دونالد ترامپ چهل و پنجمین و چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا

اسرائیل دیدار و گفتگو کرد. اگرچه جزئیاتی از این دیدار منتشر نشده اما گفته می‌شود احتمالاً نتانیاهو اطلاعاتی را درباره‌ی فعالیت‌های هسته‌ای در سایت زیرزمینی «کوه کلنگ گزلا» در جنوب تاسیسات نطنز در اختیار رئیس جمهور آمریکا قرار داده است. ترامپ پیشتر با کم اهمیت جلوه‌دادن این سایت گفته بود: «اگر توافق نشود، کوه کلنگ گزلا را از بین خواهیم برد.»

علاوه بر جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، دونالد ترامپ بر بازگشایی تنگه هرمز نیز متمرکز است؛ جایی که یک پنجم نفت دریایی جهان از آن عبور می‌کند. جمهوری اسلامی در دوره‌ی به اصطلاح تفاهم و آتش‌بس موقت که بطور یکجانبه از سوی ترامپ اعلام شده بود، مدتی از حمله به این آبراه خودداری کرد اما پس از حملات مکرر به کشتی‌ها، تفاهم و آتش‌بس در عمل پایان یافت. ترامپ در برنامه‌ی روز سه‌شنبه در فاکس نیوز افزوده بود: آنها [مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی] به دلایلی، وسط یک بحث خوب ممکن است بیرون بیایند و بگویند: ما حرف نمی‌زنیم یا درباره‌ی مسائل هسته‌ای بحث نکردیم! خب، تمام بحث ما همین بوده که هرگز سلاح هسته‌ای نخواهند داشت.»

دونالد ترامپ در پاسخ به خبرنگاران در کاخ سفید در خصوص قانون اعمال تحریم‌های دودولت روسیه و ایران گفت که ترجیح می‌دهد برای جمهوری اسلامی تعرفه وضع کند. در همین ارتباط، روز سه‌شنبه ۲۸ ژوئیه، سنای آمریکا با ۸۶ رأی موافق در مقابل ۱۲ رأی مخالف، طرحی را برای تصویب به مرحله‌ی بعد رساند که همزمان با تشدید تحریم‌ها علیه روسیه، تحریم‌های مرتبط با جمهوری اسلامی را نیز تا سال ۲۰۳۱ تهدید خواهد کرد.

این طرح به اسم سناتور فقید «لیندزی گراهام» نامگذاری شده و پس از تصویب در رای‌گیری نهایی در سنا به مجلس نمایندگان آمریکا ارسال می‌گردد.

تایمز اسرائیل: عاصم منیر با تهدید به توقف پروژه مشترک نفتی با احمد وحیدی، ایران را به توقف حملات به عربستان واداشت

● به گفته سه مقام آگاه: «توافقی که با میانجیگری منیر حاصل شد، اواخر ماه مارس و در حالی صورت گرفت که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران هنوز در هفته‌های نخست خود بود.»

● دیپلمات خاورمیانه‌ای از توافقی که با میانجیگری منیر حاصل شده انتقاد کرده و گفته: «این توافق در عمل پرداخت باج مورد مطالبه رژیم ایران از کشورهای منطقه را برای در امان ماندن از حملات در جریان جنگ جاری، مشروعیت بخشیده است.»

● امارات متحده عربی نیز متهم شده است که توافقی مشابه با ایران انجام داده، هرچند ابوطی گزارش‌های تأیید نشده مبنی بر اینکه در ازای در امان ماندن از حملات ایران، میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدود شده را آزاد کرده، به شدت رد نموده است.

● قطر نیز با اتهامات مشابهی مبنی بر تلاش برای پرداخت پول به ایران به منظور جلوگیری از حملات روبرو شده است، اما دوحه نیز این ادعاها را قاطعانه رد کرده است.

پس از آنکه ایران برای نخستین بار طی چند ماه، موشکی به سوی عربستان سعودی شلیک کرد، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به احمد وحیدی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داد که این اقدام، فعالیت شرکت مشترک آنها برای انتقال نفت از ایران به پاکستان را به خطر می‌اندازد.

به گفته سه مقام آگاه که این هفته با «تایمز اسرائیل» گفتگو کردند، عاصم منیر، از یک فعالیت مشترک در زمینه انتقال نفت با احمد وحیدی، به عنوان اهرم فشار برای دستیابی به توافقی میان ایران و عربستان سعودی استفاده کرد. توافقی که بر اساس آن تهران پذیرفت که حملات علیه این پادشاهی حاشیه خلیج فارس را متوقف کند.

یک دیپلمات خاورمیانه‌ای، یک مقام اطلاعاتی خاورمیانه و مقام سومی که در جریان موضوع قرار دارد، به شرط فاش نشدن نامشان به «تایمز اسرائیل» گفتند: «توافقی که با میانجیگری منیر حاصل شد، اواخر ماه مارس و در حالی صورت گرفت که جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران هنوز در هفته‌های نخست خود بود.»

به گفته این سه مقام، عربستان سعودی که در نخستین ماه جنگ، همراه با چند کشور دیگر منطقه، بارها هدف حملات حکومت ایران قرار گرفته بود، پس از امضای این توافق تا حد زیادی از حملات در امان ماند.



حمله مجدد آمریکا به تأسیسات نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی

و ده‌ها هدف از جمله مراکز فرماندهی، سایت‌های موشکی و پهپادی و توانمندی‌های دریایی را شامل شده است. بر اساس این بیانیه، «هدف این حملات، کاهش تهدید علیه نیروهای آمریکایی و کشتیرانی تجاری» بوده است. همچنین گزارش شد که بخشی از این حملات توسط نیروهای آمریکایی مستقر در کویت انجام شده‌اند.

● پس از یک وقفه کوتاه، موج دوم حملات آمریکا به تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی از بامداد پنجشنبه هشتم مرداد ۱۴۰۵ آغاز شد. در این حملات، مراکز مختلفی از جمله در تبریز، بندرعباس، کیش، قشم، ابوموسی، سیریک، اهواز، بوشهر، آبادان، کازرون، شادگان، جم، دشتی، اروندکنار و نورآباد



اصابت موشک به یک مخزن سوخت در قشم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با اشاره به متحدان آمریکا هشدار داد: «کشورهایی که در کمک به متجاوز دخالت دارند، اگر رفتار خود را اصلاح نکنند، پاسخ سختی دریافت خواهند کرد.»

همزمان روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی نوشت که دریاسالار برد کوپر فرمانده فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) طرحی را برای اجرای یک کارزار هوایی سنگین و دو هفته‌ای علیه جمهوری اسلامی آماده کرده است. به نوشته این روزنامه، اکنون و پس از تازه‌ترین حمله موشکی سپاه پاسداران، ترامپ باید تصمیم بگیرد که آیا عملیات رزمی گسترده را آغاز کند یا نه.

به نوشته والاستریت ژورنال، برد کوپر معمولاً در سایه ژنرال دن کین رئیس ستاد مشترک ارتش و پیت هگست وزیر جنگ قرار داشته است؛ دو مقامی که بطور منظم در دفتر کاخ سفید به ترامپ گزارش می‌دهند و نقش بسیار پررنگ‌تری در مباحث دولت آمریکا درباره جنگ داشته‌اند. این روزنامه به نقل از منابع خود نوشت، با این حال این کوپر است که گزینه‌ای برای اجرای یک کارزار هوایی سنگین علیه جمهوری اسلامی آماده کرده است.

پس از آنکه ترامپ در پی حمله موشکی جمهوری اسلامی به پایگاه نظامی آمریکا در اردن که بامداد چهارشنبه ۲۹ ژوئیه انجام شد، اعلام کرد که واکنش نشان خواهد داد، اکنون باید تصمیم بگیرد تا چه اندازه می‌بایست پیش برود.

فارس هدف قرار گرفتند.

● سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد، این عملیات در پاسخ به حملات موشکی ناموفق علیه نیروهای آمریکایی انجام شده و ده‌ها هدف از جمله مراکز فرماندهی، سایت‌های موشکی و پهپادی و توانمندی‌های دریایی را شامل شده است.

● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با اشاره به دولت‌های متحد آمریکا هشدار داد: «کشورهایی که در کمک به متجاوز دخالت دارند، اگر رفتار خود را اصلاح نکنند، پاسخ سختی دریافت خواهند کرد.»

پس از یک وقفه کوتاه، موج دوم حملات آمریکا به تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی از بامداد پنجشنبه هشتم مرداد ۱۴۰۵ آغاز شد. این حملات در واکنش به موشک‌پرانی رژیم ایران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و تهدید کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز صورت گرفت.

در این حملات، مراکز مختلفی از جمله در تبریز، بندرعباس، کیش، قشم، ابوموسی، سیریک، اهواز، بوشهر، آبادان، کازرون، شادگان، جم، دشتی، اروندکنار و نورآباد فارس هدف قرار گرفتند.

سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد که این عملیات در پاسخ به حملات موشکی ناموفق علیه نیروهای آمریکایی انجام شده

عاصم منیر برای میانجیگری توافق میان ایران و عربستان سعودی، ادامه فعالیت یک سرمایه‌گذاری مشترک با وحیدی را به‌عنوان اهرم مطرح کرد. شرکتی که از اواخر سال گذشته، بی‌سر و صدا نفت ایران را به پاکستان منتقل می‌کند.

این شرکت که با هر دو فرمانده نظامی ارتباط دارد، سودهای کلانی به‌ویژه در دوران محاصره جاری بنادر ایران از سوی ایالات متحده، نصیب آنها کرده است.

پس از بیش از سه ماه که هیچ حمله منتسب به ایران علیه عربستان سعودی صورت نگرفته بود، تهران در پایان هفته گذشته، موشکی به سوی این کشور حاشیه خلیج فارس شلیک کرد.



به گفته دیپلمات خاورمیانه‌ای، پس از این حمله، منیر به وحیدی هشدار داد که چنین رفتاری می‌تواند ادامه فعالیت سرمایه‌گذاری مشترک آنها را به‌خطر بیندازد. از آن زمان تاکنون موشک دیگری به‌سوی عربستان سعودی شلیک نشده است.

مقام اطلاعاتی خاورمیانه در توضیح انگیزه عاصم منیر برای میانجیگری این توافق گفت: «پاکستان در پی تقویت روابط خود با عربستان سعودی است، به‌ویژه اگر این کار به گونه‌ای انجام شود که ریاض بیش از پیش به اسلام‌آباد متکی شود.»

دیپلمات خاورمیانه‌ای از توافقی که با میانجیگری منیر حاصل شده انتقاد کرده و گفته: «این توافق در عمل پرداخت باج مورد مطالبه رژیم ایران از کشورهای منطقه را برای در امان ماندن از حملات در جریان جنگ جاری، مشروعیت بخشیده است.»

وزارت خارجه پاکستان و سفارت عربستان سعودی در واشنگتن به درخواست‌ها برای اظهارنظر درباره این موضوع پاسخ ندادند.

امارات متحده عربی نیز متهم شده است که توافقی مشابه با ایران انجام داده، هرچند ابوظبی گزارش‌های تأیید نشده مبنی بر اینکه در ازای در امان ماندن از حملات ایران، میلیارد‌ها دلار از دارایی‌های مسدود شده را آزاد کرده، به‌شدت رد نموده است.

قطر نیز با اتهامات مشابهی مبنی بر تلاش برای پرداخت پول به ایران به‌منظور جلوگیری از حملات روبرو شده است، اما دوحه نیز این ادعاها را قاطعانه رد کرده است.

منبع: تایمز اسرائیل

نوشته: یعقوب مجید

ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

اعدام در ملاءعام؛ اجرای حکم ابوالفضل سپاهی بادجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴



ابوالفضل سپاهی بادجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی

● ابوالفضل سپاهی بادجانی ۲۳ ساله، و امیرحسین صفری حسین آبادی ۲۸ ساله، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و متهمان پرونده معروف به «میدان علیخانی» اصفهان، بامداد سه شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در میدان «علیخانی» در ملک شهر اصفهان و در ملاءعام اعدام شدند.

● همزمان با اجرای حکم اعدام در سحرگاه امروز، جو امنیتی شدیدی در محل اجرای احکام اعدام برقرار شده بود و تکتیراندازها بر پشت بام ساختمان های اطراف «میدان علیخانی» مستقر شده بودند.

● در ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی شهروندان حاضر در محل، در حالیکه از بلندگوها اذان صبح پخش می شود، شعار «بی شرف بی شرف» سر می دهند.

● گزارش های نیز از درگیری بین مردم با یگان ویژه در این محل و اختلال در اینترنت شهر اصفهان در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. برخی منابع حقوق بشری از بازداشت تعدادی از شهروندان در جریان اعتراضات بامداد سه شنبه در محل اجرای احکام اعدام خبر داده اند.

حکم اعدام ابوالفضل سپاهی بادجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، بامداد سه شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در میدان علیخانی اصفهان و در ملاءعام اجرا شد.

ابوالفضل سپاهی بادجانی ۲۳ ساله، و امیرحسین صفری حسین آبادی ۲۸ ساله، از بازداشت شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و متهمان پرونده معروف به «میدان علیخانی» اصفهان، بامداد سه شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در میدان «علیخانی» در ملک شهر اصفهان و در ملاءعام اعدام شدند.

همزمان با اجرای حکم اعدام در سحرگاه امروز، جو امنیتی شدیدی در محل اجرای احکام اعدام برقرار شده بود و تکتیراندازها بر پشت بام ساختمان های اطراف «میدان علیخانی» مستقر شده بودند.

در ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی شهروندان حاضر در محل، در حالیکه از بلندگوها اذان صبح پخش می شد، شعار «بی شرف بی شرف» سر می دادند. در ویدئوهای دیگری مأموران حکومتی با موتور و اتومبیل از میان جمعیت عبور و ایجاد وحشت می کنند.

گزارش های نیز از درگیری بین مردم با یگان ویژه در این محل و اختلال در اینترنت شهر اصفهان در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. برخی منابع حقوق بشری از بازداشت تعدادی از شهروندان در جریان اعتراضات بامداد سه شنبه در محل اعدام این دو شهروند خبر داده اند.

داربست فلزی برای اجرای اعدام در ملاءعام این شهروندان روز دوشنبه پنجم مرداد در میدان علیخانی اصفهان برپا شده بود و همزمان شهروندان در شبکه های اجتماعی هشدار داده بودند که احتمالاً قرار است در این میدان اعدام در ملاءعام اجرا شود.

واکنش ها به اعدام در ملاءعام ابوالفضل سپاهی بادجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی و درگیری مردم با مأموران حکومتی ادامه دارد. یک کاربر در شبکه «ایکس» نوشته «این ها آمدند در ملا عام اعدام کنند، اما مردم اصفهان برای قاشا نرفتند، بلکه برای نجات بچه ها رفتند و خودشان هم سرکوب شدند. این نشان می دهد کشور ما توسط

عده ای تروریست ضد ایرانی اشغال شده.»

کاربر دیگری هم نوشته «اینکه بعد از قتل عام بزرگ جمهوری اسلامی، دیشب مردم شجاع و دلیر اصفهان ریختند توی خیابان و باز هم جلوی این حکومت ایستادند، بزرگترین دهن کجی به جمهوری اسلامی بود.»

ساعتی پیش مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، اعلام کرد گروهی از کارشناسان این سازمان از جمهوری اسلامی خواسته بودند احکام اعدام ۱۰ مرد جوانی باقی مانده از متهمان این «پرونده» در اصفهان را فوراً لغو کند. جمهوری اسلامی ۲۸ تیر عرفان اسفندیاری و گل محمد محمدی، دو متهم دیگر پرونده «میدان علیخانی» را اعدام کرده بود.

دفتر شاهزاده رضا پهلوی ساعتی پیش از اجرای حکم اعدام ابوالفضل سپاهی بادجانی و امیرحسین صفری حسین آبادی با باز نشر ویدئوی آماده سازی میدان علیخانی اصفهان برای اجرای اعدام در ملاءعام، درباره در خطر بودن جان محکومان به اعدام در پرونده «میدان علیخانی» هشدار داد و خواستار اقدام فوری جهانی برای جلوگیری از این اعدام ها شد.

دفتر شاهزاده رضا پهلوی هفته گذشته نیز با صدور بیانیه ای ضمن هشدار درباره خطر اعدام قریب الوقوع ۱۲ شهروند معترض پرونده «میدان علیخانی» نوشت: «از نهادهای بین المللی حقوق بشر و مقامات کشورهای دموکراتیک جهان می خواهیم با بهره گیری از تمامی ظرفیت های حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک خود، برای جلوگیری از اجرای این احکام ظالمانه و قرون وسطایی فوراً اقدام کنند و جمهوری اسلامی را نسبت به پیامدهای چنین جنایتی پاسخگو کنند.»

در این بیانیه آمده بود «از همه هم میهنان، فعالان حقوق بشر، چهره های سیاسی و مدنی و تمامی وجدان های بیدار در سراسر جهان نیز می خواهیم با رساندن صدای این زندانیان سیاسی به افکار عمومی، برای نجات جان این

فرزندان شجاع ایران تلاش کنند.»

این بیانیه تأکید کرده بود که «هشدار می دهیم که اجرای این احکام غیرقانونی و ناعادلانه، نقض آشکار بنیادی ترین اصول حقوق بشر است. آمران و عاملان این قتل های حکومتی در ایران آزاد فردا، در برابر دادگاهی عادلانه و بر پایه حاکمیت قانون پاسخگو خواهند بود.»

پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان این اعتراضات چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام های حسین رضانی، محمد همتی، سیدعلی خوشوی و ولی الله صفری کشته شدند.

پس از این حادثه، ۵۹ نفر بازداشت و برای آن ها پرونده ای مشترک، معروف به پرونده «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پرونده، ۲۳ نفر با وجود تیره از برخی اتهام ها، همچنان به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شده اند.

در این میان ۱۲ شهروند به اعدام محکوم شدند و هفته گذشته احکام این زندانیان پس از تأیید در دیوان عالی کشور به اجرای احکام دادگاه انقلاب اصفهان ارسال شد.

در پرونده «میدان علیخانی» علیرضا سپاهی (متولد ۱۳۸۰) به چهار بار اعدام، ابوالفضل سپاهی (متولد ۱۳۸۲) به سه بار اعدام، علیرضا رئیسی (متولد ۱۳۸۳)، قائم حسینی (متولد ۱۳۸۴) و گل محمد محمدی (متولد ۱۳۸۱)، شهروند افغانستان، هر کدام به دو بار اعدام محکوم شدند.

همچنین امیرحسین صفری (متولد ۱۳۷۷)، امیرحسین ملکی (متولد ۱۳۸۵)، علی دشتی (متولد ۱۳۸۵)، امیرحسین ابراهیمی انالوجه (متولد ۱۳۸۵)، شروین باقریان (متولد ۱۳۸۶)، عرفان اسفندیاری (متولد ۱۳۸۶) و ابوالفضل ابراهیمی (متولد ۱۳۸۶) هر یک به یک بار اعدام محکوم شدند.

تشکیل ۵۹ پرونده علیه «تراستی»ها در قوه قضاییه؛ خزانه خالی یا تسویه حساب‌های بین‌جناحی؟



تحریریه‌ها، تعریف روشن و مدونی در قوانین و مقررات رسمی درباره «تراستی»ها در نظر گرفته نشده است. مهم‌تر آنکه حتی مشخص نیست متولی سازماندهی و نظارت بر فعالیت «تراستی»ها کدام نهاد است.

اگرچه تصور بر اینست که وزارت نفت نهاد اصلی فرآیندهای مرتبط با «تراستی»ها است اما محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، پیشتر گفته وظیفه وزارت نفت صرفاً در حوزه فروش نفت، بازاریابی و مذاکره با مشتریان تعریف می‌شود و نحوه وصول ارز و حساب‌هایی که وجوه باید به آنها واریز شود، از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود.

با توجه به سخنان محسن پاک‌نژاد، وزارت نفت در مدیریت مالی و ارزی تراستی‌ها نقشی ندارد و مسئولیت این بخش برعهده بانک مرکزی است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بخشی از سخنانش در صداوسیما گفت که تراستی‌ها مورد اعتماد «دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی، شمام (شورای عالی امنیت ملی) و بانک‌ها» هستند.

اکنون به گفته علی صالحی دادستان عمومی و انقلاب تهران تاکنون ۵۹ پرونده برای مدیران شرکت‌های معروف به «تراستی» که ارز ناشی از صادرات کالای تحریمی را به کشور بازنگردانده‌اند تشکیل شده است. دادستان تهران همچنین گفته ۲۲ نفر از متهمان این پرونده‌ها به زندان معرفی شده‌اند و برای ۱۵ نفر از آنان اعلان قرمز (اخطار بین‌المللی پلیس اینترپل) صادر و در حال پیگیری است.

اینهمه در حالیست که مفاسد مختلف اقتصادی در جمهوری اسلامی، که بسیار هم پرشمار هستند، در سالهای گذشته به ابزاری برای تسویه حساب جناح‌ها و جریان‌ها و حکومتی تبدیل شده است. اکنون باید دید آیا افشاگری و ادعای برخورد قضایی با «تراستی»ها نیز بخشی از جنگ قدرت بین‌جناحی در جمهوری اسلامی است یا کفگیر نظام به ته دیگ خورده که با برخورد قضایی با شبکه مافیاهای دوزخ‌زنده تحریم به دنبال افزایش منابع ارزی در خزانه حکومت است؟

یورو تعهد رفع‌نشده، به اتهام اخلاف در نظام اقتصادی به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.

او همچنین گفته «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه کشور را برنگرداند و از کشور هم خارج شد».

تراستی (Trustee) یا متصدی امانت یک اصطلاح حقوقی است که معمولاً به کسی که در موقعیت امانت قرار دارد گفته می‌شود و بنابراین می‌تواند به هر فردی که دارایی، اختیار یا موقعیت امانت یا مسئولیتی را به نفع دیگری در اختیار دارد، اطلاق شود. این افراد مجاز به انجام وظایف خاصی هستند اما قادر به کسب درآمد نیستند.

در ایران تراستی‌ها بعنوان افرادی شناخته می‌شوند که طی سالهای گذشته برای فروش نفت و انجام نقل و انتقالات ارزی با هدف دور زدن تحریریه‌ها و پولشویی فعالیت داشته‌اند.

خبرگزاری «مهر» در گزارشی درباره نقش «تراستی»ها در اقتصاد ایران و دور زدن تحریریه‌ها نوشته فعالیت این شبکه‌ها عمدتاً در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، ترکیه و عمان متمرکز بوده است؛ کشورهایی که به دلیل موقعیت تجاری و دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، امکان ایفای نقش واسطه را بیشتر از دیگران فراهم کرده‌اند. در واقع، تراستی‌ها پاسخی عملی به محدودیت‌هایی بودند که کانال‌های رسمی بانکی ایران را با اختلال یا انسداد مواجه کرده بود.

خبرگزاری «مهر» افزوده تراستی‌ها همواره در معرض انتقادهای جدی قرار داشته‌اند: «مهم‌ترین این انتقادات به نبود شفافیت، هزینه‌های پنهان، دشواری ردیابی منابع و مصارف ارزی و در برخی موارد، بازنگشت کامل ارز حاصل از صادرات مربوط می‌شود. به همین دلیل، این سازوکار از یک‌سو به عنوان ابزار بقا در اقتصاد تحریمی شناخته می‌شود و از سوی دیگر، به عنوان یکی از گره‌گاه‌های ابهام در حکمرانی ارزی کشور مورد توجه قرار دارد».

در ساختار فاسد و رانتی جمهوری اسلامی همچنان با گذشت حدود دو دهه از فعالیت شبکه‌هایی برای دور زدن

ذبیح‌الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزوده «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند؛ ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی داشتند».

دادستان تهران گفته تاکنون ۵۹ پرونده برای مدیران شرکت‌های معروف به «تراستی» تشکیل شده؛ ۲۲ نفر از متهمان این پرونده‌ها به زندان معرفی شده‌اند و برای ۱۵ نفر از آنان اعلان قرمز (اخطار بین‌المللی پلیس اینترپل) صادر و در حال پیگیری است.

تراستی (Trustee) یا متصدی امانت یک اصطلاح حقوقی است که معمولاً به کسی که در موقعیت امانت قرار دارد گفته می‌شود. در ایران تراستی‌ها افرادی هستند که طی سالهای گذشته برای فروش نفت و انجام نقل و انتقالات ارزی با هدف دور زدن تحریریه‌ها و پولشویی فعالیت داشته‌اند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته که تراستی‌ها مورد اعتماد «دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی، شمام (شورای عالی امنیت ملی) و بانک‌ها» هستند.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اجرای یک کارزار قضایی برای تعیین تکلیف ارزهای بازنگشته به کشور، تا کنون ۵۹ پرونده علیه «تراستی»ها تشکیل داده است. تنها در یک پرونده افشا شده یکی از واسطه‌های فروش نفت تحریمی ایران که به «تراستی» معروف هستند ۲۰۰ میلیون دلار ارز حاصل از فروش نفت ایران را به کشور بازنگردانده است.

ذبیح‌الله خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حضور در یکی از برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی دستور غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه برای پیگیری پرونده‌های ارزی توسط هیئتی ویژه خبر داد.

او گفت «فروش نفت، بازگشت ارز حاصل از آن، ارزهای صادراتی و وارداتی و همچنین عملکرد برخی کارگزاران بانکی و غیربانکی، شفافیت لازم وجود ندارد. همچنین برخی بدهکاران بانکی نیز در موعد مقرر نسبت به ایفای تعهدات خود اقدام نکرده‌اند».

ذبیح‌الله خدائیان گفته بر اساس اطلاعات دریافتی از بانک مرکزی، ۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی دارای تعهدات ارزی ایفا نشده بودند که مجموع تعهدات رفع‌نشده آنان حدود ۹۴ میلیارد یورو برآورد شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور افزوده «این افراد در سه گروه دسته‌بندی شدند؛ ۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده، ۲ هزار و ۸۲۷ شخص دارای تعهد بین ۳ تا ۵۰ میلیون یورو و ۱۷ هزار و ۶۲۴ شخص نیز کمتر از ۳ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی داشتند».

او همچنین از وجود «۲۲۵ شخص دارای بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد رفع‌نشده ارزی» خبر داده و گفته «۲۱۹ شخص حقیقی، حقوقی و شبه‌دولتی با مجموع حدود ۲۳/۵ میلیارد

علت آلودگی تابستانی هوای تهران مشخص شد

برای کاهش جذب گرمای خورشید»، «حفظ کریدورهای باد و باز نگه داشتن مسیرهای طبیعی جریان هوا در طراحی‌های شهری» را نیز ارائه کرده‌اند. این پژوهش همچنین تأکید کرده افزایش تعداد ایستگاه‌های زمینی سنجش آلاینده‌ها و پایش مداوم سایر ترکیبات شیمیایی نیز می‌تواند ابزار دقیق‌تری را برای مدیریت بحران آلودگی هوا در اختیار برنامه‌ریزان شهری قرار دهد.

سالمات افزایش غیرعادی دمای تهران و افزایش سطح آلودگی هوا طی فصل تابستان در پایتخت مورد بحث کارشناسان بوده است. یکی از مهمترین دلایل افزایش آلودگی هوا در کلانشهرهای ایران حمل‌ونقل اتومبیل‌ها و موتورسیکلت‌ها است که در فصل پاییز و زمستان و در طول سال تحصیلی حجم حمل‌ونقل در خیابان‌ها بیشتر از

می‌ماند که نشان‌دهنده ماندگاری این هوای سمی در محیط است.

یافته‌های این پژوهش مهم علمی نشان می‌دهد توزیع این گاز سمی در سطح تهران یکنواخت نیست. بر اساس نتایج این پژوهش بالاترین غلظت گاز ازن و بیشترین گرمای شبانه سطح زمین (با میانگین ۱۶ درجه) به طور مداوم در مناطق مرکزی، شمالی و شرقی تهران (از جمله مناطق ۳، ۸ و ۱۵) ثبت می‌شود.

در مناطق شمالی شهر، با وجود پوشش گیاهی بیشتر، گیاهان در روزهای داغ ترکیباتی آزاد می‌کنند که در ترکیب با دود سنگین ترافیک، به تولید بیشتر ازن منجر می‌شود. از سوی دیگر، دیواره کوه‌های البرز و وجود خیابان‌های محصور میان برج‌های بلند، مانع از جریان طبیعی هوا شده و این گاز سمی را در این مناطق به

● یافته‌های یک پژوهش ۱۰ ساله که توسط دو پژوهشگر جوان در دانشگاه تهران انجام شده نشان می‌دهد که داغ شدن آسفالت‌ها، ساختمان‌ها و ایجاد جزایر حرارتی در پایتخت، غلظت گاز سمی و خطرناک «ازن» را در تابستان به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد.

● طبق یافته‌های این پژوهش، با افزایش دمای سطح زمین از زیر ۱۵/۹ درجه به بالای ۳۹/۱ درجه سانتی‌گراد، میزان ازن روزانه بیش از دو برابر شده و از ۱۰/۳ به ۲۱/۴ ppb می‌رسد. این وضعیت حتی در طول شب نیز ادامه دارد.

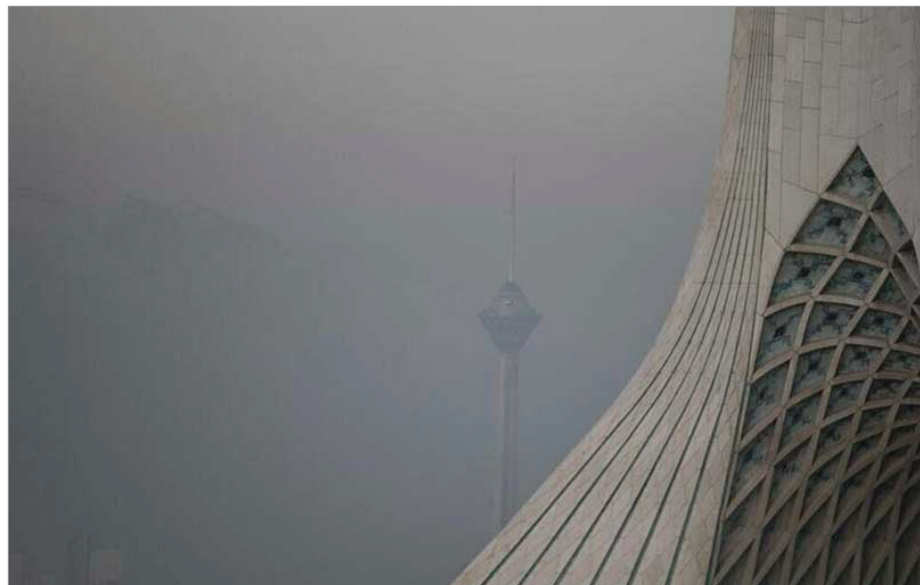
● در مناطق شمالی شهر، با وجود پوشش گیاهی بیشتر، گیاهان در روزهای داغ ترکیباتی آزاد می‌کنند که در ترکیب با دود سنگین ترافیک، به تولید بیشتر ازن منجر می‌شود. از سوی دیگر، دیواره کوه‌های البرز و وجود خیابان‌های محصور میان برج‌های بلند، مانع از جریان طبیعی هوا شده و این گاز سمی را در این مناطق به تله می‌اندازند.

● «استفاده از سقف‌های سبز (پشت‌بام‌های پوشیده از گیاه)»، «بکارگیری مصالح نوین با ضریب بازتاب حرارتی بالا (برای کاهش جذب گرمای خورشید)»، «حفظ کریدورهای باد و باز نگه داشتن مسیرهای طبیعی جریان هوا در طراحی‌های شهری» از جمله راهکارهای این پژوهشگران برای حل بحران آلودگی هوای تهران است.

در حالیکه سالمات آلودگی شدید هوا در تابستان‌های تهران مورد بحث کارشناسان بوده است، یافته‌های یک پژوهش ۱۰ ساله که توسط دو پژوهشگر جوان در دانشگاه تهران انجام شده نشان می‌دهد که داغ شدن آسفالت‌ها، ساختمان‌ها و ایجاد جزایر حرارتی در پایتخت، غلظت گاز سمی و خطرناک «ازن» را در تابستان به بیش از دو برابر افزایش می‌دهد.

آرام نخجیری و امین‌اله کاکرودی از گروه سنجش از دور و GIS دانشگاه تهران، در یک مطالعه ۱۰ ساله (از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳)، ارتباط میان دمای سطح زمین و تولید این آلاینده خطرناک در تهران را بررسی کرده‌اند. این پژوهشگران با تلفیق داده‌های ساعتی ۲۰ ایستگاه پایش کیفیت هوا و تصاویر ماهواره‌ای دریافتند که با افزایش دمای زمین، سرعت تولید گاز ازن به شدت افزایش می‌یابد.

طبق یافته‌های این پژوهش، با افزایش دمای سطح زمین از زیر ۱۵/۹ درجه به بالای ۳۹/۱ درجه سانتی‌گراد، میزان ازن روزانه بیش از دو برابر شده و از ۱۰/۳ به ۲۱/۴ ppb می‌رسد. این وضعیت حتی در طول شب نیز ادامه دارد؛ به طوری که در شب‌های گرم با دمای بالای ۲۳/۵ درجه، غلظت ازن همچنان بالای ۱۰ ppb باقی



تابستان است.

از سوی دیگر کمبود گاز سبب شده که در فصل سرما نیروگاه‌های تولید برق از سوخت‌هایی چون مازوت استفاده کنند که سبب تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها می‌شود. در پایتخت اما در تابستان نیز -با وجود عدم استفاده از سوخت‌هایی با آلاینده‌ها بالا در نیروگاه‌ها و کاهش حمل‌ونقل شهری- آلودگی هوا قابل توجه بوده است. رازی که اکنون نتایج پژوهش آرام نخجیری و امین‌اله کاکرودی آن را فاش کرده است.

در همین رابطه احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی هفته جاری اعلام کرد «میانگین دمای تهران نسبت به سال قبل مقداری بالاتر است ولی میانگین کشوری از سال گذشته حدود ۰/۵ درجه خنک‌تر بوده است.»

هوای تهران از ابتدای بهار با کیفیت قابل قبولی روبرو بود اما از ابتدای تیرماه آلودگی هوا در پایتخت افزایش یافت. بر اساس اطلاعات شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، طی تیرماه سال گذشته تهران هشت روز هوای قابل قبول، ۱۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس، سه روز هوای ناسالم برای همه، یک روز هوای بسیار ناسالم و دو روز هوای خطرناک را به خود دید.

آلاینده شاخص هوا طی این ماه ذرات معلق کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون بود که ۱۹ روز هوای پایتخت را آلوده کرد البته ازن نیز ۱۴ روز و ذرات معلق کوچک‌تر از ۱۰ میکرون ۱۲ روز فراتر از شرایط قابل قبول رفت.

تله می‌اندازند.

در مقابل، مناطق غربی و جنوب‌غربی پایتخت (مانند مناطق ۲۱ و ۲۲) با وجود تجربه دمای بسیار بالا در طول روز (تا ۳۸ درجه سانتی‌گراد) به دلیل اراضی بایر و پهنه‌های آسفالتی، به علت تراکم ساختمانی کمتر و قرارگیری در مسیر بادهای غالب غرب به شرق، ماندگاری آلاینده کمتری دارند. این بادهای آلاینده‌ها و پیش‌سازهای تولید ازن را از غرب جمع‌آوری کرده و به سمت مناطق مرکزی و شرقی تهران هدایت می‌کنند.

یافته‌های بررسی‌های ۱۰ ساله این دو پژوهشگر نشان می‌دهد «دمای سطح زمین» و «میزان غلظت ازن در تهران» روندی افزایشی را طی می‌کند و عامل این مسیر فزاینده «توسعه بی‌رویه و غیراصولی شهری و تغییرات اقلیمی» است.

این پژوهش نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ و با آغاز پاندمی کرونا به دلیل قرنطینه و کاهش تردد‌های درون‌شهری، با افت دمای سطح زمین (به حدود ۳۳/۳ درجه در روز) و کاهش محسوس ازن همراه بود. اما با پایان این دوره و بازگشت ترافیک در سال ۲۰۲۱، غلظت روزانه ازن به اوج تاریخی خود یعنی میانگین ۱۹/۳۲ ppb رسید.

پژوهشگران برای کنترل این کوره سمی شهری، بر لزوم تغییر در الگوهای ساخت‌وساز تأکید دارند. آنها راهکارهایی مانند «استفاده از سقف‌های سبز (پشت‌بام‌های پوشیده از گیاه)»، «بکارگیری مصالح نوین با ضریب بازتاب بالا

همسر و فرزندان که همگی بازداشت می‌شوند. موضوع مهم اینجاست که همسر این آقا، خود یکی از مقامات عالی‌رتبه شهر است.»

فعالان و تشکلهای صنفی آموزگاران نیز طی ماههای گذشته بارها به سرکوب سازمانیافته آموزگاران در شهرهای مختلف اعتراض کرده‌اند. در یکی از آخرین واکنشها کانون صنفی فرهنگیان گیلان با صدور بیانیه‌ای تبعید ابرج توبه‌ای‌ها و تداوم بازداشت رضا امانی‌فر، دو آموزگار ساکن استان گیلان، را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده «در شرایطی که تبعات سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی، فشارهای ناشی از جنگ و تحریم و فساد ساختاری، خیل عظیمی از هم‌میهنان، کارگران و مزدبگیران و حتی بخش بزرگی از قشر متوسط جامعه را به زیر خط فقر کشانده، آیا دور از انتظار است که علی‌رغم تمام

به‌شدت دشوار کرده است.

این گزارش افزوده معلمان بازداشت‌شده برای مدت‌های طولانی در بازداشت خودسرانه، بدون دسترسی به وکیل و ارتباط با دنیای خارج و در سلول‌های انفرادی نگهداری شده‌اند. همچنین تأکید شده آموزگاران با اتهام‌های مبهم امنیتی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و احکام صادرشده علیه آنها شامل حبس‌های طولانی‌مدت، شلاق و تبعید داخلی بوده است.

کمپین حقوق بشر ایران همچنین از یونسکو، سازمان بین‌المللی کار و دیگر نهادهای بین‌المللی خواست برای توقف سرکوب معلمان در ایران اقدام کنند.

این نهاد حقوق بشری همچنین نوشته گزارشگران موضوعی سازمان ملل، از جمله گزارشگران ویژه در زمینه‌های شکنجه، حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز

سرکوب سازمانیافته آموزگاران؛ دست‌کم ۶۰ آموزگار پس از اعتراضات دی‌ماه بازداشت یا محکوم شده‌اند

● کمپین حقوق بشر ایران گزارش داده در پی اعتراض‌های گسترده و خونین دی ۱۴۰۴ و سرکوب مرگبار معترضان در شهرها و مناطق مختلف کشور، جمهوری اسلامی کارزاری سازمان‌یافته را برای سرکوب معلمان، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های مدنی ایران، به راه انداخته است.

● در گزارش کمپین حقوق بشر ایران آمده معلمان بازداشت‌شده برای مدت‌های طولانی در بازداشت خودسرانه، بدون دسترسی به وکیل و ارتباط با دنیای خارج و در سلول‌های انفرادی نگهداری شده‌اند.

● همچنین تأکید شده آموزگاران با اتهام‌های مبهم امنیتی تحت پیگرد قرار گرفته‌اند و احکام صادرشده علیه آنها شامل حبس‌های طولانی‌مدت، شلاق و تبعید داخلی بوده است.

کمپین حقوق بشر ایران در گزارشی اعلام کرد جمهوری اسلامی پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، دست‌کم ۶۰ آموزگار را بازداشت، زندانی یا با احکام قضایی روبرو کرده است. این نهاد از سازمان‌های بین‌المللی خواست برای پیگیری وضعیت معلمان بازداشت‌شده و افزایش فشار بر جمهوری اسلامی، اقدام کنند.

کمپین حقوق بشر ایران گزارش داده در پی اعتراض‌های گسترده و خونین دی ۱۴۰۴ و سرکوب مرگبار معترضان در شهرها و مناطق مختلف کشور، جمهوری اسلامی کارزاری سازمان‌یافته را برای سرکوب معلمان، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های مدنی ایران، به راه انداخته است.

این گزارش افزوده مقامات امنیتی و قضایی، در چارچوب کارزار گسترده‌تر جمهوری اسلامی برای سرکوب هرگونه صدای مخالف، معلمان و فعالان تشکلهای صنفی فرهنگی را به‌طور خودسرانه بازداشت، ناپدیدسازی قهری و با اتهام‌های واهی تحت پیگرد قضایی قرار داده‌اند. بسیاری از آنان برای مدت‌های طولانی در سلول انفرادی نگهداری شده و از دسترسی به وکیل، ارتباط با دنیای خارج و خدمات درمانی محروم بوده‌اند؛ اقداماتی که با هدف ارباب معلمان و خاموش کردن فعالیت‌های مستقل صنفی صورت گرفته است. بررسی‌های کمپین حقوق بشر ایران نشان می‌دهد که پس از اعتراضات دی ۱۴۰۴ ۱ ششم امرداد ۱۴۰۵ دست‌کم ۶۰ آموزگار در ایران بازداشت، زندانی و یا با احکام قضایی روبرو شده‌اند. با این حال، تعداد واقعی بازداشت‌شدگان به‌طور قطع بسیار بیشتر است؛ به‌ویژه در مورد معلمانی که در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ بازداشت شدند اما پرونده‌های آنان هرگز علنی نشد، همچنین در شهرهای کوچک بسیاری از بازداشت‌ها هرگز گزارش نشده‌اند. افزون بر این، قطع بی‌سابقه اینترنت در سراسر کشور به مدت ۸۸ روز نیز مستندسازی سرکوب خشونت‌بار حکومت را



و محدودیت‌هایی که با توجیهات گوناگون و در واقع به شکلی غیرمنطقی و غیرقانونی اعمال می‌شود، کسانی طاقشان طاقت شود و اعتراضشان را به وضع موجود، آن هم در چارچوب قانون اساسی و قوانین برگرفته از آن نشان دهند؟» در بخشی از این بیانیه آمده «ابرج توبه‌ای‌ها نجف‌آبادی، معلم پیش‌کسوت، پس از سپری کردن دو سال و یک ماه حبس، در تاریخ ۲۸ تیرماه محکوم شده است تا از خانه و همسر و فرزندان و دوستانش دور شود و به تبعید در روستای ده‌سلم از توابع شهرستان نهبندان در دل کویر فرستاده شود.»

این بیانیه افزوده «دکتر عبدالرضا امانی‌فر، دبیرکل کانون صنفی معلمان استان بوشهر و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اکنون بر سه ماه هست که با داشتن بیماری مزمن کلیوی در بازداشت موقت به سر می‌برد. این محدودیت در شرایطی در مورد ایشان اعمال می‌شود که دسترسی به درمان مناسب از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی است.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز روز گذشته گزارش داده بهرام یعقوبی، عضو کانون صنفی فرهنگیان استان آذربایجان شرقی در پی پرونده‌ای که از سال ۱۴۰۳ با اتهام «تبلیغ علیه نظام» به دلیل فعالیت در شبکه‌های مجازی علیه او تشکیل شده بود، از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب به هشت ماه حبس تعزیری محکوم شده است. بر اساس این حکم، مجازات حبس به پرداخت جزای نقدی به مبلغ شصت میلیون ریال تبدیل شده است.

و تشکلیابی، و حق آموزش، همراه با گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران و گروه کاری بازداشت‌های خودسرانه، باید با بهره‌گیری از سازوکارهای خود، از جمله مکاتبات رسمی و درخواست اقدام فوری، وضعیت معلمان بازداشت‌شده در ایران را پیگیری، خواستار آزادی فوری آنان شوند و مقام‌های جمهوری اسلامی را نسبت به نقض حقوق معلمان پاسخگو کنند.

همچنین یک فرد آگاه از وضعیت تعدادی از معلمان و فرهنگیان بازداشت‌شده در شهر اراک (استان مرکزی) به کمپین حقوق بشر ایران گفت: «در شهر کوچکی مثل اراک تعدادی از فرهنگیان و معلمان بازداشت شدند اما خب اسامی تعداد محدودی رسانه‌ای شد. یکی از معلمانی که بازداشت شده بود با اتهام محاربه روبرو بود که در نهایت از این اتهام تبرئه شد و پس از چند ماه با وثیقه آزاد شد. او همان روزهای ۱۸- ۱۹ در منزل شخصی بازداشت شد. یکی دیگر از معلمان خوشنام شهر نیز فروردین ماه، یعنی در میانه جنگ، پس از پورش ماموران به محل سکونتش بازداشت شد که به تازگی با قید وثیقه آزاد شد.»

به گفته این منبع مطلع «یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات شهر اراک، معلم و همزمان معاون مهم‌ترین و معروف‌ترین دبیرستان شهر بود. دبیرستانی که بام آن محل استقرار نیروهای مسلح و شلیک به سمت معترضان در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی بود. این دبیرستان مشرف به یکی از خیابان‌های اصلی شهر است که جمعیت زیادی برای اعتراض به آنجا آمده بودند از جمله همین آقای معاون به همراه

هواپیمای هدیه‌ی قطر و نگرانی‌های امنیتی آمریکا



«ایرفورس وان» قدیمی به رنگ آبی و سفید و هواپیمای هدیه قطری‌ها به رنگ سفید و سیاه

کنند. البته این احضار با تصمیم و اعلام عدم اقدام وزارت دادگستری ایالات متحده، لغو و پس گرفته شد.

در حال حاضر تصمیم بر این شده دونالد ترامپ برای مدتی از هواپیمای تازه استفاده نکند و در همین رابطه کارولین لیویت سخنگوی کاخ سفید نیز اعلام کرد: کیفیت امنیتی این هواپیما تا پائیز ارتقاء خواهد یافت.

کل این ماجرا پرسش‌هایی را درباره‌ی سرعت تبدیل هواپیمای اهدایی قطر به هواپیمای ریاست جمهوری و اولویت‌دادن به ظاهر لوکس آن نسبت به سیستم‌های کامل دفاعی مطرح کرده است. منتقدان اعتقاد دارند، عجله در آماده ساختن این هواپیما، هزینه‌ها را افزایش داده و ارتقای امنیتی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در همین زمینه «گاردین» نیز گزارش داده، دونالد ترامپ در بازگشت از ترکیه، ابتدا با هواپیمای قدیمی به بریتانیا پرواز کرد و سپس دوباره با هواپیمای جدید به آمریکا بازگشت. این گزارش نیز تأیید می‌کند، تهدید از سوی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی جدی ارزیابی شده و سرویس مخفی را وادار به توصیه‌ی تغییر هواپیما کرده است.

دونالد ترامپ هم از طولانی شدن پروژه‌ی ساخت دو فروند بوئینگ جدید ناراضی بود و هم دو «ایرفورس وان» قدیمی را در مقایسه با جت‌های لوکس رهبران کشورهای عربی، کهنه و نامناسب می‌دانست. به این ترتیب، قطر یک فروند بوئینگ ۷۴۷ لوکس به ارزش چهارصد میلیون دلار به دولت آمریکا هدیه داد؛ یکی از گران‌ترین هدایایی که تا کنون توسط دولت‌های آمریکا پذیرفته شده است. این هواپیما پیشتر متعلق به خانواده‌ی سلطنتی قطر بود.

اینهمه در حالیست که «ایرفورس وان» در عمل نمادی از امنیت ملی و توانایی فرماندهی آمریکا در شرایط بحرانی است و هر نقصی در این هواپیما می‌تواند امنیت رئیس جمهور ایالات متحده و همراهانش را در معرض خطر قرار دهد. حال آنکه هواپیمای هدیه‌ی قطر هنوز به سطح آمادگی و امنیت کامل مانند «ایرفورس وان»‌های قبلی نرسیده و در حال ارتقاء توسط خود آمریکاست.

فضایی برای مقامات، محافظان و خبرنگاران تعبیه شده و به عنوان مرکز فرماندهی متحرک نیز عمل می‌کند. سیستم‌های امنیتی پیشرفته‌ی پیدا و پنهان نیز از رئیس جمهور در برابر عملیات جاسوسی و حملات احتمالی محافظت می‌کنند. بر اساس یک گزارش ویژه که نیویورک تایمز منتشر کرده، دونالد ترامپ برای رفتن به نشست ناتو در آنکارا از بوئینگ ۷۴۷-۸ که هدیه‌ی گرانبه‌ای دولت قطر به وی بود استفاده کرد اما در بازگشت به ایالات متحده، سرویس مخفی آمریکا به ترامپ اصرار کرد تا هواپیمایش را عوض کند. این تصمیم صرفاً به دلایل امنیتی و بنا بر یک تهدید واقعی از سوی گروه‌هایی در ارتباط با جمهوری اسلامی گرفته شد.

گفتنی است که هواپیمای هدیه‌ی قطر فاقد سیستم‌های دفاعی پیشرفته مانند تجهیزات ضد موشکی است که در دو هواپیمای «ایرفورس وان» وجود دارد. به همین دلیل، استفاده از این هواپیما در خارج از آمریکا با خطرات احتمالی مواجه است. منابع ناشناس تأکید کرده‌اند، تهدید گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی، مستقیماً متوجه هواپیمای جدید نبوده بلکه، هدف بطور کلی خود رئیس جمهور ایالات متحده بوده است.

نکته‌ی فنی دیگر در خصوص هواپیمای قطری اینست که قابلیت سوختگیری هوایی ندارد در حالی که هواپیماهای «ایرفورس وان» این ویژگی را دارند و زمان طولانی پرواز را ممکن می‌سازند.

هرچند جزئیات تهدید علیه دونالد ترامپ بطور گسترده در دولت آمریکا مطرح نشده و اعضای کنگره نیز از آن مطلع نشده‌اند اما برخی مقامات بر اساس شنیده‌ها گفته‌اند: تغییر هواپیما به عنوان یک اقدام احتیاطی به دلیل وضعیت پرتنش با جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

پیشتر نیویورک تایمز بر اساس منابعی که نخواستند نام‌شان فاش شود گزارش داده بود که سیستم‌های امنیتی هواپیمای جدید کافی نیست و استفاده از آن در خارج از آمریکا خطرناک است. در پی این گزارش، چهار خبرنگار این روزنامه از سوی دونالد ترامپ احضار شدند تا منابع خود را فاش

● در ارتباط با هدیه‌ی لوکس قطری‌ها به رئیس جمهور ایالات متحده، سرویس مخفی آمریکا توصیه کرده بود که از این هواپیما استفاده نشود.

● هواپیمای هدیه‌ی قطر فاقد سیستم‌های دفاعی پیشرفته مانند تجهیزات ضد موشکی است که در دو هواپیمای «ایرفورس وان» وجود دارد. به همین دلیل، استفاده از این هواپیما در خارج از آمریکا با خطرات احتمالی مواجه است.

● در همین زمینه «گاردین» نیز گزارش داده، دونالد ترامپ در بازگشت از ترکیه، ابتدا با هواپیمای قدیمی به بریتانیا پرواز کرد و سپس دوباره با هواپیمای جدید به آمریکا بازگشت. این گزارش نیز تأیید می‌کند، تهدید از سوی نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی جدی ارزیابی شده و سرویس مخفی را وادار به توصیه‌ی تغییر هواپیما کرده است.

در بازگشت از اجلاس ناتو در ترکیه، دونالد ترامپ ناگهان هواپیمای خود را عوض کرد. او که با هواپیمای جدید و لوکس هدیه‌ی قطر به آنکارا رفته بود، برای بازگشت به آمریکا سوار هواپیمای قدیمی آبی-سفید ریاست جمهوری شد.

در ارتباط با هدیه‌ی لوکس قطری‌ها به رئیس جمهور ایالات متحده، سرویس مخفی آمریکا توصیه کرده بود که از این هواپیما استفاده نشود. تصمیم غیرمنتظره ترامپ در بازگشت از آنکارا، باعث شد موضوع امنیت «کاخ سفید در آسمان» در مرکز توجه قرار گیرد.

«ایرفورس وان» درواقع نام هر هواپیمایی است که رؤسای جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا با آن سفر می‌کنند. در عمل، بیش از سه دهه است که دو فروند بوئینگ ۷۴۷ مشابه با شماره دم ۲۸۰۰۰ و ۲۹۰۰۰ پروازهای بالاترین مقام آمریکا را انجام می‌دهند. از این هواپیماها همیشه یکی آماده‌ی پرواز است تا در زمان تعمیر دیگری، سفر رؤسای جمهور با وقفه روبرو نشود.

در این هواپیماها دفتر کار، اتاق کنفرانس، اتاق عملیات و

بررسی طرح خروج اورانیوم غنی شده از ایران توسط آمریکا



این تصویر را نیویورک پست به عنوان یکی از اعضای گروهان بیست و یکم مهمات ارتش آمریکا که وظیفه‌ی ضبط اورانیوم غنی شده در ایران را به عهده خواهد داشت، منتشر کرده است

بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، جمهوری اسلامی در ماه گذشته در تونل‌های منتهی به تأسیسات اصفهان، مین و مواد منفجره کار گذاشته است.

از هدف‌های مطرح شده در این عملیات، تأسیسات کوه کلنگ گزلا در جنوب نطنز است. گزارش‌هایی مبنی بر انتقال صدها سانتریفیوژ به این محل در ماه گذشته، منتشر شده است. ریچارد گلبرگ معتقد است، اگر این عملیات ویژه در داخل کوه کلنگ گزلا صورت گیرد، احتمالاً به این دلیل است که امکان نابود ساختن آن از طریق حملات هوایی وجود ندارد. او این عملیات احتمالی را مشابه دستگیری نیکولاس مادورو در ونزوئلا توصیف کرده که شامل سه فاکتور نفوذ، کارگذاری مواد منفجره و خروج سریع است.

طرح عملیات ضبط و خروج مواد هسته‌ای جمهوری اسلامی از ایران در حالی توسط مقامات آمریکایی به شکل جدی دنبال می‌شود که رئیس جمهور آمریکا در روزهای اخیر با توجه به عدم پیشرفت محسوس در مذاکرات و افزایش اقدامات موشکی جمهوری اسلامی، از نزدیک شدن به تصمیمی برای انجام حملات گسترده خبر داده بود.

دونالد ترامپ با متوقف کردن موقت حملات سنتکام که از دو هفته پیش علیه جمهوری اسلامی آغاز شده بود، تأکید کرده است: «اگر ایالات متحده آمریکا به صد درصد خواسته‌های خود نرسد، حملات گسترده قطعی خواهد بود.»

کرده بود، جمهوری اسلامی بالغ بر ده‌هزار کیلوگرم اورانیوم غنی شده (از چهار تا شصت درصد) در اختیار دارد.

جوزف راجرز در خصوص موفقیت این عملیات اشاره کرده است: «ایجاد حفاظ امن در اطراف تمام سایت‌ها هنگام عملیات ضروری است؛ این عملیات نیازمند نیروهای زمینی برای تأمین امنیت مسیر کاروان به سمت فرودگاه است. خدمه‌های نظامی آمریکا در این مأموریت همزمان با حفاری ورودی سایت‌های تخریب‌شده، باید حملات احتمالی نیروهای جمهوری اسلامی را نیز دفع کنند.»

در همین ارتباط، ریچارد گلدبرگ مدیر مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی دولت اول ترامپ در شورای امنیت، این پرسش را خطاب به طراحان این عملیات مطرح کرده است: «تا چه اندازه می‌توانید با حفظ وضعیت، همه‌ی نیروهای خود را خارج کنید؟»

این عملیات همچنین نیازمند کنترل کامل بر یک کریدور هوایی برای پرواز به محل امن است. این در حالیست که گفته می‌شود جمهوری اسلامی برای حمله‌ی احتمالی به تأسیسات اصفهان در حالت آماده‌باش بسر می‌برد.

گلدبرگ در همین ارتباط می‌گوید: «گزارش‌هایی از تقویت حراست از تأسیسات اصفهان، استفاده از تله‌گذاری‌های انفجاری و مستقرکردن نیروهایی در اطراف آن وجود دارند.» او همچنین اشاره کرده، در چنین شرایطی عنصر غافلگیری معنی ندارد، زیرا اهداف ثابت هستند و جمهوری اسلامی نیز از محل حملات احتمالی آگاه است.

● هدف عملیات ویژه‌ای که آمریکا در حال تدارک آن است، دسترسی و ضبط اورانیوم غنی شده با غلظت بالا است که جمهوری اسلامی آنها را در تأسیسات هسته‌ای ایران نگهداری می‌کند و تا کنون حاضر به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تحویل آنها نشده است.

● بر اساس گزارش نیویورک پست در گفتگو با یک «منبع آگاه» و برنامه‌ریز نظامی، این عملیات فوق پیچیده شامل چند هزار نیروی زمینی برای یورش به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در داخل ایران خواهد بود. آنها باید از تله‌های انفجاری عبور کنند، از خدمه‌ی ساختمانی استفاده کرده و یک نیروی دفاعی بزرگ برای محاصره‌ی سایت‌های هسته‌ای مستقر کنند.

● طبق این گزارش، گروهان بیست و یکم مهمات ارتش، مسئول بررسی و انتقال اورانیوم غنی شده از تأسیسات عمدتاً تخریب‌شده‌ی فردو و همچنین تأسیسات به شدت آسیب‌دیده در اصفهان خواهد بود.

نیروی عملیات ویژه‌ی ایالات متحده آمریکا در حال آماده‌باش برای اجرای عملیاتی است که کارشناسان از آن به عنوان «پیچیده‌ترین عملیات در تاریخ نظامی» نام می‌برند. هدف عملیات ویژه‌ای که آمریکا در حال تدارک آن است، دسترسی و ضبط اورانیوم غنی شده با غلظت بالا است که جمهوری اسلامی آنها را در تأسیسات هسته‌ای ایران نگهداری می‌کند و تا کنون حاضر به همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تحویل آنها نشده است.

جوزف راجرز معاون مدیر مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در همین ارتباط گفته است: «متأسفانه فکر می‌کنم محتمل‌ترین گزینه برای از بین بردن مواد هسته‌ای کنونی در ایران و خلاص شدن از شر آن، عملیات نظامی باشد، زیرا مذاکرات با کندی پیش می‌رود و به نظر نمی‌رسد به جایی برسد.»

بر اساس گزارش نیویورک پست در گفتگو با یک «منبع آگاه» و برنامه‌ریز نظامی، این عملیات فوق پیچیده شامل چند هزار نیروی زمینی برای یورش به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در داخل ایران خواهد بود. آنها باید از تله‌های انفجاری عبور کنند، از خدمه‌ی ساختمانی استفاده کرده و یک نیروی دفاعی بزرگ برای محاصره‌ی سایت‌های هسته‌ای مستقر کنند.

راجرز همچنین تأکید کرده است که این عملیات از نظر لجستیک و تدارکاتی بسیار دشوار و سنگین است، زیرا در دل دشمن و در میدانی تن به تن خواهد بود. او می‌افزاید: «هرچند نیروهای نظامی جمهوری اسلامی آسیب دیده‌اند، اما همچنان پیچیده‌تر از نیروهای کوبایی محافظ مادورو هستند.»

نیویورک پست به نقل از رسانه‌ی هایدساید (The High Side) اضافه کرده است: «گروه‌های احتمالی شرکت‌کننده می‌توانند شامل اسکادران نقره‌ای تیم ششم نیروی دریایی آمریکا، گردان دوم تکاوران و گروهان بیست و یکم مهمات ارتش ایالات متحده باشند.»

طبق این گزارش، گروهان بیست و یکم مهمات ارتش، مسئول بررسی و انتقال اورانیوم غنی شده از تأسیسات عمدتاً تخریب‌شده‌ی فردو و همچنین تأسیسات به شدت آسیب‌دیده در اصفهان خواهد بود.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش سال ۲۰۲۵ اعلام

پیش‌بینی دلار ۲۸۰ هزار تومانی و هشدار درباره بروز «آبر تورم» در اقتصاد ایران



قرار گرفتن در آستانه ابرتورم و خطرات ناشی از آن است. مسعود نیلی در اظهارنظر دیگری گفته در پایان اسفند ۱۴۰۴، هیچ استانی تورم سه‌رقمی نداشت، اما در فروردین ۱۴۰۵، جدول استانی تورم (که همیشه در گزارش‌های مرکز آمار منتشر می‌شود) حذف شد؛ در اردیبهشت، ۴ استان (ایلام، لرستان، کرمانشاه و کردستان) سه‌رقمی شدند و در خرداد، ۷ استان دیگر به آنها اضافه شد و تعداد به ۱۱ استان رسید. این اقتصاددانان افزوده استان‌هایی که در خرداد تورم بالای ۹۶ درصد داشتند، به احتمال زیاد در تیرماه سه‌رقمی خواهند شد؛ این روند نشان از سرایت سریع تورم سه‌رقمی به سراسر جغرافیای ایران دارد و هشدار جدی برای اقتصاد کشور است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» هم هشدار داده که پیشگیری از ورود اقتصاد ایران به ورطه ابرتورم، نیازمند اتخاذ تصمیمات شجاعانه، سخت و کارشناسانه در حوزه حکمرانی اقتصادی و سیاست خارجی است. اقدامات مقطعی، مسکن‌های قیمتی و کنترل‌های دستوری در بازار، نه تنها راهگشا نبوده، بلکه فشار تورمی را زیر پوست اقتصاد فشرده‌تر می‌کند. برای مهار این قطار پرسرعت، در وهله اول اصلاح ساختار بودجه و پایان دادن به کسری‌های مزمن دولت از طریق انضباط مالی واقعی و اصلاح نظام بانکی الزامی است. بانک مرکزی باید از نقش پوشش‌دهنده کسری‌های مالی خارج شده و استقلال عملیاتی برای مدیریت سیاست‌های پولی داشته باشد. در وهله دوم، تنش‌زدایی در عرصه بین‌المللی، بازسازی زنجیره‌های تامین و تسهیل مبادلات ارزی و تجاری، ضرورتی انکارناپذیر برای کاهش انتظارات تورمی و بازگرداندن ثبات به بازارهاست.

اقتصاد ایران امروز بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز ایستاده است. «ایستگاه پیش از ابرتورم» هشدار نهایی کارشناسان به سیاست‌گذاران است؛ هشدار که نادیده گرفتن آن می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر معیشت جامعه و آینده اقتصادی کشور تحمیل کند. تنها با رویکردی عقلانی، متکی بر دانش اقتصادی و مبتنی بر مدیریت ریسک و تعامل سازنده با جهان است که می‌توان خطرات این مرحله بحرانی را مهار کرد و اقتصاد را به ریل پایداری بازگرداند.

رقمی در حدود ۲۳۰ تا ۲۴۰ هزار تومان است. این کارشناس اقتصادی تأکید کرد که در شرایط تورم بسیار بالا، فرآیند تعدیل نرخ ارز بسیار سریع‌تر از گذشته انجام می‌شود و دیگر امکان سرکوب بلندمدت نرخ ارز وجود ندارد، زیرا فشار تورمی به سرعت خود را در بازار ارز نشان می‌دهد.

در سناریوی دوم، تشدید تنش‌های سیاسی و امنیتی و تداوم جنگ، کاهش صادرات نفت، کاهش رشد اقتصادی، افزایش نقدینگی و تشدید تورم در نظر گرفته شده است. او گفته در این شرایط، مدل‌ها نرخ ارز را به‌طور متوسط بالاتر از محدود ۲۸۰ هزار تومان برآورد می‌کنند.

از سوی دیگر روند تورم در ماه‌های گذشته در کنار سیاست‌های مدیریت اقتصادی دولت پزشکیان، هشدار کارشناسان درباره بروز «آبر تورم» در اقتصاد کشور را افزایش داده است. اقتصاددانان معتقدند شرایط کنونی ایران نشان‌دهنده عبور کشور از تورم‌های «مزم» سنتی و قرار گرفتن در یک وضعیت هشداردهنده و گام نهادن در «ایستگاه پیش از ابرتورم» است.

اقتصاددانان تأکید دارند که حرکت از تورم شدید به سمت ابرتورم، نیازمند شکل‌گیری شرایط خاصی است؛ از جمله کمبود شدید و همه‌جانبه کالا، عدم دسترسی به منابع ارزی و رشد جهشی و کنترل‌نشده نرخ ارز. در شرایطی که امکان صادرات و تأمین ارزی با موانع جدی روبرو می‌شود، تقاضا برای حفظ ارزش دارایی‌ها بالا رفته و فشار بر بازار ارز تشدید می‌شود.

مسعود نیلی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه آریامهر (شریف)، هشدار داده که بر اساس ادبیات اقتصادی، چهار شرط لازم (نه کافی) برای وقوع تورم بسیار بالا عبارتند از: کمبود گسترده در جامعه (مشابه محاصره دریایی)، کاهش قابل‌توجه دسترسی به ارز، افزایش شدید کسری بودجه دولت، و رشد بسیار زیاد حجم پول، و هر یک از این شروط به تنهایی کافی است تا کشور در معرض تورم بسیار بالا قرار گیرد.

این اقتصاددان تأکید کرده ایران در حال حاضر هر چهار شرط را به‌طور همزمان تجربه می‌کند؛ کمبود ناشی از محاصره، محدودیت ارزی، کسری بودجه فزاینده و رشد افسارگسیخته نقدینگی؛ این وضعیت، هشدار جدی برای

با گذشت نزدیک به پنج ماه شرایط جنگی و در حالیکه چشم‌انداز روشنی از ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور دیده نمی‌شود، کارشناسان افزایش قیمت دلار، به‌عنوان دماسنج اقتصاد کشور، را تا ۲۸۰ هزار تومان محتمل می‌دانند.

امیرمحمد کلوانی، کارشناس اقتصادی، پیش‌بینی کرده در صورت تشدید تنش‌های سیاسی و امنیتی و تداوم جنگ، کاهش صادرات نفت، کاهش رشد اقتصادی، افزایش نقدینگی و تشدید تورم در نظر گرفته شده است. او گفته در این شرایط، مدل‌ها نرخ ارز را به‌طور متوسط بالاتر از محدوده ۲۸۰ هزار تومان برآورد می‌کنند.

روند تورم در ماه‌های گذشته در کنار سیاست‌های مدیریت اقتصادی دولت پزشکیان، هشدار کارشناسان درباره بروز «آبر تورم» در اقتصاد کشور را افزایش داده است. اقتصاددانان معتقدند شرایط کنونی ایران نشان‌دهنده عبور کشور از تورم‌های «مزم» سنتی و قرار گرفتن در یک وضعیت هشداردهنده و گام نهادن در «ایستگاه پیش از ابرتورم» است.

با گذشت نزدیک به پنج ماه شرایط جنگی و در حالیکه چشم‌انداز روشنی از ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور دیده نمی‌شود، کارشناسان افزایش قیمت دلار، به‌عنوان دماسنج اقتصاد کشور، را تا ۲۸۰ هزار تومان محتمل می‌دانند. از سوی دیگر روند تورم در ماه‌های گذشته در کنار سیاست‌های مدیریت اقتصادی دولت پزشکیان، هشدار کارشناسان درباره بروز «آبر تورم» در اقتصاد کشور را افزایش داده است.

امیرمحمد کلوانی، کارشناس اقتصادی، در همایش «چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۵» که توسط روزنامه «دنیای اقتصاد» برگزار شده دو سناریو برای آینده نرخ ارز ارائه کرده است. در سناریوی نخست، فرض بر این است که جنگ یا توافق مهمی رخ ندهد و شرایط کنونی ادامه یابد. در این حالت، با فرض تداوم تورم بالا، رشد نقدینگی، رشد اقتصادی محدود و صادرات نفت و گاز در حدود ۴۰ میلیارد دلار، مدل‌های مختلف نرخ ارز، میانگین سال را در محدوده ۱۹۰ تا ۲۵۸ هزار تومان برآورد می‌کنند و میانگین این برآوردها

افزایش نرخ بیکاری در بهار امسال؛ حذف بی‌صدای زنان از بازار کار ایران



می‌تواند نشان‌دهنده این مسئله باشد که برخی بنگاه‌ها برای تن‌دادن به تعدیل، قرارداد نیروی کار را از حالت تمام‌وقت به پاره‌وقت تغییر داده‌اند. اگر چه این اقدام می‌تواند به حفظ کردن شغل افراد کمک کند اما با کاهش درآمد اجباری همراه است و می‌تواند رفاه خانوار را تهدید کند. تغییر قرارداد کاری کارگران و اجبار آنها به اشتغال نیمه‌وقت با حقوقی کمتر از رقم رسمی دستمزد بیشتر نیز از سوی فعالان کارگری مورد تأکید قرار گرفته است. وبسایت «اکوایران» با هشدار درباره فضای بازار کار کشور طی بهار امسال نوشته «ایرانیان در میانه تعلیقی قرار گرفته‌اند که پایان آن را هیچ تقویمی مشخص نکرده است. محاصره اقتصادی به همان اندازه تهدید نظامی، در حال تغییر دادن بافت اجتماعی و اقتصادی کشور است. روندهای کنونی نشان می‌دهد که بدون یک تغییر بنیادین در ساختارهای اقتصاد کشور و دستیابی به یک وضعیت بدون تنش، بازار کار ایران به مسیر انقباض خود ادامه خواهد داد.»

این گزارش افزوده «در چنین فضایی، شکاف جنسیتی عمیق‌تر می‌شود و سرمایه‌های انسانی زنان بیش از پیش به هدر می‌رود. مردان، برای حفظ نقش نان‌آوری، به مشاغل پرخطر، کاذب و ناپایدار تن می‌دهند. و در لایه‌های زیرین اجتماع، یأس به یک اپیدمی خاموش بدل می‌شود که پیامدهای اجتماعی آن بسیار فراتر از نمودارهای اقتصادی خواهد بود.» همچنین تأکید شده «پشت این آمار، میلیون‌ها داستان زیسته نهفته است. کارگر ۴۵ ساله‌ای که پس از تعطیلی کارخانه، حالا با موبایلش راننده تاکسی اینترنتی است و روز را با فرسودگی محض به شب می‌رساند. دختر جوانی با مدرک کارشناسی‌ارشد که پس از دو سال جستجوی بی‌حاصل، جستجو را رها کرده و در خانه به شروع کسب‌وکاری اینترنتی با ترس از قطعی اینترنت فکر می‌کند، بی‌آنکه در هیچ آماری «بیکار» یا «شاغل» نامیده شود. خانواده‌های چهارنفره‌ای که اثاثیه زندگی در حاشیه شهر را فروخته‌اند و به روستای پدری برگشته‌اند چرا که شغل‌های نیمه‌وقت شهری بعد از جنگ کفاف مخارج زندگی را نمی‌دهد. اینان چهره‌های واقعی اعدادی هستند که در گزارش مرکز آمار دیده نشده و باید پشت اعداد و ارقام به دنبال آنان گشت.»

بوده‌اند. این در حالی است که ۳۷/۸ درصد از شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر، بیش از ۴۹ ساعت در هفته کار کرده‌اند. همچنین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ بیکاری زنان در بهار امسال از ۱۳/۷ درصد به ۱۶/۷ درصد افزایش یافته است. این یعنی نزدیک به یک‌ششم زنانی که با گذر از نابرابری ساختاری فرصت حضور در بازار کار را داشته‌اند، حالا یا شغل خود را از دست داده‌اند، یا هرگز به آن دست نیافته‌اند. هم‌زمان، نرخ مشارکت زنان از ۱۴ درصد به ۱۳/۷ درصد تنزل یافته است. این آمار به این معناست که بخشی از زنانی که پیشتر فعالانه به دنبال کار می‌گشتند، اکنون از بازار کار ناامید شده‌اند. وبسایت «اکوایران» با اشاره به آمار اشتغال و بیکاری زنان در بهار امسال نوشته آنچه آمار نشان می‌دهد، تنها یک تغییر عدد نیست، روایت زنانی است که استقلال اقتصادی‌شان را رو به نابودی می‌بینند و به ناچار به اقتصاد خانگی، کار بی‌مزد مراقبتی، و وابستگی مالی عقب رانده می‌شوند. این بازگشت اجباری به خانه، سرمایه‌های انسانی را هدر می‌دهد که سال‌ها برای آموزش و توانمندسازی‌اش هزینه شده است.

این گزارش با اشاره به نرخ مشارکت و اشتغال مردان در بهار امسال نوشته نرخ مشارکت مردان با کاهشی جزئی از ۶۸/۴ به ۶۷/۸ درصد، تقریباً سرسختانه بر جای مانده است. در اقتصاد جنگی، مردان زیر بار سنگین هنجارهای «نان‌آوری» نمی‌توانند از دور خارج شوند حتی اگر شغلی در کار نباشد. آن‌ها در صف می‌مانند، حتی اگر آن صف به جایی ختم نشود. این مقاومت اما بی‌هزینه نیست؛ نرخ بیکاری مردان از ۶ به ۷/۵ درصد جهش کرده است. یعنی فشار مضاعف بر بازاری که حالا نه تنها زنان، بلکه مردان را نیز با سرعت بیشتری به بیرون پرتاب می‌کند. «اکوایران» تأکید کرده «اینجا با سرپرست خانوار بیکار و جویای کاری مواجهیم که در هزارتوی اقتصاد غیررسمی و مشاغل کاذب روزگار می‌گذرانند.»

از سوی دیگر گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ اشتغال ناقص نیز در بازار کار ایران با افزایش روبرو بوده است. شغل ناقص به این معناست که افراد کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند. از این رو، بالا رفتن نرخ اشتغال ناقص

● مرکز آمار ایران گزارش آماری از بازار کار ایران در بهار ۱۴۰۵ را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۹/۱ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۴)، ۱/۸ درصد افزایش یافته است.

● جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۴ میلیون و ۶۷۲ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً ۴۵۰ هزار نفر کاهش داشته است.

مرکز آمار ایران گزارش داده نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر در بهار امسال ۹/۱ درصد بوده است. این نرخ نسبت به بهار پارسال ۱/۸ درصد افزایش یافته است. در این میان نرخ بیکاری زنان به رقم ۱۶/۷ درصد رسیده است که بیانگر حذف بی‌صدای زنان از بازار کار ایران است.

مرکز آمار ایران گزارش آماری از بازار کار ایران در بهار ۱۴۰۵ را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۹/۱ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۴)، ۱/۸ درصد افزایش یافته است.

در بهار ۱۴۰۵، به میزان ۴۰/۷ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۴) ۰/۵ درصد کاهش یافته است.

جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۴ میلیون و ۶۷۲ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً ۴۵۰ هزار نفر کاهش داشته است.

همچنین جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی (اعم از افراد محصل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار مانند بازنشستگان و ...) ۳۹ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریباً ۷۹۶ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۵، بخش خدمات با ۵۳/۸ درصد بیش‌ترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۱ درصد و کشاورزی با ۱۵/۱ درصد قرار دارند.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۳/۴ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار ۱۴۰۵ بیکار بوده‌اند. بررسی تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد، این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (بهار ۱۴۰۴) ۳/۷ درصد افزایش یافته است.

بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می‌دهد که در بهار پارسال، ۱۷/۵ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. این در حالی است که تغییرات فصلی نرخ بیکاری این افراد نشان می‌دهد این نرخ نسبت به بهار ۱۴۰۴، به میزان سه درصد افزایش یافته است.

بررسی سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۴، ۸/۵ درصد جمعیت شاغل، به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت بیشتر و ...) کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی

بحران در اصناف و صنایع؛ از کاهش تولید و فروش تا از بین رفتن «سرمایه فعال صنفی» با قطع برق

● قطع برق بخش خانگی در استان‌های مختلف ایران ادامه دارد. کسب‌وکارهای فعال در سطح شهرها، همچون صنایع، متأثر از قطع برق با خسارت‌های مالی روبرو شدند. ● اتاق اصناف ایران اعلام کرده است که واحدهای عرضه‌کننده کالاهای فسادپذیر با خسارت مضاعف مواجه‌اند؛ زیرا علاوه بر آسیب احتمالی تجهیزات برودتی، خود کالا و در واقع «سرمایه فعال صنفی» نیز ممکن است از بین برود.

● خبرگزاری «ایسنا» گزارش داده قطع برق در بازار، فعالیت بسیاری از واحدهای صنفی عملاً متوقف می‌شود. مغازه‌هایی که کالای فسادپذیر دارند، نگران خاموش شدن یخچال‌ها هستند، نانوایان با خمیرهای آماده به پخت می‌مانند و کارگاه‌ها نیز تا زمان بازگشت برق، امکان ادامه تولید ندارند.

● از سوی دیگر خاموشی موجب اختلال در کارت‌خوان، اینترنت و سامانه‌های فروش می‌شود. بسیاری از مشتریان پول نقد همراه ندارند و در نتیجه، حتی واحدهایی که امکان ادامه فعالیت دارند نیز بخشی از فروش خود را از دست می‌دهند.

● در بخش صنعت نیز خسارتی بسیار هنگفت در حال رقم خوردن است؛ آن هم برای صنایعی که در شرایط جنگ و رکود تومری و مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به سختی دوام آورده و چرخ تولید و صنعت را فعال نگه داشته‌اند!

قطع برق بخش خانگی در استان‌های مختلف ایران ادامه دارد. کسب‌وکارهای فعال در سطح شهرها، همچون صنایع، متأثر از قطع برق با خسارت‌های مالی روبرو شدند. قطع برق در بخش صنعت نیز سبب اعتراض صنعتگران شده و معتقدند دولت حتی در قطع برق نیز عدالت را رعایت نمی‌کند.

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در نشست با اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی ادعای «پایان خاموشی‌های برق تا نیمه شهریورماه برای همیشه» را مطرح کرده است. این در حالیست که کارشناسان تصویر دیگری از بحران کمبود برق در ایران را ارائه می‌دهند.

مقامات دولت در ماه‌های گذشته کمبودها، از جمله در بخش انرژی، را به جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی پیوند می‌زنند تا سالها عدم توجه به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و توسعه این صنعت را پنهان کنند. در همین رابطه عبدالله باباخانی کارشناس و تحلیلگر بخش انرژی معتقد است ریشه اصلی کمبود برق کشور، ناترازی مزمن در مدیریت و برنامه‌ریزی بخش انرژی است. این کارشناس گفته «سال گذشته نیز، پیش از بروز درگیری‌های اخیر، شبکه برق کشور در تابستان با کمبود حدود ۲۰

تورم ۸۸ درصدی در تیرماه؛ تصویری از بحران‌های انباشته در اقتصاد ایران

موضوعی که از دید تحلیلگران بیانگر اینست که اقتصاد از یک ماه فاجعه‌بار به یک ماه بسیار بد رسیده، نه از بحران به ثبات!

جزئیات گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد تورم ماهانه کالاها از ۸/۷ درصد به ۲/۶ درصد کاهش یافته، اما قیمت کالاها نسبت به تیر سال گذشته ۱۲۱/۵ درصد افزایش یافته



است. خوراکی‌ها نیز فقط در چهار ماه نخست سال نزدیک ۲۹ درصد گران شده‌اند.

در مقابل، فشار تومری به بخش‌هایی منتقل شده که امکان حذف یا کاهش مصرف آنها محدود است؛ مسکن، آب، برق، گاز و سوخت در تیر ۵/۹ درصد، بهداشت و درمان ۴/۹ درصد و خدمات ۵/۱ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. بیش از نیمی از تورم ماهانه تیر نیز از گروه مسکن و هزینه‌های وابسته به آن ناشی شده است.

روزنامه «جهان صنعت» با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی نوشته «موج گرانی از کالاها به خدمات و هسته داخلی اقتصاد نفوذ کرده است؛ جایی که قیمت‌ها چسبندگی بیشتری دارند و به‌سادگی کاهش نمی‌یابند. جنگ و فشارهای خارجی این روند را تشدید کرده‌اند، اما تورم پیش از تشدید درگیری نیز صعودی بود و ریشه‌های آن را باید در کسری بودجه، رشد نقدینگی، ناترازی بانک‌ها، بی‌ثباتی ارزی و ضعف اعتماد عمومی جست‌وجو کرد.»

در گزارش «جهان صنعت» تأکید شده آنچه در تیر رخ داده توقف تورم نیست، بلکه کاهش موقت سرعت آن است. ترمز زمانی واقعاً عمل کرده که نرخ‌های ماهانه برای چند ماه متوالی به سطوح بسیار پایین‌تر برسند و کاهش سرعت گرانی به حفظ قدرت خرید مردم منجر شود.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در تحلیل ارقام مرتبط با تورم تیرماه گزارش داده این اعداد از اقتصادی حکایت دارند که هنوز از محدوده بحران خارج نشده و فقط شدت شوک ماهانه آن کمتر شده است.

این گزارش افزوده «البته نمی‌توان اثر جنگ، اختلال تجارت، فشار ارزی و محدودیت‌های سیاست‌گذاری را نادیده گرفت؛ اما جنگ بر بستری آرام فرود نیامد. روند افزایش تورم ماه‌ها پیش از تشدید بحران آغاز شده بود و اکنون فشار خارجی، مشکلات انباشته اقتصاد ایران را تشدید کرده است.»

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران خانوارهای کشور به طور میانگین، ۸۷/۹ درصد بیشتر از تیر ماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● دامنه تغییرات تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۶۳/۹ درصد برای دهک دهم، تا ۷۳/۵ درصد برای دهک دوم است. بر این اساس فاصله تومری دهک‌ها در این ماه به ۹/۶ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۸/۴ واحد درصد) ۱/۲ واحد درصد افزایش داشته است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم تیرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد همچنان تورم اقتصاد ایران بر مدار صعود قرار دارد و تورم نقطه به نقطه که بیانگر تغییر قیمت‌ها در تیرماه امسال نسبت به تیرماه سال گذشته است به ۸۸ درصد رسیده است. مرکز آمار ایران و بانک مرکزی گزارش‌های جداگانه‌ای از تورم تیرماه را منتشر کردند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه ۸۷/۹ درصد رسیده است. به بیان دیگر خانوارهای کشور به طور میانگین، ۸۷/۹ درصد بیشتر از تیر ماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. این افزایش در کنار افزایش محدود درآمدها در سال جاری نسبت به سال گذشته بیانگر فاجعه‌ای سقوط قدرت خرید خانوارها در ایران است.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نرخ تورم سالانه را ۶۶ درصد اعلام کرده است که به معنای میانگین تغییر قیمت کلیه کالاها و خدمات طی یک سال منتهی به آخر تیرماه ۱۴۰۵ است.

دامنه تغییرات تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۶۳/۹ درصد برای دهک دهم، تا ۷۳/۵ درصد برای دهک دوم است. بر این اساس فاصله تومری دهک‌ها در این ماه به ۹/۶ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۸/۴ واحد درصد) ۱/۲ واحد درصد افزایش داشته است. این ارقام نشان می‌دهد همچنان بار اصلی افزایش تورم بر دوش اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر است و اقشار ثروتمند کمتر از اقشار کم‌درآمد از افزایش تورم متأثر شده‌اند.

همچنین تورم ماهانه ۳/۱ درصد اعلام شده است. این گزارش افزوده تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۲/۵ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۳/۶ درصد بوده است.

بانک مرکزی نیز در گزارشی مدعی کاهش تورم ماهانه از ۷/۴ درصد در خرداد به ۳/۶ درصد در تیرماه شده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه به ۸۳/۹ درصد و تورم سالانه به ۶۱/۴ درصد و رشد سطح عمومی قیمت‌ها در چهار ماه نخست سال به حدود ۲۹/۲ درصد رسیده است.

این ارقام نشان می‌دهد خانواری که در پایان سال گذشته برای یک سبد ثابت ۱۰۰ واحد هزینه می‌کرد، در پایان تیر برای همان سبد به حدود ۱۲۹ واحد نیاز داشته است. از سوی دیگر اگر چه آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران از مدعی کاهش تورم ماهانه هستند اما همچنان رقم تورم ماهانه در تیرماه بالاتر از میانگین ماهانه ۴۰ ماه گذشته است و در صورت تداوم، به افزایش بیش از ۵۰ درصدی سطح قیمت‌ها در یک سال منجر می‌شود.

دیر هنگام درباره خاموشی‌هاست. «کسبه می‌گویند اگر زمان قطع برق دست‌کم یک یا دو روز زودتر و با اطمینان اعلام شود، می‌توانند تولید را تنظیم کنند، خرید مواد اولیه را کاهش دهند، نوبت مشتریان را تغییر دهند یا ژنراتور آماده کنند.»

در بخش صنعت نیز خسارتی بسیار هنگفت در حال رقم

در چنین شرایطی جیره‌بندی و قطع برق در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خانگی نیز گسترش یافته است؛ موضوعی که روند زندگی روزمره شهروندان را مختل، و خسارت عمیقی در اقتصاد ایران ایجاد کرده است.

برای نمونه در استان مازندران امروز، یکشنبه چهارم مرداد ۱۴۰۴، همه ادارات و مراکز دولتی و نیمه‌دولتی تعطیل

گیگاواتی مواجه بود و در برخی روزهای اوج مصرف این رقم به حدود ۳۰ گیگاوات نیز می‌رسید.

عبدالله باباخانی افزوده «بر اساس گزارش‌های رسمی، در نتیجه حملات اخیر حدود ۴ گیگاوات از ظرفیت تولید یا انتقال برق کشور از مدار خارج شده است. اما همزمان، به دلیل کاهش فعالیت بخشی از صنایع و مشکلات ایجاد شده



خوردن است؛ آن هم برای صنایعی که در شرایط جنگ و رکود تورمی و مشکلات ساختاری اقتصاد ایران به سختی دوام آورده و چرخ تولید و صنعت را فعال نگه داشته‌اند!

عزت‌الله زارعی سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اخیراً اعلام کرده که برآورد عدم‌النفذ صنایع به علت قطع برق از حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است. این در حالیست که امسال با تشدید کمبود برق و آغاز زود هنگام جیره‌بندی برق در بخش صنعت بلافاصله پس از تعطیلات نوروز، پیش‌بینی می‌شود رقم خسارت بخش صنعت به دلیل قطع برق از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کند.

احمد مرادی نایب‌رئیس کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با انتقاد از رویکرد فعلی دولت در قطع برق بخش صنعت تأکید کرده است که اولویت تأمین انرژی باید از بخش خانگی به سمت بخش مولد و صنعتی تغییر یابد، چرا که صنایعی که میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند با قطع برق به حاشیه می‌روند.

روزنامه «اطلاعات» نیز در مطلبی انتقادی درباره افزایش خسارت‌های اقتصادی ناشی از قطع برق نوشته «در حالی که کشور با شرایط جنگی دست‌وپنجه نرم می‌کند و حمایت از تولید ملی بیش از هر زمان دیگری اهمیت می‌یابد، برخی اقدامات در راستای سرکوب و کاهش تولید ملی انجام می‌شود. افزایش قطعی برق بخش صنعت و تولید، یکی از اقدامات ضد تولید ملی است.»

این مطلب افزوده «بخش خصوصی معتقد است خاموشی‌ها باید به طور عادلانه برای همه بخش‌ها اعمال شود، نه اینکه بخش تولید و صنعت به تنهایی بار این مسأله را به دوش بکشد. برخی صنعتگران نیز معتقدند ناترازی برق صرفاً بهانه‌ای برای گران کردن برق و تأمین کسری بودجه وزارت نیرو است.»

شده است. عیسی قاسمی‌طوسی، معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری مازندران، گفته «این تصمیم با مصوبه کارگروه مدیریت بهینه مصرف انرژی ستاد مدیریت بحران و در پی تداوم موج گرما و افزایش شدید دمای هوا، به‌منظور حفظ پایداری شبکه برق و مدیریت مصرف انرژی اتخاذ شده است. بر این اساس فعالیت دستگاه‌های اجرایی و مراکز آموزشی در سراسر استان متوقف خواهد شد، اما بانک‌ها، مراکز امدادی و دستگاه‌های خدمات‌رسان از این تعطیلی مستثنا هستند و طبق روال عادی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.»

قطع گسترده برق سبب خسارتی سنگین به اصفافی شده که در محدوده شهری به کسب‌وکارهای تولیدی و خدماتی مشغول هستند.

در همین رابطه اتاق اصناف ایران نیز اعلام کرده است که واحدهای عرضه‌کننده کالاهای فسادپذیر با خسارت مضاعف مواجه‌اند؛ زیرا علاوه بر آسیب احتمالی تجهیزات برودتی، خود کالا و در واقع «سرمایه فعال صنفی» نیز ممکن است از بین برود.

خبرگزاری «ایسنا» نیز در گزارشی نوشته «قطع برق در بازار، فعالیت بسیاری از واحدهای صنفی عملاً متوقف می‌شود. مغازه‌هایی که کالای فسادپذیر دارند، نگران خاموش شدن یخچال‌ها هستند، نانوایان با خمیرهای آماده به پخت می‌مانند و کارگاه‌ها نیز تا زمان بازگشت برق، امکان ادامه تولید ندارند. در کنار این مشکلات، خاموشی موجب اختلال در کارت‌خوان، اینترنت و سامانه‌های فروش می‌شود. بسیاری از مشتریان پول نقد همراه ندارند و در نتیجه، حتی واحدهایی که امکان ادامه فعالیت دارند نیز بخشی از فروش خود را از دست می‌دهند.»

در این گزارش آمده که آنچه در میان اظهارات فعالان صنفی مشترک است، اعتراض به بی‌برنامگی یا اطلاع‌رسانی

برای برخی مجتمع‌های پتروشیمی و زنجیره تأمین مواد اولیه صنایع پایین دستی، میزان مصرف برق صنعتی نیز به همان اندازه یا حتی بیشتر کاهش یافته است.»

او تأکید کرده «بنابراین نمی‌توان تمامی خاموشی‌ها و مشکلات شبکه برق را صرفاً به پیامدهای جنگ نسبت داد. برای حل پایدار این بحران، لازم است به جای پنهان کردن مسائل ساختاری پشت تحولات مقطعی، بر اصلاح مدیریت انرژی، افزایش بهره‌وری، توسعه زیرساخت‌ها و رفع ناترازی‌های انباشته‌شده تمرکز شود.»

وبسایت «تجارت نیوز» نیز در گزارشی نوشته «کاهش راندمان نیروگاه‌ها، روند اتلاف برق در شبکه، روند افزایش مصرف، نبود برنامه عملی برای بهینه‌سازی مصرف» از دلایل تشدید کمبود برق در سال جاری است؛ ضمن اینکه همچنان ناترازی ساختاری عرضه و تقاضای برق برطرف نشده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز مدتی پیش در گزارشی با عنوان «بررسی وضعیت تأمین برق در تابستان سال ۱۴۰۵» عنوان کرده بود که با وجود افزایش ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر و بهبود تولید برق آبی، شکاف میان عرضه و تقاضای برق در اوج مصرف به بیش از ۱۳ هزار مگاوات می‌رسد. رقم ۱۳ هزار مگاوات کمبود برق تحت سناریویی خوش‌بینانه مطرح شده است در حالیکه کارشناسان حوزه انرژی میزان ناترازی را در زمان اوج مصرف دست‌کم ۲۰ هزار مگاوات عنوان می‌کنند، این رقم را تا ۳۰ هزارمگاوات در ساعات اوج مصرف ارزیابی می‌کنند.

البته مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سناریوی بدبینانه، پیش‌بینی کرده با افزایش شکاف میان تولید ۶۶،۲۶۵ و تقاضای ۸۵،۰۶۱ مگاواتی، رقم کسری برق به ۱۸،۷۹۶ مگاوات می‌رسد.

آنچه از این ارقام و اظهارات کارشناسان مشخص است با آغاز تابستان بحران کمبود برق عمیق‌تر شده است.

واکنش بازارها به کاهش حملات نظامی میان آمریکا و جمهوری اسلامی



● قیمت نفت برنت که طی سه هفته گذشته مسیری

افزایشی را طی کرده بود، از روز گذشته بیش از ۶ درصد کاهش یافت و به ۹۰/۸۸ دلار در هر بشکه رسید. هر بشکه نفت خام وست تگزاس اینترمدییت (WTI) نیز ۴/۹۱ دلار کاهش یافت و در سطح ۸۴/۴۰ دلار معامله شد.

● با وجود توقف حملات نظامی میان جمهوری اسلامی و آمریکا، همچنان وضعیت تردد کشتی‌ها و نفتکش‌ها از تنگه هرمز با اختلال روبروست.

● قیمت دلار که هفته گذشته و همزمان با تشدید حملات نظامی آمریکا در جنگ با جمهوری اسلامی تا کانال ۱۹۴ هزار تومان افزایش یافته بود، امروز، دوشنبه پنجم امرداد، در کانال ۱۸۶ هزار تومان در نوسان است.

● قیمت هر سکه طلا که هفته گذشته بیش از ۱۹۰ میلیون تومان به فروش می‌رسید اکنون در محدوده ۱۸۳ میلیون تومان معامله می‌شود.

● در نخستین ساعت معاملات بازار بورس در بامداد دوشنبه پنجم امرداد شاخص کل بورس ۶۰ هزار واحد رشد کرد و به سطح ۵ میلیون و ۶۲ هزار واحد رسید. روز گذشته نیز شاخص کل بورس ایران با رشد بیش از ۱۰۷ هزار واحدی روبرو شده بود.

● کارشناسان تأکید دارند در شرایطی که ابهامات ژئوپلیتیک، سیاسی و نظامی در خاورمیانه پابرجاست و خبری از آتش‌بس یا توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا نیست، هیچ کاهش قیمتی در بازارها را نمی‌توان پایدار دانست بطوریکه افزایش جزیی سطح تنش و حتی تهدیدهای کلامی می‌تواند مسیر کنونی در بازارها را تغییر دهد.

طی دو روز گذشته و در حالیکه حملات نظامی میان جمهوری اسلامی و آمریکا بدون اعلام آتش‌بس تقریباً متوقف، و خبرهایی درباره تبادل پیام میان تیم‌های مذاکره‌کننده طرفین منتشر شد، قیمت‌ها در بازار جهانی نفت کاهش یافت. قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در ایران نیز کاهش یافت و بازار بورس ایران با رشد جزیی شاخص

روبرو شد.

قیمت نفت برنت که طی سه هفته گذشته مسیری افزایشی را طی کرده بود، از روز گذشته بیش از ۶ درصد کاهش یافت و به ۹۰/۸۸ دلار در هر بشکه رسید. هر بشکه نفت خام وست تگزاس اینترمدییت (WTI) نیز ۴/۹۱ دلار کاهش یافت و در سطح ۸۴/۴۰ دلار معامله شد. بازار جهانی نفت به شدت متأثر از شرایط خاورمیانه است و ازسریگیری دوباره درگیری‌های نظامی در منطقه می‌تواند قیمت نفت را به سرعت افزایش دهد.

همچنین کارشناسان به افزایش قیمت جهانی نفت در پی تنش در تنگه باب المندب هشدار می‌دهند. هفته گذشته حوثی‌های یمن به تحریک جمهوری اسلامی به تأسیسات نفتی شرکت دولتی آرامکوی عربستان سعودی در شهرهای جازان و ینبع حمله کردند. آنها همزمان حمل‌ونقل دریایی در نزدیکی سواحل یمن را مختل کرده و تردد کشتی‌ها و نفتکش‌ها با کاهش قابل توجهی روبرو شده است.

داده‌های شرکت «کپلر» نشان می‌دهد تردد کشتی‌ها از تنگه باب‌المندب پس از حمله روزهای گذشته حوثی‌های یمن به تأسیسات نفتی عربستان در سواحل دریای سرخ به پایین‌ترین سطح خود در چند ماه اخیر رسیده است. بر اساس این گزارش روز یکشنبه ۲۶ ژوئیه تنها ۱۱ کشتی حامل کالا از تنگه باب‌المندب عبور کردند.

با وجود توقف حملات نظامی میان جمهوری اسلامی و آمریکا، همچنان وضعیت تردد کشتی‌ها و نفتکش‌ها از تنگه هرمز نیز با اختلال روبروست.

به گزارش «کپلر» روز گذشته تنها هفت کشتی از تنگه گذشتند. سه فروند از آنها نفتکش‌های حامل فرآورده‌های نفتی مرتبط با ایران بودند که از تنگه خارج شدند. روز شنبه ۲۵ ژوئیه نیز فقط سه کشتی، با فرستنده‌های خاموش، از تنگه هرمز عبور کردند که شامل یک نفتکش برای بارگیری نفت از قطر، یک نفتکش حامل گاز مایع در مسیر بندر الرویس امارات و یک نفتکش حامل نفتای قطر به مقصد ژاپن بوده است.

بازارهای ارز و طلا در ایران نیز طی دو روز گذشته با کاهش قیمت‌ها روبرو شده‌اند. قیمت دلار که هفته گذشته و همزمان با تشدید حملات نظامی آمریکا در جنگ با جمهوری اسلامی تا کانال ۱۹۴ هزار تومان افزایش یافته بود، امروز، دوشنبه پنجم امرداد، در کانال ۱۸۶ هزار تومان در نوسان است. دیگر ارزهای رایج در بازار ایران نیز با کاهش قیمت روبرو شده‌اند.

در بازار طلا نیز قیمت‌ها کاهش یافته است. قیمت هر سکه طلا که هفته گذشته بیش از ۱۹۰ میلیون تومان به فروش می‌رسید اکنون در محدوده ۱۸۳ میلیون تومان معامله می‌شود. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز روز دوشنبه پنجم امرداد ۱۸ میلیون و ۴۱۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

بازار سرمایه در ایران نیز که همزمان با تشدید حملات نظامی میان جمهوری اسلامی و آمریکا در هفته گذشته، و به علت افزایش ریسک و نااطمینانی با سقوط پی‌درپی شاخص همراه بود، با رشد جزیی شاخص روبرو شده است. در نخستین ساعت معاملات بازار بورس در بامداد دوشنبه پنجم امرداد شاخص کل بورس ۶۰ هزار واحد رشد کرد و به سطح ۵ میلیون و ۶۲ هزار واحد رسید. روز گذشته نیز شاخص کل بورس ایران با رشد بیش از ۱۰۷ هزار واحدی روبرو شده بود.

اینهمه در حالیکه همچنان بازارهای جهانی نفت و انرژی، و بازارهای ارز، طلا و بورس در ایران به شدت متأثر از اخبار مرتبط با جنگ و مذاکره بین جمهوری اسلامی و آمریکاست. در حالیکه همچنان سطح تهدیدها میان طرفین بالاست و هیچ توافقی یا آتش‌بسی وجود ندارد، وضعیت بازارهای جهانی نفت و انرژی و بازارهای داخلی در ایران نیز همچنان متزلزل ارزیابی می‌شود.

کارشناسان تأکید دارند در شرایطی که ابهامات ژئوپلیتیک، سیاسی و نظامی پابرجاست هیچ کاهش قیمتی در بازارها را نمی‌توان پایدار دانست بطوریکه افزایش جزیی سطح تنش و حتی تهدیدهای کلامی می‌تواند مسیر کنونی در بازارها را تغییر دهد.

نیمی از جمعیت ایران طی دو سال آینده به زیر خط فقر سقوط می‌کنند



● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر پایه بررسی شاخص‌های اقتصادی هشدار داده که بر پایه برآوردی خوش‌بینانه نرخ فقر از ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۵ به ۴۵/۵ درصد در سال ۱۴۰۷ خواهد رسید.

● برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از وضعیت روستاها نگران‌کننده‌تر است؛ پیش‌بینی می‌شود از هر دو خانوار روستایی، یک خانوار نتواند حداقل هزینه‌های زندگی را تأمین کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر پایه بررسی شاخص‌های اقتصادی هشدار داده که بر پایه برآوردی خوش‌بینانه نرخ فقر از ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۵ به ۴۵/۵ درصد در سال ۱۴۰۷ خواهد رسید. این برآورد از وضعیت روستاها نگران‌کننده‌تر است؛ پیش‌بینی می‌شود از هر دو خانوار روستایی، یک خانوار نتواند حداقل هزینه‌های زندگی را تأمین کند.

روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره افزایش نرخ فقر در ایران را منتشر کرده که نشان می‌دهد حتی در سناریوی خوش‌بینانه نیز نرخ فقر در ایران همچنان افزایش خواهد یافت. برآوردهای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در سناریوی خوش‌بینانه نرخ فقر از ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۵ به ۴۵/۵ درصد در سال ۱۴۰۷ خواهد رسید. در روستاها وضعیت حتی نگران‌کننده‌تر است؛ پیش‌بینی شده از هر دو خانوار روستایی، یک خانوار نتواند حتی حداقل هزینه‌های زندگی را تأمین کند. بر پایه این پیش‌بینی، در صورت ادامه روند فعلی نزدیک به نیمی از جمعیت کشور تا دو سال دیگر زیر خط فقر خواهند بود. این ارقام جهشی بزرگ نسبت به سال‌های گذشته نشان می‌دهد. همین مرکز نرخ فقر سال ۱۴۰۲ را ۳۰ درصد و سال ۱۴۰۳ را ۳۱ درصد اعلام کرده و برای ۱۴۰۴ رقم ۳۱/۹ درصد را پیش‌بینی کرده بود که با رسیدن به ۴۱ درصد در سال جاری، افزایش حدود ۹ واحد درصدی در یک سال ثبت شده است.

روزنامه «هم‌میهن» نوشته تقابل سیاست تخصیص کالابریک با اثرات تورمی جنگ، تعیین‌کننده جهت شاخص فقر خواهد بود. باید دید کالابریک می‌تواند نرخ فقر را بهتر از پیش‌بینی‌های مرکز پژوهش‌ها کند یا خیر؟ دیگر گزارش‌ها نیز سقوط قدرت خرید اقشار مختلف حقوق‌بگیر از کارگران و بازنشستگان تا بخش زیادی از کارمندان را به تصویر می‌کشد. درآمدهایی که فاصله زیادی با هزینه‌های زندگی دارند، در کنار تورم فزاینده و نبود برنامه‌های حمایتی موثر از سوی دولت، عوامل افزایش جمعیت زیر خط فقر در ایران هستند.

«مرکز داده‌های باز ایران» هفته گذشته درباره سقوط قدرت خرید کارگران در ایران گزارش داد طی ده سال گذشته هزینه تهیه یک وعده املت ساده در ایران بیش از ۳۰ برابر افزایش پیدا کرده است، در حالی که حداقل دستمزد کارگران در فاصله سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۵ کمتر از ۱۸ برابر رشد داشته است. به عبارتی توان مالی خانوار دستمزد بگیر برای تهیه یکی از ساده‌ترین غذاهای ممکن طی یک دهه ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

بررسی‌های داده‌های مرکز داده‌های باز ایران نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۶ هزینه تهیه یک وعده املت به طور متوسط ۵۸۳۶ تومان (معادل یک دلار و ۴۴ سنت بر اساس

متوسط قیمت دلار در سال ۹۶) بود. این رقم در سه ماه نخست سال ۱۴۰۵ به ۱۷۷ هزار و ۶۷۷ تومان (معادل یک دلار و ۴ سنت بر اساس متوسط قیمت دلار بازار آزاد در خرداد ۱۴۰۵) رسید. در پایان سال ۱۴۰۴ هزینه تهیه یک وعده املت به حدود یک‌ونیم درصد کل حداقل دستمزد کارگر رسیده بود، این در حالی است در سال ۱۳۹۶ این نسبت بین ۰/۵ تا ۰/۷ درصد در نوسان بود.

طبق آخرین آمار موجود در خرداد ۱۴۰۵ نسبت هزینه تهیه یک وعده املت بیش از یک درصد حداقل دستمزد است. یعنی حداقل دستمزد برابر صد وعده املت سه‌نفره است. با توجه به تورم رو به رشد و ثابت ماندن دستمزدها پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۵ این نسبت به بالاترین حد تاریخی خود برسد. روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز اول مرداد جاری گزارش داد با وجود افزایش حقوق بازنشستگان در سال ۱۴۰۵، مقایسه میزان رشد مستمری‌ها با نرخ تورم و برآوردهای خط فقر نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از بازنشستگان همچنان با کاهش قدرت خرید و مشکلات معیشتی روبرو هستند. این گزارش افزوده در سال جاری بازنشستگان کشوری علاوه بر افزایش ۲۰ درصدی پایه حقوق، از مرحله جدید متناسب‌سازی نیز بهره‌مند می‌شوند. با تلفیق این دو مورد، مجموع دریافتی بسیاری از بازنشستگان این بخش رشدی فراتر از ۳۰ درصد را تجربه کرده است. حداقل مستمری این گروه نیز به ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان ارتقا یافته است. حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی هم حدود ۲۱ میلیون تخمین زده می‌شود که با گذشت ۴ ماه از سال همچنان معوقات پرداخت نشده است. افزایش حقوق حداقل‌بگیران در مقایسه با تورم سالانه، روی کاغذ اندکی بالاتر است؛ اما برای سایر گروه‌ها، رشد ۴۵ درصدی حقوق از تورم سالانه ۵۷/۷ درصدی عقب‌تر است. علاوه بر این، تورم نقطه‌به‌نقطه بالای ۸۸ درصد نشان می‌دهد که هزینه خرید بسیاری از کالاها و خدمات نسبت به سال قبل با سرعت بسیار بیشتری افزایش یافته است. بنابراین مقایسه صرف درصد افزایش حقوق با یک نرخ تورم، تصویر کاملی از قدرت خرید بازنشستگان ارائه نمی‌کند.

اینهمه در حالیست که بسیاری از فعالان کارگری معتقدند اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران توان ادامه شرایط موجود را ندارند. اکبر شوکت دبیر اجرایی خانه کارگر استان قم و عضو پیشین هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی هشدار داده «روند بیکاری و پس از آن ناتوانی واحدهای تولیدی و خدماتی در پرداخت مزد، در این شرایط تعلیق میان جنگ و صلح و فشار اقتصادی، به سمتی خواهد رفت که بعید به نظر می‌رسد که کارگران با این اوضاع بیش از دوماه تاب آوری اقتصادی داشته باشند. پس از این دو ماه در پایان همین تابستان، در صورت عدم تغییر اوضاع (با از طریق تدابیر ویژه اقتصادی و یا تدابیر غیر اقتصادی)، قطعاً با التهابات فراوانی در این بخش مواجه می‌شویم.»

خبرگزاری «ایلنا» نیز در گزارشی نوشته این روزها، بحث در رابطه با «تاب‌آوری معیشتی مردم» به یکی از موضوعات داغ در رسانه‌های اصلی تبدیل شده است؛ سؤالاتی عموماً بدون جواب روشن مطرح می‌شوند: مردم تا کجا گرانی‌ها و فشارهای اقتصادی را تاب می‌آورند و ساختارهای حاکمیتی تا چه اندازه عامل «تاب‌آوری اقتصادی و معیشتی» را به عنوان یک اولویت اصلی در تصمیم‌سازی‌های کلان، در نظر می‌گیرند. در این گزارش تأکید شده بر اساس داده‌ها و برآوردها، مزدبگیران بخش‌های مختلف بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند؛ اما در چند دهه‌ی اخیر، این جمعیت گسترده دچار دگردیسی ساختاری و بنیادین شده است. در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ شمسی، بخش قابل توجهی از مزد و حقوق‌بگیران به طبقه‌ی متوسط تعلق داشتند، طبقه‌ای که طبق تعریف‌های پایه‌ای اقتصاد، دغدغه‌ی نان شب ندارد و اقتصاد، روبنا و زیربنای زندگی آنان را تشکیل نمی‌دهد.

خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به کاهش ارزش واقعی دستمزدها به علت تعیین ارقام دستوری و رسمی دستمزد که طی سالهای گذشته همواره کمتر از نرخ تورم بوده، از این پدیده به عنوان «حقوق‌زدایی» یاد کرده و نوشته این روند در موازات شوک‌های بیپای اقتصادی، طبقه متوسط را از مدار زندگی شهری ایران خارج کرده است.

اکبر عبدی، بازیگر معروف ایرانی، درگذشت



اکبر عبدی

● اکبر عبدی بازیگر معروف سینما و تلویزیون ایران عصر روز جمعه دوم مرداد ۱۴۰۵ به دلیل ایست قلبی در سن ۶۶ سالگی درگذشت. این هنرمند اردیبهشت امسال نیز به دلیل سکته قلبی مدتی در بیمارستان بستری بود.

● اکبر عبدی آقاباقر معروف به اکبر عبدی در ۴ شهریور ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۵۹ با تله‌تئاتر «سنباب‌ها» برای اولین بار جلوی دوربین رفت.

● اکبر عبدی اگر چه برای بازی در نقش‌های کمدی معروف شد اما در فیلم‌های مطرحی چون «ای ایران» ساخته ناصر تقوایی، «دلشدگان» ساخته علی حاتمی، «ناصرالدین شاه آکتور سینما» و «هنرپیشه» ساخته محسن مخملباف نیز بازی کرد و نشان داد در ایفای نقش‌های غیرکمدی نیز توانایی برجسته‌ای دارد.

● از نکات برجسته کارنامه هنری اکبر عبدی بازی ارزنده او در نقش زنان از جمله در فیلم‌های «آدم برفی» به تهیه کنندگی، کارگردانی و نویسندگی داوود میرباقری، «خواب می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران و «خواب‌زده‌ها» به کارگردانی فریدون جیرانی بوده است.

اکبر عبدی بازیگر معروف سینما و تلویزیون ایران عصر روز جمعه دوم مرداد ۱۴۰۵ به دلیل ایست قلبی در سن ۶۶ سالگی درگذشت. این هنرمند اردیبهشت امسال نیز به دلیل سکته قلبی مدتی در بیمارستان بستری بود.

اکبر عبدی آقاباقر معروف به اکبر عبدی در چهارم شهریور ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۵۹ با تله‌تئاتر «سنباب‌ها» برای اولین بار جلوی دوربین رفت. همان سال با سریال «مثل‌آباد» وارد تلویزیون شد و نقطه عطف شهرتش، سریال کودکانه «باز مدرسه‌ام دیر شد» (۱۳۶۲) به کارگردانی حسین افصحی بود.

نخستین نقش‌آفرینی او در سینما در سال ۱۳۶۳ و در فیلم

«جنجال بزرگ» بود. اکبر عبدی با ایفای نقش در فیلم‌های کمدی معروف شد. با اینهمه عبدی در سال‌های بعد در فیلم‌های مطرحی چون «ای ایران» ساخته ناصر تقوایی، «دلشدگان» ساخته علی حاتمی، «ناصرالدین شاه آکتور سینما» و «هنرپیشه» ساخته محسن مخملباف نیز بازی کرد و نشان داد در ایفای نقش‌های غیرکمدی نیز توانایی برجسته‌ای دارد.

از نکات برجسته کارنامه هنری اکبر عبدی بازی در نقش زنان از جمله در فیلم‌های «آدم برفی» به تهیه کنندگی، کارگردانی و نویسندگی داوود میرباقری، «خواب می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران و «خواب‌زده‌ها» به کارگردانی فریدون جیرانی بوده است.

اکبر عبدی دو بار موفق به دریافت سیمرغ بلورین جشنواره «فجر» شد؛ یکبار در سال ۱۳۶۸ و در سن ۲۹ سالگی برای نقش غلامرضا، پسر معلول خانواده در فیلم «مادر» ساخته علی حاتمی، و بار دیگر در سال ۱۳۹۰ برای فیلم «خواب می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران.

اکبر عبدی در همه سال‌های فعالیت هنری برخلاف بسیاری هنرمندانی که در ایران فعالیت دارند در دسته منتقدان جدی جمهوری اسلامی قرار نگرفت و با برخی چهره‌های حکومتی از جمله مسعود ده‌نمکی، نویسنده و کارگران، نزدیک بود.

آخرین ویدئوی منتشر شده از اکبر عبدی که مربوط به اسفندماه گذشته است، او در حالیکه اشک می‌ریزد و بغض دارد در مقابل دوربین با انتقاد از رقم یک میلیون تومانی یارانه کالابری و مقایسه آن با قیمت یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومانی یک بطری روغن مایع می‌گوید «خدا هم به حرف ما گوش نمی‌کند. من با کسی حرفی ندارم فقط از خدا می‌خواهم به همه‌مان کمک کند. به اینوری به اونوری، به چپ به راست، به ایرانی کمک کند. چه در داخل و چه در خارج ایران، به همه‌مان کمک کند.»

فقر و گرانی؛

افزایش تقاضا برای

پرداخت اقساطی

هزینه دارو و درمان

● سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت تدوین نقشه راهی اجرایی برای تأمین پایدار دارو، هشدار داد که ادامه این وضعیت و دشواری دسترسی بیماران به دارو می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری، از جمله افزایش مرگ‌ومیرها را به همراه داشته باشد.

● رسول نظری‌فرد، موسس داروخانه بیماران خاص، گزارش داده بسیاری از بیماران برای یافتن برخی داروها ناچارند به چندین داروخانه مراجعه کنند، در حالی که همان داروها به آسانی در بازار غیررسمی، شبکه‌های واسطه‌ای و فضای مجازی عرضه می‌شوند.

● وبسایت «اقتصاد نیوز» گزارش داده برخی بیماران به دلیل مشکلات اقتصادی برای دریافت تخفیف در هزینه ویزیت با پزشکان چانه‌زنی می‌کنند و در مواردی نیز درمان را به صورت اقساطی انجام می‌دهند.

● «اقتصاد نیوز» هشدار داده «وقتی دارو هم قسطی می‌شود، یعنی فشار هزینه‌ها از کالاهای مصرفی عبور کرده و به ضروری‌ترین بخش زندگی رسیده است.»

بحران کمبود و گرانی دارو با هشدار جدی فعالان صنفی صنعت داروسازی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است. دولت در حالی نسبت به افزایش چند برابری قیمت اقلام دارویی بی‌اعتنا بوده که گزارش‌ها از قسطی شدن خرید دارو و پرداخت هزینه درمان حکایت دارند.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفت: «امروز با کمبود جدی و بحرانی دارو در کشور مواجهیم و از سوی دیگر، به دلیل مشکلات تأمین مواد اولیه وارداتی، شاهد افزایش قیمت دارو نیز هستیم. باید برای رفع این مشکل، یک برنامه عملیاتی داشته باشیم.» وی با تأکید بر ضرورت تدوین نقشه راهی اجرایی برای تأمین پایدار دارو، هشدار داد که ادامه این وضعیت و دشواری دسترسی بیماران به دارو می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری، از جمله افزایش مرگ‌ومیرها را به همراه داشته باشد.

دکتر بهمن صبور رئیس انجمن داروسازان تهران نیز با اشاره به دلایل افزایش قیمت دارو و برخی کمبودهای اخیر در بازار دارویی، گفته است «ریشه بسیاری از مشکلات کنونی صنعت دارو، سرکوب طولانی‌مدت قیمت‌ها، افزایش هزینه‌های تولید و کمبود نقدینگی در زنجیره تأمین است.» او هشدار داد که تداوم این شرایط می‌تواند روند تأمین دارو را با چالش مواجه کند.

همایون سامه‌بیج نجف‌آبادی، عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی اعلام کرده «محاصره دریایی و اختلال در حمل‌ونقل» از عوامل افزایش هزینه‌ها و دشوار شدن انتقال اقلام دارویی هستند. او همچنان تأکید کرده که تاخیر در تخصیص ارز، همراه با کمبود

یعنی فشار هزینه‌ها از کالاهای مصرفی عبور کرده و به ضروری‌ترین بخش زندگی رسیده است.»

بر اساس این گزارش، اپلیکیشن‌ها و وبسایت‌های حوزه سلامت نیز برای ویزیت آنلاین پزشکان، روان‌شناسان و روان‌پزشکان، از کدهای تخفیف و طرح‌های تشویقی استفاده می‌کنند. همچنین «برخی پزشکان می‌گویند بیمارانی را می‌بینند که ویزیت می‌شوند، اما آزمایش، عکس، دارو یا جلسه بعد را عقب می‌اندازند. در درمان‌های ادامه‌دار، این عقب‌انداختن خطرناک‌تر است؛ بیمار فیزیوتراپی را نیمه‌کاره رها می‌کند، تراپی را بعد از دو جلسه قطع می‌کند یا دارو را نصفه مصرف می‌کند تا دیرتر تمام شود.»

بر اساس این گزارش، فشارهای اقتصادی در حوزه

پرداخت هزینه دارو شده است. در آنسو تعرفه خدمات درمانی نیز افزایش یافته بطوریکه تورم بخش دارو و درمان از تورم عمومی اقتصاد کشور بیشتر شده است. همین روند سبب افزایش تقاضا برای پرداخت اقساطی هزینه دارو و خدمات درمانی شده است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصادنیوز» گزارش داده که برخی بیماران به دلیل مشکلات اقتصادی برای دریافت تخفیف در هزینه ویزیت با پزشکان چانه‌زنی می‌کنند و در مواردی نیز درمان را به صورت اقساطی انجام می‌دهند. این گزارش با اشاره به تورم سالانه ۶۲ درصدی کشور در خرداد ۱۴۰۵ و تورم ماهانه ۲۳/۱ درصدی گروه بهداشت و درمان در اردیبهشت، نوشته بسیاری از بیماران به دلیل

نقدینگی، واردات دارو را با مشکلات بیشتری روبه‌رو کرده است.

کمبود دارو سلامت بیماران به ویژه مبتلایان به بیماری‌های خاص را تهدید می‌کند. رسول نظری‌فرد، موسس داروخانه بیماران خاص، گزارش داده بسیاری از بیماران برای یافتن برخی داروها ناچارند به چندین داروخانه مراجعه کنند، در حالی که همان داروها به آسانی در بازار غیررسمی، شبکه‌های واسطه‌ای و فضای مجازی عرضه می‌شوند.

این داروساز با تأکید به اینکه بخشی از مشکلات بازار دارو نه به تولید، بلکه به نحوه توزیع و ضعف نظارت بر عرضه دارو بازمی‌گردد گفته «دسترسی افراد متعدد به برخی سامانه‌ها و نبود نظارت کافی می‌تواند زمینه صدور



روان‌درمانی نمود بیشتری دارد و برخی مراجعان خواستار تعویق پرداخت هزینه جلسات یا کاهش تعداد آن‌ها هستند: «روان‌درمانی قرار است جایی برای حرف زدن از اضطراب، فرسودگی و فشار زندگی باشد، اما خود هزینه جلسه گاهی به یکی از همان اضطراب‌ها تبدیل می‌شود.»

پیشتر نیز فعالان صنفی بر ناتوانی اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد برای پرداخت هزینه درمان تأکید کرده بودند. از جمله سعید فتاحی، مشاور کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، پیش‌تر اعلام کرد در سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از جنگ اخیر، هزینه‌های دارو و درمان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است، به گونه‌ای که حتی با وجود پوشش بیمه تکمیلی، بازنشستگان ناچارند بخش قابل توجهی از هزینه‌های درمانی را شخصا پرداخت کنند.

در آنسو کمبود برخی داروهای سرطان، شماری از داروهای بیماران مبتلا به ام‌اس، برخی انسولین‌های خارجی، داروهای دیابت، داروهای اعصاب و روان و برخی فرآورده‌های خونی همچنان ادامه دارد. این موضوع در کنار افزایش قیمت دارو سبب کاهش دسترسی بیماران به دارو و ایجاد عوارضی جدی برای آنها شده است.

فشار مالی، درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند یا مصرف دارو را کاهش می‌دهند.

بر اساس این گزارش، خدمات دندانپزشکی در حال حاضر «پررنگ‌ترین ویت‌ترین» درمان اقساطی است و بسیاری از کلینیک‌ها و پلتفرم‌ها خدماتی مانند ایمپلنت، ارتودنسی، عصب‌کشی و لمینیت را با امکان پرداخت اقساطی، وام یا بازپرداخت چندماهه عرضه می‌کنند.

در این گزارش آمده که «درد دندان منتظر حقوق ماه بعد نمی‌ماند. کسی که دندان‌ش عفونت کرده یا باید عصب‌کشی کند، نمی‌تواند همیشه درمان را عقب بیندازد. بنابراین قسطی شدن برای او هم فرصت است، هم علامت هشدار؛ فرصت از این جهت که درمان را ممکن می‌کند، هشدار از این جهت که هزینه ضروری زندگی به بدهی ماه‌های بعد منتقل شده است.»

در گزارش «اقتصادنیوز» آمده که روند پرداخت اقساطی به خدمات دندانپزشکی محدود نمانده و برخی داروخانه‌های آنلاین و سرویس‌های اعتباری نیز امکان خرید اقساطی دارو، مکمل‌ها و محصولات سلامت‌محور را فراهم کرده‌اند. این گزارش هشدار داده «وقتی دارو هم قسطی می‌شود،

نسخه‌های صوری یا غیرواقعی را فراهم کند؛ نسخه‌هایی که در نهایت به دریافت دارو از شبکه رسمی و عرضه آن در بازار آزاد منجر می‌شوند.»

رسول نظری‌فرد توضیح داده «دارویی که بیمار می‌تواند با نسخه و بیمه با چندصد هزار تومان تهیه کند، گاهی در بازار غیررسمی با قیمت گزاف به فروش می‌رسد. این مسئله در خصوص داروهای کمیاب بیشتر صدق می‌کند؛ که در داروخانه پیدا نمی‌شوند، اما در بازار سیاه و پلتفرم‌های دیجیتال چرا، آن هم با قیمت‌هایی که چندین برابر نرخ رسمی است.»

گزارش فعالان صنفی نشان‌دهنده کمبود دارو در اقلام مهم و حیاتی داروهاست؛ از جمله بعضی داروهای سرطان مانند متوترکسات، برخی اینترفرون‌های مورد استفاده بیماران ام‌اس، تعدادی از انسولین‌های خارجی، برخی داروهای دیابت، داروهای اعصاب و روان مانند آسترا و نیز برخی فرآورده‌های خونی مورد نیاز بیماران هموفیلی.

اینهمه در حالیست که قیمت دارو نیز با افزایش ۲۰۰ تا ۷۰۰ درصدی در اقلام مختلف روبرو شده است. این افزایش در بازه کوتاه مدت چند ماهه سبب ناتوانی بیماران در

تنش آبی ۵۸ شهر و ۳۴ میلیون نفر در ایران را تهدید می‌کند



رسیده است که این رقم ۱۴ درصد بالاتر از میانگین جهانی است. این وضعیت که در کنار کشورهای همسایه مانند امارات و اردن، نشان‌دهنده یک بحران فراگیر منطقه‌ای است، ایران را با چالش جدی امنیت آبی مواجه کرده است. دکتر بنفشه زهرایی، رئیس مؤسسه آب دانشگاه تهران، با اشاره به بیان آبی اخیر اعلام کرد که میزان آب تجدیدپذیر کشور به ۹۲ میلیارد مترمکعب سقوط کرده است. این در حالی است که در دوره قبل، این رقم ۱۱۰ میلیارد مترمکعب بود. به عبارتی، ایران در فاصله‌ای کوتاه، ۱۷ میلیارد مترمکعب از ذخایر تجدیدپذیر خود را از دست داده و هم‌اکنون تمام ظرفیت آبی جایگزین‌شونده خود را به صورت کامل مصرف می‌کند.

کاهش منابع آب تنها یک شاخص آماری نیست؛ این بحران هم‌اکنون منجر به «مهاجرت‌های اجباری» شده است. بنا بر آمارهای رسمی، تنها در بازه سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲، بیش از ۸۰۰ هزار نفر به دلیل تبعات تغییرات اقلیمی از استان‌های جنوبی و مرکزی به سمت شمال ایران کوچ کرده‌اند. این جابه‌جایی جمعیتی علاوه بر تهدید امنیت غذایی، پتانسیل بروز تنش‌های اجتماعی را نیز افزایش داده است.

به عقیده کارشناسان عبور از بحران آب تنها با اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه زیرساخت‌ها امکان‌پذیر نیست. تداوم این چالش، نیازمند تقویت حکمرانی آب، مدیریت علمی منابع، بازنگری در شیوه تخصیص آب، کاهش هدررفت در شبکه‌های توزیع شهری و کشاورزی و اجرای برنامه‌های مؤثر برای سازگاری با کم‌آبی است. در کنار این اقدامات، توسعه بازچرخانی آب، اصلاح الگوی کشت و سرمایه‌گذاری هدفمند باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد.

کارشناسان همچنین تأکید دارند استفاده از آب‌های غیرمتعارف، بازچرخانی ۹۰ درصدی پساب و آموزش فناوری‌های نوین به کشاورزان (مانند طرح موفقی حوضه دریاچه ارومیه که منجر به کاهش ۳۰ درصدی مصرف آب شد)، از جمله راهکارهای عملی برای حفظ توسعه پایدار و صیانت از محیط زیست ایران است.

بخش‌های مختلف مصرف را با چالش مواجه کند. حسینعلی شهریاری، نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی نیز گفته است استان سیستان و بلوچستان با بحران جدی تأمین آب روبروست و شهر زاهدان هزار لیتر آب در ثانیه کسری دارد و به دلیل توقف دو پروژه آبرسانی، برخی مناطق فقط هفته‌ای یک یا دو روز آب دارند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین از هزینه‌های سنگین تأمین آب برای شهروندان در این استان خبر داده و گفته است خانواده‌ها برای خرید آب از تانکرهای شخصی، برای هر مترمکعب بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار تومان پرداخت می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از مردم توان پرداخت این هزینه را ندارند. از سوی دیگر علیرضا شریعت، دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران، با رد تصور بهبود شرایط آبی کشور صرفاً بر اساس میانگین بارندگی‌های کشوری، نسبت به تداوم بحران آب در فلات مرکزی هشدار داده است.

او تأکید کرده که توزیع نامتوازن بارش‌ها، ۵ سال خشکسالی متوالی و تمرکز ۶۰ درصدی جمعیت در این مناطق، نیازمند تغییرات اساسی در حکمرانی آب، اصلاح شبکه توزیع و بازنگری در آمایش سرزمین است. به گفته علیرضا شریعت فلات مرکزی ایران که میزبان بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور است، بیشترین فشار را بر منابع آب زیرزمینی وارد می‌کند. او تأکید کرده پنج سال خشکسالی پیاپی، سفره‌های آب زیرزمینی را به شدت تخلیه کرده و یک سال بارش مناسب نمی‌تواند این کسری انباشته را جبران کند. علاوه بر خشکسالی اقلیمی، فرسودگی شبکه‌های توزیع، یکی دیگر از چالش‌های بزرگ است. در بسیاری از کلانشهرها، حجم قابل توجهی از آب تصفیه‌شده، پیش از رسیدن به دست مصرف‌کننده به دلیل فرسودگی لوله‌ها هدر می‌رود. شریعت تأکید می‌کند که نوسازی شبکه آبرسانی تهران به تنهایی می‌تواند ظرفیتی معادل احداث یک تا دو سد بزرگ برای تأمین آب پایتخت ایجاد کند.

بر اساس آخرین داده‌های جهانی، نرخ از دست رفتن منابع آبی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲ به ۷۵ درصد

● آخرین آمار وضعیت مخازن سدهای کشور تا تاریخ ۲۷ تیرماه نشان می‌دهد تنها ۶۲ درصد ظرفیت مخازن پر شده و ۹ سد مهم کشور کمتر از ۲۰ درصد حجم ذخیره دارند.

● علیرضا شریعت، دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران، با رد تصور بهبود شرایط آبی کشور صرفاً بر اساس میانگین بارندگی‌های کشوری، نسبت به تداوم بحران آب در فلات مرکزی هشدار داده است.

● فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفته است در حال حاضر ۱۲ استان کشور در شرایط زیرنرمال قرار دارند و مدیریت تنش شرب برای جمعیتی بالغ بر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های بخش آب به شمار می‌رود.

در حالیکه گزارش‌ها از تشدید بحران کم‌آبی در ایران حکایت دارند، داده‌های بین‌المللی نشان می‌دهد حدود ۷۵ درصد از منابع آبی ایران در سه دهه اخیر از بین رفته است. در حال حاضر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر کشور دچار تنش آبی هستند.

در سال آبی رو به پایان کنونی بارش‌ها نسبت به سال گذشته ۶۱ درصد افزایش یافته، اما بررسی شاخص خشکسالی SPI در مقیاس کشوری از تداوم شش سال متوالی خشکسالی حکایت دارد. آخرین آمار وضعیت مخازن سدهای کشور تا تاریخ ۲۷ تیرماه نشان می‌دهد تنها ۶۲ درصد ظرفیت مخازن پر شده و ۹ سد مهم کشور کمتر از ۲۰ درصد حجم ذخیره دارند.

فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور گفته است در حال حاضر ۱۲ استان کشور در شرایط زیرنرمال قرار دارند و مدیریت تنش شرب برای جمعیتی بالغ بر ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های بخش آب به شمار می‌رود. تداوم کم‌بارشی در این استان‌ها می‌تواند به کاهش تولید آب در ماه‌های آینده، افت رواناب‌های سطحی، کاهش ورودی سدها و افزایش فشار بر منابع آب زیرزمینی منجر شود و در نهایت تأمین آب در

آتش دوباره بر جان هورالعظیم افتاد



شود تا به بخش ایرانی هورالعظیم برسد، این بخش آبگیری شود و از آتش‌سوزی‌های بعدی جلوگیری شود. همچنین قرار بود مازاد آب به بخش عراقی منتقل شود، اما این اتفاق نیفتاد.

او در ادامه گفته آبی که رهاسازی شده بود، عملاً نتوانست تالاب را آبگیری کند. از همان زمان، با توجه به اینکه مدل‌های هواشناسی افزایش دمای قابل توجه امسال را نسبت به سال‌های گذشته پیش‌بینی کرده بودند، کارشناسان هشدار می‌دادند که وقوع آتش‌سوزی در منطقه قطعی خواهد بود.

لیندا آشتیانی «در این شرایط، دو راهکار وجود داشت؛ نخست اینکه حقایق تالاب تأمین شود. علاوه بر آبگیری بستر تالاب، باید به موضوع نزارهای عظیم هورالعظیم توجه می‌شد؛ چراکه این نزارها یکی از قابل اشتعال‌ترین منابع منطقه هستند. بخش‌هایی از این نزارها سال‌هاست خشک شده و در واقع به یک پمپ ساعتی تبدیل شده‌اند که هر لحظه با افزایش دما امکان شعله‌ور شدن دارند. همین اتفاق هم رخ داده است. در چند سال اخیر نیز آتش‌سوزی‌ها معمولاً از نزارها آغاز شده و سپس به بخش‌های داخلی تالاب گسترش پیدا کرده است.»

او افزوده راهکار دوم این بود که اگر وزارت نیرو حقایق را پرداخت نمی‌کند، حداقل تجهیزات کافی در اختیار منطقه و نیروهای عملیاتی قرار گیرد تا محیط‌بانان بتوانند در صورت وقوع چنین حوادثی، به‌موقع وارد عمل شوند و آتش را مهار کنند. اما این اتفاق هم رخ نداد. تجهیزات و امکانات جدیدی فراتر از آنچه از قبل در منطقه وجود داشت، تأمین نشد.

لیندا آشتیانی گفته در نتیجه، نه پیشگیری انجام شد و نه امکان مدیریت به‌موقع بحران فراهم شد. در حال حاضر بخشی از آتش مهار شده، اما بخش دیگری همچنان باقی مانده است که دقیقاً در منطقه‌ای صعب‌العبور قرار دارد.

بررسی‌های انجام‌شده، علت آن آتش زدن پوشش گیاهی توسط دامداران برای برداشت علوفه بود. این آتش‌سوزی در مدت کوتاهی مهار و خاموش شد و خسارتی به تالاب وارد نکرد.

تالاب هورالعظیم، یکی از بزرگ‌ترین تالاب‌های مرزی ایران و عراق، در جنوب غرب استان خوزستان و در محدوده شهرستان‌های هویزه و دشت‌آزادگان قرار دارد. این تالاب علاوه بر نقش مهم در حفظ تنوع زیستی، در کنترل گردوغبار، تعدیل اقلیم منطقه و تأمین معیشت کشاورزان و دامداران منطقه دارد.

تالاب هورالعظیم از جمله تالاب‌هایی است که به علت سوءمدیریت مقامات جمهوری اسلامی با خشکی روبرو شده است. گردوغبار بلندشده از بستر خشک شده تالاب و دود و غبار ناشی از آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در آن از جمله دلایل مهم آلودگی هوای استان خوزستان و شهر اهواز است.

لیندا آشتیانی، فعال حوزه محیط زیست و پژوهشگر حوزه هورالعظیم، در گفتگو با خبرگزاری «رکنا» پرداخت نشدن حقایق تالاب هورالعظیم را علت اصلی آتش‌سوزی‌ها ارزیابی کرده است: «تقریباً در ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر، حقایق هورالعظیم پرداخت نشده است؛ جز در سال ۹۸ و در جریان سیلاب آن سال که البته آن هم نمی‌توانست به عنوان تأمین حقایق تالاب تعریف شود. حجم آب سیلاب به اندازه‌ای بود که مسئولان مجبور شدند مخزن سد کرخه را باز کنند و در نتیجه، آب تا بخشی از تالاب وارد شد و امکان آبگیری بخشی از آن فراهم شد؛ آن هم نه به صورت کامل. ضمن اینکه شرکت‌های نفتی در قسمت جنوبی اجازه آبگیری کامل را ندادند.»

این فعال محیط زیست افزوده در تمام این سال‌ها حقایق هورالعظیم تأمین نشده است. زمانی که بخش عراقی تالاب در سال گذشته دچار آتش‌سوزی شد، قرار شد از سد سیمره ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب رهاسازی

● آتش‌سوزی بزرگی از ظهر روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در شمال تالاب هورالعظیم آغاز شده و به علت عدم امکان دسترسی نیروهای عملیاتی به محل وقوع حریق، آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد.

● رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان گفته حدود چهار روز پیش نیز بخشی از تالاب هورالعظیم دچار آتش‌سوزی شد که بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، علت آن آتش زدن پوشش گیاهی توسط دامداران برای برداشت علوفه بود. این آتش‌سوزی در مدت کوتاهی مهار و خاموش شد و خسارتی به تالاب وارد نکرد.

● تالاب هورالعظیم از جمله تالاب‌هایی است که به علت سوءمدیریت مقامات جمهوری اسلامی در بخش محیط زیست و حذف حقایق با خشکی روبرو شده است. گردوغبار بلندشده از بستر خشک شده تالاب و دود و غبار ناشی از آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در آن از جمله دلایل مهم آلودگی هوای استان خوزستان و شهر اهواز است.

آتش‌سوزی در بخشی از تالاب هورالعظیم که از ظهر روز گذشته آغاز شده، همچنان ادامه دارد و به گفته مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان عامل انسانی در بروز این آتش‌سوزی نقش داشته است.

آتش‌سوزی بزرگی از ظهر روز سه‌شنبه ششم مرداد ۱۴۰۵ در شمال تالاب هورالعظیم آغاز شده و به علت عدم امکان دسترسی نیروهای عملیاتی به محل وقوع حریق، آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد.

موسی مدحی رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان در گفتگو با خبرگزاری «مهر» علت اولیه این آتش‌سوزی را اقدام برخی گاو‌میش‌داران منطقه برای سوزاندن پوشش گیاهی با هدف رویش علوفه تازه عنوان کرد.

به گفته موسی مدحی حدود چهار روز پیش نیز بخشی از تالاب هورالعظیم دچار آتش‌سوزی شد که بر اساس

خانوارهای کارگری در ایران تنها دو ماه دیگر در برابر فقر و فلاکت «تاب‌آوری» دارند



را اخراج می‌کنند. در همین حال اکبر شوکت دبیر اجرایی خانه کارگر استان قم و عضو پیشین هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی هشدار داده «روند بیکاری و پس از آن ناتوانی واحدهای تولیدی و خدماتی در پرداخت مزد، در این شرایط تعلیق میان جنگ و صلح و فشار اقتصادی، به سمتی خواهد رفت که بعید به نظر می‌رسد که کارگران با این اوضاع بیش از دوماه تاب‌آوری اقتصادی داشته باشند. پس از این دو ماه در پایان همین تابستان، در صورت عدم تغییر اوضاع (یا از طریق تدابیر ویژه اقتصادی و یا تدابیر غیر اقتصادی)، قطعاً با التهابات فراوانی در این بخش مواجه می‌شویم.»

خبرگزاری «ایلنا» نیز در گزارشی نوشته این روزها، بحث در رابطه با «تاب‌آوری معیشتی مردم» به یکی از موضوعات داغ در رسانه‌های اصلی تبدیل شده است؛ سؤالاتی عموماً بدون جواب روشن مطرح می‌شوند: مردم تا کجا گرانی‌ها و فشارهای اقتصادی را تاب می‌آورند و ساختارهای حاکمیتی تا چه اندازه عامل «تاب‌آوری اقتصادی و معیشتی» را به عنوان یک اولویت اصلی در تصمیم‌سازی‌های کلان، در نظر می‌گیرند.

در این گزارش تأکید شده بر اساس داده‌ها و برآوردها، مزدبگیران بخش‌های مختلف بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند؛ اما در چند دهه‌ی اخیر، این جمعیت گسترده دچار دگردیسی ساختاری و بنیادین شده است. در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ شمسی، بخش قابل توجهی از مزد و حقوق‌بگیران به طبقه‌ی متوسط تعلق داشتند، طبقه‌ای که طبق تعریف‌های پایه‌ای اقتصاد،

ادامه دارد. از سوی دیگر به گفته فعالان کارگری بسیاری از کارفرمایان به بهانه شرایط جنگی حقوق و مزایای شغلی و بیمه‌ای کارکنان شاغل را نیز با تأخیر پرداخت می‌کنند. برای نمونه در روزهای گذشته شماری از رانندگان اتومبیل‌های استیجاری مراکز بهداشتی علوم پزشکی چابهار، کارگران شاغل در شهرداری شهرستان صحنه و کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن ماهشهر، از عقب‌افتادن پرداخت حقوق، عدم پرداخت مزایا، کسر حقوق، بلاتکلیفی شغلی خبر داده‌اند.

از سوی دیگر حدود ۳۰۰ کارگر مجتمع فولاد اژنا که سال‌هاست با تعطیلی کارخانه از کار بیکار شده‌اند، بار دیگر خواستار راه‌اندازی این واحد تولیدی شدند. آنان می‌گویند بخش عمده تجهیزات کارخانه همچنان قابل استفاده است و تنها کمبود سرمایه در گردش مانع از آغاز دوباره تولید شده است.

کارگران کارخانه سرچین‌بافت زنجان می‌گویند از ابتدای سال جاری چهار ماه حقوق و حق بیمه دریافت نکرده‌اند. به گفته آنان، مدیریت کارخانه اعلام کرده در حال حاضر منابع مالی برای پرداخت مطالبات وجود ندارد و کارگرانی که مایل به ادامه همکاری نیستند، می‌توانند محل کار را ترک کنند.

دولت حتی برای حمایت از کارگران و کارمندان در شهرهای درگیر با حملات نظامی آمریکا از جمله در بندرعباس و ماهشهر نیز اقدامی انجام نداده است. فعالان کارگری می‌گویند نه تنها کارگران ناچار هستند در شرایط کاری کار کنند که با حقوق و مزایای شغلی آنها عقب می‌افتد یا کارفرمایان با سوءاستفاده از شرایط جنگی کارگران

● موج بیکاری و اخراج نیروی کار که از اسفندماه گذشته و با آغاز جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی آغاز شد همچنان ادامه دارد.

● به گفته فعالان کارگری بسیاری از کارفرمایان به بهانه شرایط جنگی حقوق و مزایای شغلی و بیمه‌ای کارکنان شاغل را نیز با تأخیر پرداخت می‌کنند.

● اکبر شوکت فعال کارگری هشدار داده روند بیکاری و پس از آن ناتوانی واحدهای تولیدی و خدماتی در پرداخت حقوق، در این شرایط تعلیق میان جنگ و صلح و فشار اقتصادی، به سمتی خواهد رفت که بعید به نظر می‌رسد کارگران بیش از دوماه تاب‌آوری اقتصادی داشته باشند.

● خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی با اشاره به کاهش ارزش واقعی دستمزدها به علت تعیین ارقام دستوری و رسمی دستمزد که طی سالهای گذشته همواره کمتر از نرخ تورم بوده، از این پدیده به عنوان «حقوق‌زدایی» یاد کرده و نوشته این روند در موازات شوک‌های پایایی اقتصادی، طبقه متوسط را از مدار زندگی شهری ایران خارج کرده است.

یک فعال کارگری هشدار داده روند بیکاری و پس از آن ناتوانی واحدهای تولیدی و خدماتی در پرداخت حقوق، در این شرایط تعلیق میان جنگ و صلح و فشار اقتصادی، به سمتی خواهد رفت که بعید به نظر می‌رسد کارگران بیش از دوماه تاب‌آوری اقتصادی داشته باشند.

گزارش‌ها از تشدید فشارهای معیشتی خانوارهای حقوق‌بگیر در ایران حکایت دارد. موج بیکاری و اخراج نیروی کار که از اسفندماه گذشته و با آغاز جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی آغاز شد همچنان

اتحادیه اروپا پنج قاضی و یک هکر جمهوری اسلامی را تحریم کرد



خیزش ضدحکومتی، تهران سال ۱۴۰۱

محمدی برنده جایزه صلح نوبل را بر اساس اتهام‌های مبهم مرتبط با امنیت ملی و مسائل مذهبی محاکمه کرده‌اند. این دادگاه‌ها در موارد مختلف برای مخالفان سیاسی و فعالان حقوق بشر، از جمله در ارتباط با خیزش ۱۴۰۱ در سال ۲۰۲۲ پس از جان باختن «مهسا امینی» احکام اعدام، حبس‌های طولانی، شلاق، جریمه نقدی یا مجازات‌های تکمیلی صادر کرده‌اند.

علاوه بر این، نیما صالحی هکر و مهندس کامپیوتر ایرانی و بنیانگذار و از چهره‌های اصلی گروه سایبری «آشیانه» نیز تحریم شده است.

بر اساس بیانیه شورای اتحادیه اروپا، شرکت «آشیانه امنیت دیجیتال» همکاری نزدیکی با پلیس فتا و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد و مسئول اجرای حملات گسترده سایبری علیه مخالفان داخلی و همچنین نهادهای خارجی بوده و از این طریق به سرکوب مخالفان توسط حکومت کمک کرده است.

در این بیانیه آمده، تحریم‌های اتحادیه اروپا در ارتباط با نقض حقوق بشر در ایران اکنون شامل ۲۶۹ فرد و ۵۳ نهاد می‌شود. این اقدامات شامل مسدود شدن دارایی‌ها، ممنوعیت سفر به کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ممنوعیت در اختیار قرار دادن هرگونه منابع مالی یا اقتصادی به افراد و نهادهای تحریم شده است. همچنین ممنوعیت صادرات تجهیزات به ایران که ممکن است برای سرکوب داخلی، از جمله تجهیزات نظارت بر ارتباطات مخابراتی، مورد استفاده قرار گیرد، همچنان برقرار است.

اتحادیه اروپا در پایان تأکید کرده است که قاطعانه از خواسته‌های بنیادین مردم ایران برای آینده‌ای حمایت می‌کند که در آن حقوق بشر جهانی و آزادی‌های اساسی آنان بطور کامل مورد احترام، حمایت و اجرا قرار گیرد.

● شورای اتحادیه اروپا پنج قاضی دادگاه‌های انقلاب اسلامی و یک هکر حکومتی را که «مسئول نقض جدی حقوق بشر در ایران» شناخته شده‌اند، تحریم کرد.

● شورای اتحادیه اروپا ۲۴ ژوئیه (دوم مرداد) نام پنج قاضی دادگاه‌های انقلاب در استان‌های مختلف ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

● این قضات ریاست دادگاه‌هایی را بر عهده داشته‌اند که اقلیت‌های مذهبی و مخالفان سیاسی، از جمله نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل را بر اساس اتهام‌های مبهم مرتبط با امنیت ملی و مسائل مذهبی محاکمه کرده‌اند.

● علاوه بر این، نیما صالحی هکر و مهندس کامپیوتر ایرانی و بنیانگذار و از چهره‌های اصلی گروه سایبری «آشیانه» نیز تحریم شده است.

● بر اساس بیانیه شورای اتحادیه اروپا، شرکت «آشیانه امنیت دیجیتال» همکاری نزدیکی با پلیس فتا و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد و مسئول اجرای حملات گسترده سایبری علیه مخالفان داخلی و همچنین نهادهای خارجی بوده و از این طریق به سرکوب مخالفان توسط حکومت کمک کرده است.

شورای اتحادیه اروپا پنج قاضی دادگاه‌های انقلاب اسلامی و یک هکر حکومتی را که «مسئول نقض جدی حقوق بشر در ایران» شناخته شده‌اند، تحریم کرد.

شورای اتحادیه اروپا ۲۴ ژوئیه (دوم مرداد) نام پنج قاضی دادگاه‌های انقلاب اسلامی در استان‌های مختلف ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار داد.

این قضات ریاست دادگاه‌هایی را بر عهده داشته‌اند که اقلیت‌های مذهبی و مخالفان سیاسی، از جمله نرگس

دغدغه‌ی نان شب ندارد و اقتصاد، روبنا و زیربنای زندگی آنان را تشکیل نمی‌دهد.

خبرگزاری «ایلنا» با اشاره به کاهش ارزش واقعی دستمزدها به علت تعیین ارقام دستوری و رسمی دستمزد که طی سالهای گذشته همواره کمتر از نرخ تورم بوده، از این پدیده به عنوان «حقوق‌زدایی» یاد کرده و نوشته این روند در موازات شوک‌های پی‌پی‌اقتصادی، طبقه متوسط را از مدار زندگی شهری ایران خارج کرده است.

بر اساس این گزارش آب رفتن طبقه متوسط ایران به طور مشخص از میانه‌ی دهه ۹۰ شمسی آغاز شد. اوج ریزش این طبقه زمانی اتفاق افتاد که زندگی در محدوده‌ی شهرهای بزرگ و در محله‌های برخوردار شهری از دسترس مزدبگیران طبقه متوسط خارج شد؛ کارمندان، پرستاران، معلمان و کارگران متخصص و یقه سفید هم مجبور شدند مانند کارگران ساده و روزمزد به حاشیه‌ها کوچ کنند و در مناطقی که در واقعیت «گتوهای فرودستان ایرانی» است، سکونت گزینند.

گزارش خبرگزاری «ایلنا» افزوده در گام بعدی، برای مزدبگیرانی که از زندگی آبرومندانه قبلی و رفاه نسبی روزگاران گذشته دست شسته بودند، دغدغه‌ی نان نیز به دغدغه‌ی سرپناه شایسته اضافه شد. «گوشت کیلویی چند است، آیا می‌توانیم یک کیسه گونی برنج بخریم، آیا توان مالی داریم دوستان و آشنایان را دعوت بگیریم و...» دغدغه‌ها و چالش‌های این‌چنینی به مرور خود را به زندگی مردمانی تحمیل کرد که پیش از این، دغدغه فرهنگ، مشارکت سیاسی، آموزش شایسته و در بُعد مادی، سفر به خارج از کشور و خرید خودروهای باکیفیت داشتند. این گروه عظیم شهری در چشم بر هم زدن، به طبقات فرودست جمعیتی افزوده شدند و به ناچار در صف مرغ دولتی، برنج قسطی و وام اجاره مسکن ایستادند.

مازیار گیلانی نژاد، فعال کارگری، نیز به خبرگزاری «ایلنا» گفته «در مناطق کارگرنشین، وضعیت واقعاً اسفبار است؛ شما هرگز یک جایی مثل آق تپه مهرشهر را دیده‌اید؟ همه فقیرند؛ برای نمونه می‌گویم، این روزها فروش یخچال تو این مناطق زیاد شده؛ با طرف صحبت می‌کنی، می‌گوید الان دیگر نیازی به یخچال نداریم، گوشت و مرغ که می‌توانیم بخریم؛ نهایت ۱۰ تا تخم مرغ می‌خریم، ۵ تا را امروز می‌خوریم ۵ تا را فردا؛ یخچال‌مان را بفروشیم و پولش را به یک دردی بزنیم...»

این فعال کارگری افزوده «الان اگر یک خانواده‌ای، حتی یک خانواده متوسط رو به پایین، یک وسیله خانه‌اش بسوزد، نمی‌تواند جایگزین کند؛ ماشین لباسشویی ۲۰۰ میلیون تومان است. کارگری که پول ندارد، کارگری که نزدیک ۲ ماه است بیکار شده، حتی پول خرید یک موتور کولر هم ندارد. در همین شرایط، دولت برای گرانی بیشتر مجوز صادر می‌کند؛ حتی قیمت نان در محلات کارگرنشین ۲ برابر شده؛ قبلاً کرج نان سنگک ۵۶۰۰ تومان بوده، حالا شده حدود ۱۲ هزار تومان. یعنی باید ۶۰ هزار تومان بدهی فقط ۵ تا نان سنگک بخری. وقتی طرف نان خالی نداشته باشد، باید چه کند؟ آیا ناخواسته به سمت فساد و فحشا نمی‌رود؟ اصلاً یک خانواده ۷.۸ نفره که پول ندارد روزی چند نان سنگک بخرد، چطور تاب آوری داشته باشد؟»

برخی تحلیلگران معتقدند اگر چه شرایط جنگی احتمال بروز اعتراضات خیابانی در ایران را کم کرده اما با شرایطی که اکبر شوکت و دیگر فعالان کارگری توضیح می‌دهند، فلاکت و فقر عمیق شده در میان خانوارهای حداقل‌بگیر ممکن است به زودی زمینه‌ساز اعتراضات ضدحکومتی شود.

افزایش رقم کالا برگ بی‌فایده است؛ دولت باید رقم دستمزد را متناسب با نرخ تورم افزایش دهد

● سقوط قدرت خرید خانوارها، افزایش تورم، و هشدار کارشناسان و فعالان کارگری درباره ناتوانی خانوارهای حقوق‌بگیر از ادامه شرایط کنونی، سبب مطرح شدن وعده افزایش رقم کالا برگ از سوی دولت شده است.

● محسن باقری، عضو گروه کارگری شورای عالی کار گفته برآورد اولیه نشان می‌دهد هزینه‌های بخش خوراکی و آشامیدنی سبد معیشت کارگران نسبت به گذشته افزایش قابل توجهی داشته و احتمال می‌رود این بخش با رشد حدود دو تا سه برابری مواجه شده باشد.

سقوط قدرت خرید خانوارها، افزایش تورم، و هشدار کارشناسان و فعالان کارگری درباره ناتوانی خانوارهای حقوق‌بگیر از ادامه شرایط کنونی، سبب مطرح شدن وعده افزایش رقم کالا برگ از سوی دولت شده است. کارشناسان معتقدند افزایش رقم کالا برگ نمی‌تواند فاصله میان رقم دستمزد و هزینه زندگی را پر کند و دولت باید ارقام حقوق را متناسب با نرخ تورم افزایش دهد.

دولت در نظر دارد موضوع افزایش اعتبار کالا برگ الکترونیکی را در گام اول برای دهک‌های اول تا ششم اجرا کند. یعقوب اندایش، معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با اعلام محدودیت منابع مالی تأکید کرد دهک‌های هفتم تا دهم کماکان اعتبار فعلی را دریافت خواهند کرد.

سناریوهای پیشنهادی برای سال ۱۴۰۵ افزایش اعتبار از ۲۰ تا ۳۰ درصد را شامل می‌شود و حتی ارقامی نظیر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تا دو میلیون تومان برای هر نفر نیز مطرح شده است.

هنوز زمان دقیق اجرا اعلام نشده و تصمیم نهایی به پایان بررسی‌های کارشناسی و تامین منابع مالی موکول شده است. اولویت اصلی دولت، تقویت قدرت خرید خانوارهای آسیب‌پذیر در برابر تورم کالاهای اساسی عنوان شده است. این در حالیست که به اعتقاد فعالان کارگری حتی افزایش دو برابری رقم کالا برگ الکترونیک نیز نمی‌تواند فاصله عمیق میان رقم دستمزد و هزینه زندگی را پر کند. از سوی دیگر تورم به سرعت در حال افزایش است بطوریکه رقم هزینه زندگی طی چند ماه دو برابر شده است. در چنین شرایطی افزایش سالی یکبار یا چندماه یکبار رقم کالا برگ، افزایش تورم را هم جبران نمی‌کند. در چنین شرایطی قدرت خرید خانوار همچنان سقوط می‌کند و سفره اقشار کم‌درآمد خالی‌تر از قبل می‌شود.

محسن باقری، عضو گروه کارگری شورای عالی کار گفته برآورد اولیه نشان می‌دهد هزینه‌های بخش خوراکی و آشامیدنی سبد معیشت کارگران نسبت به گذشته افزایش قابل توجهی داشته و احتمال می‌رود این بخش با رشد حدود دو تا سه برابری مواجه شده باشد.

در آنسو نیز اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه، اقداماتی تورم‌زا است که به طور مستقیم معیشت اقشار کم‌درآمد را هدف قرار می‌دهد. برای نمونه دولت در شرایطی که با کاهش درآمد و کسری بودجه روبروست برنامه افزایش قیمت بنزین با حذف یارانه سوخت را دنبال می‌کند. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت پزشکیان، گفت دولت برای مدیریت مصرف بنزین ناگزیر به اجرای راهبردهای



محسن باقری نماینده کارگران در شورای عالی کار نیز معتقد است که «اکنون قدرت خرید کارگران و مزدبگیران از اسفند پارسال هم کمتر است. درواقع اگر بخواهم با اغماض بگویم، به اندازه قدرت خرید نیروی کار به اندازه اسفند پارسال است اما اگر کمی وسواس به خرج دهیم، متوجه می‌شویم اوضاع بدتر از این حرف‌ها است و قدرت خرید کارگران به حدی کم سابقه تضعیف شده است. تأکید ما، به عنوان تیم کارگری شورای عالی کار بر ترمیم حداقل دستمزدها ناشی از این واقعیات عینی است.»

این فعال کارگری افزوده «بر اساس شرایط دشوار فعلی است که از وزیر کار می‌خواهم به عنوان رئیس شورای عالی کار، هر چه سریع‌تر تشکیل کمیته مزد را مطرح کند و جلسات شورای عالی کار با موضوع ترمیم مزد در ۱۴۰۴ را آغاز کند. شرایط مردم و کارگران، در میانه این جنگ ظالمانه، بسیار سخت و نفس‌گیر شده است و از دولت انتظار می‌رود نه تنها در مورد ترمیم حداقل دستمزد که در مورد فریز کالا برگ هم تجدید نظر کند و زمینه را برای تقویت معیشت عمومی فراهم کند.»

محمدرضا احدی پژوهشگر مطالعات فرهنگی نیز در یادداشتی نوشته نگاهی به متغیرهای اقتصادی نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر روش‌های سنتی افزایش درصدی مزد، بدون کنترل ریشه‌های تورم و ایجاد چترهای حمایتی کارآمد، اثربخشی محدودی دارد.

این پژوهشگر افزوده وقتی هزینه‌های پایه زندگی با سرعتی فراتر از رشد درآمد‌ها حرکت می‌کنند، اثر هرگونه ترمیم مزد در کوتاه‌ترین زمان ممکن مستهلک می‌شود. از این رو، راهکار اساسی را باید در اتخاذ رویکردهای جامع و چندبعدی جستجو کرد؛ رویکردی که علاوه بر بازنگری‌های دوره‌ای و منعطف در مولفه‌های مزد، بر کنترل قیمت کالاهای اساسی، ارائه تسهیلات حمایتی غیرنقدی، تامین مسکن کارگری و تقویت زیرساخت‌های درمان و تامین اجتماعی متمرکز باشند.

جدید است و تغییر قیمت با نحوه سهمیه‌بندی بنزین را قطعی است. مهاجرانی در جمع خبرنگاران گفت کشور به دلیل عرضه بنزین با قیمت یارانه‌ای، به اصلاح الگوی مصرف و ایجاد توازن در این حوزه نیاز دارد. او افزود نحوه اجرای این اصلاحات، از جمله از طریق تغییر قیمت یا سهمیه‌بندی، همچنان در دست بررسی است و پس از نهایی شدن، با شفافیت و پیش از اجرا به اطلاع مردم خواهد رسید.

افزایش قیمت بنزین به علت اثری که بر هزینه حمل و نقل دارد به معنای افزایش مستقیم و غیرمستقیم قیمت همه کالاها و خدمات است. ارشناسان معتقدند افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید، معیشت خانوارهای مزدبگیر را با مشکلات جدی مواجه کرده و تأمین بسیاری از نیازهای اولیه را برای آنان دشوار ساخته است. کارگران، کارمندان، معلمان و سایر حقوق‌بگیران که بخش بزرگی از طبقه متوسط را تشکیل می‌دادند، در سال‌های اخیر به دلیل تورم و افزایش هزینه‌های مسکن، با افت سطح رفاه و مهاجرت به حاشیه شهرها روبه‌رو شده‌اند. کارشناسان تأکید دارند تقویت قدرت خرید با افزایش رقم دستمزدها و مهار تورم، مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از تشدید فشارهای معیشتی بر اقشار مزدبگیر است.

در همین رابطه حمیدرضا یوسفی فعال کارگری گفته کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری و بازنشستگی، ضرورت بازنگری در دستمزدها را بیش از گذشته آشکار کرده است. برگزاری نشست شورای عالی کار در شهریورماه برای بررسی افزایش حقوق، می‌تواند گامی مؤثر در کاهش فشارهای معیشتی و ترمیم قدرت خرید این اقشار باشد.

به گفته حمیدرضا یوسفی ترمیم دستمزدها دیگر تنها یک مطالبه صنفی نیست، بلکه به ضرورتی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. تداوم فاصله میان درآمد و هزینه‌های زندگی، فشار سنگینی بر کارگران و بازنشستگان وارد کرده و تأمین معیشت و حفظ کرامت این اقشار باید در اولویت تصمیم‌گیری‌های دولت قرار گیرد.

صنایع درگیر خسارت ناشی از قطع برق؛ هشدار درباره کمبود گاز در زمستان امسال



● مدیریت کمبود برق با قطع برق در بخش صنعتی و خانگی از یکسو روند زندگی روزمره شهروندان را مختل کرده و از سوی دیگر خسارت در بخش تولید و صنعت را افزایش داده است. صنایع مادر و مهمی مانند فولادسازی و سیمان‌سازی پیش از دیگر بخش‌ها با جیره‌بندی برق روبرو شدند.

● رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران هشدار داده «بحران تأمین گاز می‌تواند به‌مراتب جدی‌تر از ناترازی برق در تابستان باشد و اگر دولت از هم‌اکنون برای مدیریت این وضعیت برنامه‌ریزی نکند، بخش تولید و اقتصاد کشور با چالش‌های سنگین‌تری روبه‌رو خواهند شد.»

● بر اساس آمارهای رسمی در سال گذشته ناترازی و کمبود گاز در زمستان ایران به دلیل افزایش شدید مصرف خانگی، افت فشار میادین و محدودیت‌های زنجیره تأمین، به بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری روزانه رسید.

● از سال گذشته دولت درگیر هزینه‌های ناشی از جنگ بوده و در جنگ ۴۰ روزه نیز بخشی از زیرساخت‌های گاز در عسویه آسیب دید. اینهمه بیانگر اینست که دولت نخواهد توانست تا پاییز پیش‌رو ظرفیت تولید گاز در کشور را افزایش دهد.

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران هشدار داده «بحران تأمین گاز می‌تواند به‌مراتب جدی‌تر از ناترازی برق در تابستان باشد و اگر دولت از هم‌اکنون برای مدیریت این وضعیت برنامه‌ریزی نکند، بخش تولید و اقتصاد کشور با چالش‌های سنگین‌تری روبه‌رو خواهند شد.»

مدیریت کمبود برق با قطع برق در بخش صنعتی و خانگی از یکسو روند زندگی روزمره شهروندان را مختل کرده و از سوی دیگر خسارت در بخش تولید و صنعت را افزایش داده است. صنایع مادر و مهمی مانند فولادسازی و سیمان‌سازی پیش از دیگر بخش‌ها با جیره‌بندی برق روبرو شدند.

صنعت سیمان یکی از بخش‌هایی است که در تابستان امسال با محدودیت جدی برق مواجه شده است؛ علی‌اکبر الوندیان، دبیر انجمن سیمان، اعلام کرده است که در ابتدای تابستان محدودیت ۸۵ درصدی مصرف برق این صنعت ابلاغ شد، اما با پیگیری‌های انجام‌شده حدود ۴۰۰ مگاوات برق از مدیریت شبکه برق کشور در اختیار این صنعت قرار گرفت.

این در حالی است که دیپانند قراردادی صنعت سیمان در برق منطقه‌ای حدود یک‌هزار و ۵۸۰ مگاوات است. فاصله میان نیاز و برق تخصیص‌یافته، صنایع سیمانی را به سمت خرید برق از بورس انرژی سوق داده است. این موضوع در صنعت سیمان و دیگر صنایعی که ناچار به خرید برق از بورس انرژی شده‌اند هزینه صنایع را هم افزایش داده است.

از سوی دیگر صنایع پیش از این نیز زیر فشار مشکلات ساختاری و کمبود منابع با بحران روبرو بودند. تحمیل هزینه بیشتر به صنایع با جیره‌بندی برق نه تنها بهره‌وری صنایع را دستخوش تغییر می‌کند بلکه از سوی دیگر مدیران

بیکاری و رشد تورم نمایان خواهد شد. در واقع مسئله حل نمی‌شود، بلکه تنها زمان بروز آثار آن به تعویق می‌افتد. عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران با تأکید بر اینکه صنعت در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری به حمایت نیاز دارد، تصریح کرد: تولیدکنندگان طی یک سال گذشته با مشکلات متعددی از جمله تبعات جنگ، اختلال در تأمین مواد اولیه و سایر چالش‌های اقتصادی مواجه بوده‌اند و در چنین شرایطی تحمیل خاموشی به صنایع، فشار مضاعفی بر بخش تولید وارد می‌کند.

وی راهکار خروج از این وضعیت را حرکت همزمان در سه محور افزایش تولید برق، بهینه‌سازی مصرف و کنترل رشد تقاضا دانست و اظهار کرد: تا زمانی که ناترازی انرژی پابرجاست، انتظار بخش خصوصی این است که محدودیت‌ها به‌صورت عادلانه میان همه بخش‌های مصرف توزیع شود و تمام بار کمبود انرژی بر دوش صنعت قرار نگیرد.

سعید تاجیک همچنین با هشدار نسبت کمبود گاز در زمستان پیش‌رو گفته «نگرانی اصلی اکنون به تأمین گاز در فصل سرما مربوط می‌شود، زیرا احتمال دارد بحران گاز حتی از ناترازی برق تابستان نیز جدی‌تر باشد. دولت باید از هم‌اکنون برای مدیریت این وضعیت برنامه‌ریزی کند تا کشور در ماه‌های آینده با مشکلات گسترده‌تری روبرو نشود.»

بر اساس آمارهای رسمی در سال گذشته ناترازی و کمبود گاز در زمستان ایران به دلیل افزایش شدید مصرف خانگی، افت فشار میادین و محدودیت‌های زنجیره تأمین، به بیش از ۴۵۰ میلیون مترمکعب کسری روزانه رسید. این در حالیست که از سال گذشته دولت درگیر هزینه‌های ناشی از جنگ بوده و در جنگ ۴۰ روزه نیز بخشی از زیرساخت‌های گاز در عسویه آسیب دید. اینهمه بیانگر اینست که دولت نخواهد توانست تا پاییز پیش‌رو ظرفیت تولید گاز در کشور را افزایش دهد.

را ناچار به راهکارهایی جبرانی برای کاهش هزینه‌ها می‌کند؛ در این شرایط اخراج بخشی از کارگران برای کاهش هزینه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد.

احمد مرادی نایب‌رئیس کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی با انتقاد از رویکرد فعلی دولت در قطع برق بخش صنعت تأکید کرده است که اولویت تأمین انرژی باید از بخش خانگی به سمت بخش مولد و صنعتی تغییر یابد، چرا که صنایعی که میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند با قطع برق به حاشیه می‌روند.

سعید تاجیک، رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران نیز با اشاره به شیوه مدیریت کمبود برق با جیره‌بندی بخش صنعت و خانگ اعلام کرد که انتقال بار ناترازی برق به صنایع، راه‌حل مسئله نیست و تنها تبعات اقتصادی آن را به آینده موکول می‌کند.

سعید تاجیک توضیح داد «واقعیت این است که دولت ملاحظات اجتماعی را در اولویت قرار داده است. قطع برق صنایع کمتر در معرض دید افکار عمومی قرار می‌گیرد و صدای بخش تولید نیز به اندازه مشتریان خانگی شنیده نمی‌شود؛ به همین دلیل، دولت ترجیح می‌دهد برق بخش خانگی را حفظ کند و فشار کمبود برق را به صنایع منتقل کند.»

رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران افزود «این رویکرد در عمل به معنای انتقال مشکل از یک بخش به بخش دیگر است، نه حل آن. با قطع برق صنایع، تولید کاهش پیدا می‌کند، رشد اقتصادی آسیب می‌بیند و حتی درآمد صنعت برق نیز افت می‌کند؛ زیرا تعرفه برق صنایع به‌مراتب بالاتر از تعرفه بخش خانگی است و کاهش مصرف این بخش از نظر اقتصادی نیز به زیان صنعت برق خواهد بود.»

سعید تاجیک افزود: شاید سیاست قطعی برق صنایع در کوتاه‌مدت بتواند فشارهای اجتماعی را کاهش دهد، اما پیامدهای آن چند ماه بعد در قالب افت تولید، افزایش



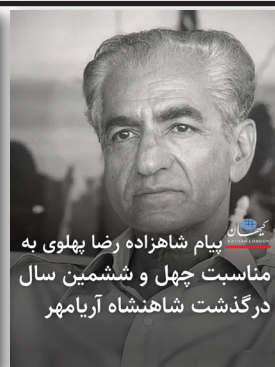
جدال جمهوری اسلامی با اوکراین؛ ولودیمیر زلنسکی، روسیه به رژیم ایران اطلاعات پایگاه‌های آمریکا را می‌دهد



دیدار جمعی از پزشکان مهندوست با شاهزاده رضا پهلوی



پیام شهبانو فرح به مناسبت چهل و ششمین سال درگذشت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر



پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت چهل و ششمین سال درگذشت شاهنشاه آریامهر



پیام ۶۸ تن از زندانیان سیاسی پادشاهی‌خواه بمناسبت سالروز درگذشت رضاشاه کبیر و محمدرضاشاه پهلوی



قیمت آتی نفت برنت از هرز ۱۰۱ دلار عبور کرد؛ نوسان قیمت‌ها در بازار فلزات گران‌بها



پیش‌بینی دلار ۲۸۰ هزار تومانی و هشدار درباره بروز «اثر تورم» در اقتصاد ایران



تشدید بحران کمبود آب در سیستان‌بلوچستان



ادامه صدور سریالی احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴؛ هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد واکنش نشان داد



افزایش رقم کالابری بی‌فایده است؛ دولت باید رقم دستمزد را متناسب با نرخ تورم افزایش دهد



تأیید حکم اعدام بنیامین نقدی در دیوان عالی کشور



تلاش رژیم ایران برای انتقال میدان جنگ به کویت و یمن



اتحادیه اروپا پنج قاضی و یک هکر جمهوری اسلامی را تحریم کرد



نظرسنجی «ایسپا»؛ استفاده بیش از ۹۸ درصد از کاربران اینترنت در ایران از پلتفرم‌های خارجی



شایان اویس‌قرن دانشمند جوان ایرانی و استاد دانشگاه واشنگتن برنده «مدال آباکوس ۲۰۲۶» شد



لوموند: فرانسه پس از بازداشت و ضرب‌وجرح دو دیپلمات در تهران، درباره امنیت شهروندانش در ایران هشدار داد



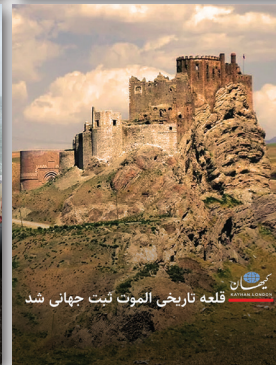
تنش آبی ۵۸ شهر و ۳۴ میلیون نفر در ایران را تهدید می‌کند



اکبر عبدی، بازیگر معروف ایرانی، درگذشت



روزنامه «تلگراف»؛ انتقال عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی به انگلیس از طریق کانال مانس



قلعه تاریخی الموت ثبت جهانی شد



واکنش بازارها به کاهش حملات نظامی میان آمریکا و جمهوری اسلامی



ترامپ کمبود تسلیحات را رد کرد؛ ارائه یک طرح جدید توسط آمریکا به جمهوری اسلامی به عنوان «آخرین شانس»



هوش مصنوعی درباره آینده هوش مصنوعی چه می‌گوید؟



کمبود روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین در ایران؛ واردات بنزین غیرممکن شده است



حمله تروریستی به مراسم «روز افتخار» برلین؛ دست‌کم یک تن کشته و ۱۶ تن مجروح شدند



آکسیوس:
مقام‌های آمریکایی معتقدند تحریم‌ها می‌تواند بیش از بصب‌ها به حکومت ایران آسیب بزنند



پيام شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با قتل حکومتی ابوالفضل سپاهی بادیانی و امیرحسین صفری حسین‌آبادی



آکسیوس: اسرائیل آماده حمله به جمهوری اسلامی بود اما ترامپ با گسترش حملات موافقت نکرد



وداع با «عمو لیندزی»: سناتور محبوب ایرانیان؛ شاهزاده رضا پهلوی؛ او در کنار مردم ایران ایستاد



دونالد ترامپ در گفتگو با فاکس نیوز: آمریکا حساسی از خجالت جمهوری اسلامی در خواهد آمد



۸۰۴ مدرسه در تهران نیازمند تخریب و بازسازی هستند



پشت پرده بیماریان جلسه «شورای عالی دفاع»: فرماندهان برای بررسی شیوه سرکوب اعتراضات جلسه داشتند



کسری ۱۷ هزار میلیارد تومانی سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق بازنشستگان



هواپیمای هدیه‌ی قطر و نگرانی‌های امنیتی آمریکا



تلاش جمهوری اسلامی برای بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده



صنایع درگیر خسارت ناشی از قطع برق؛ هشدار درباره کمبود گاز در زمستان امسال



سرعت افزایش سرطان در ایران دو برابر میانگین جهانی است



عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی: سران آمریکا و اسرائیل «مهدورالدم و واجب‌القتل» هستند



پناهیان: منافع ملی و همه چیزمان را برای انتقام خون رهبر می‌دهیم



ادعای مضحک وزیر نیرو: خاموشی‌ها تا نیمه شهریور برای همیشه پایان می‌یابد



چند ماه عقب‌افتادگی پرداخت حقوق و بیمه کارگران «آرمان گستر نوین»



شیوع سرطان میان کشاورزان ایران به علت استفاده از سموم نامرغوب



وخامت حال بیماران پروانه‌ای به علت قطع برق منازل



ادعای رسانه‌های داخلی: موافقت سران نظام با افزایش قیمت بنزین



توقف حملات آمریکا و تداوم عملیات نظامی نیابتی‌های جمهوری اسلامی



نورم ۸۸ درصدی در تیرماه؛ تصویری از بحران‌های انباشته در اقتصاد ایران



موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی اردن همزمان با رد پیشنهاد عمان برای مشارکت در کنترل تنگه هرمز



ریزش ۳۴ هزار واحدی شاخص بورس



افزایش نرخ بیکاری در بهار امسال؛ حذف بی‌صدای زنان از بازار کار ایران



حمله مشترک آمریکا و عربستان سعودی به مواضع حشدالشعبی در عراق



عکس هفته | پادشاهان ایرانساز پهلوی

چهارم و پنجم امرداد، سالروز درگذشت رضاشاه و محمدرضاشاه، دو پادشاه فقید پهلوی است؛ دو پادشاهی که به پاس خدمات شایسته به ایران و ایرانیان، و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، به پادشاهان ایرانساز معروف شده‌اند. امروز سازندگی ایران در شش دهه حکومت پادشاهان فقید پهلوی، در برابر حدود نیم قرن ویرانگری جمهوری اسلامی بیش از پیش برجسته شده و به همین علت شعار «این آخرین نبرده، پهلوی بر میگرده» شعاری محوری در اعتراضات دی ۴۰۴ بود.